

جهانگیری: باید منویات رهبری در باب اقتصاد مقاومتی به نحو مناسب اجرا شود

\* فرصت تصرف اراضی ملی باید از سودجویان گرفته شود  
\* متخلفان باید بدانند که اقدامات غیر مجاز آنها هزینه‌های بالایی به همراه خواهد داشت  
\* باید بر ساخت و سازهای کشور به صورت جدی نظارت شود

صفحه ۲

اطلاعات

چهارشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۹۴ - ۲۵ ذیحده ۱۴۳۶ - ۹ سپتامبر ۲۰۱۵ - سال نودم - شماره ۲۶۲۴۹ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - ۲۰۰ تومان

رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس جمهوری اتریش و هیأت همراه:

منتظر آثار عملی اظهارات اروپایی‌ها در باره روابط با ایران هستیم



\* لازم است مقامات دو کشور برای تقویت هر چه بهتر روابط برنامه‌ریزی و پیگیری کنند  
\* حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، هدف اصلی «انقلاب اسلامی» را تأمین خیر و سعادت برای مردم ایران و تمام انسان‌ها در سایه «پیامدن راه خدا، حاکمیت عقل و ایمان توأم با عمل» خواندند  
\* رویکرد خیرخواهانه ما دشمنانی در سطح بین‌الملل دارد که به دنبال جنگ افزوی و به جان هم انداختن ملت‌ها هستند. اما ایران دوستان خوب و صمیمی بسیاری در میان دولت‌ها و ملت‌ها دارد  
\* دنباله‌روی برخی کشورهای اروپایی از آمریکا، غیر عقلایی و بی‌مناسبت. البته اتریش جزء این کشورها نیست  
\* اسلام آن چیزی نیست که عوامل انحرافی در منطقه به نام اسلام معرفی می‌کنند، بلکه اسلام بر مبنای منطقی محکم، ایمانی و عقلایی استوار است  
\* رئیس جمهوری اتریش از نگاه مثبت رهبر انقلاب به کشورش ایران خرسندی کرد  
\* فیش: اکنون فرصت جدیدی برای همکاری‌های مشترک به وجود آمده است  
صفحه ۲

رئیس جمهوری: اراده جدی برای مبارزه با تروریسم باید در جهان به وجود آید  
\* آثار توافق هسته‌ای ایران به نفع منطقه، اتحادیه اروپا و جهان است  
\* رئیس جمهوری اتریش: برای افزایش همکاری‌های خود با ایران آمادگی کامل داریم  
صفحه ۲

آغاز شدیدترین حملات جنگنده‌های ترکیه به مواضع پ.ک.ک

\* ۵۳ جنگنده ارتش ترکیه پایگاه‌های پ.ک.ک در شمال عراق را بمباران کردند  
\* ۱۰ نظامی دیگر ترکیه در انفجار مین کشته شدند  
\* نیروهای ترکیه به بهانه تعقیب اعضای پ.ک.ک وارد خاک عراق شدند

صفحه ۱۶

اعلام راهبردهای اقتصادی دولت در برنامه ششم توسعه

\* سخنگوی دولت: دولت اقتصاد مقاومتی را به عنوان یک نسخه خوب برای پیشبرد اقتصاد کشور پذیرفته است  
\* میزان پرداخت اعتبارات عمرانی تا پایان شهریور به ۱۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد  
\* در مذاکره با هیأت‌های خارجی بر روی توسعه پیشران‌های اقتصادی توجه بیشتری خواهد شد  
\* از سال ۹۲ تاکنون حتی یک سنت از صندوق توسعه ملی بدون مجوز قانونی هزینه نشده است

استاندار کرمان: نسل امروز قاسم سلیمانی را سردار ملی می‌داند  
\* علیرضا رزم‌حسینی: وظیفه سنگین مسئولان، انتقال واقعیت‌های دوران دفاع مقدس به نسل جدید است  
صفحه ۱۳

عملیات زمینی ائتلاف عربی در یمن آغاز شد  
\* در این عملیات، یگان‌هایی از امارات، بحرین و عربستان حضور دارند  
\* حمله هوایی ائتلاف عربی به شهر «یریم» یمن ۱۲ کشته و ۳۹ زخمی داشت  
صفحه ۱۶

تجلیل از پرفسور ولی‌الله محرابی و رونمایی از دایرة المعارف تاریخ مصور پزشکی  
\* دکتر زالی رئیس سازمان نظام پزشکی: دکتر محرابی یکی از مصداق سختکوشی، مردم‌دوستی و میهن‌پرستی است  
صفحه ۳

فرهنگی

کرکوک در آتش

حماصه پاپی‌ناری

نگاهی به چالش تعدد واحدهای صنفی و تجاری

نظری‌های ارزشی‌مهمه ها بر خورد ساواک با جلال آل احمد

گزارش در جستجوی روشایی

مجلس در کتابخانه ایران اردوغان و انتخابات پیش‌روی مجلس ترکیه



بیستم شهریور، هشتاد و هفتمین سالروز تاسیس بانک ملی ایران گرامی باد

اداره کل روابط عمومی

بسمه تعالی

در پیشرفت به سمت هدف های آرمانی باید ساخت درونی قدرت را استحکام بخشید، اساس کار این است. مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

در اجرای منویات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) دانشگاه عالی دفاع ملی در نظر دارد همایش ملی استحکام ساخت درونی قدرت ملی نظام جمهوری اسلامی ایران را در آبان ماه سال جاری برگزار نماید. از کلیه علاقه‌مندان، صاحب نظران و اندیشمندان برای مشارکت در همایش و ارائه مقالات دعوت بعمل می‌آید.

اهداف و محور های همایش:

۱- چیستی و ماهیت استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی ایران

۲- چرایی و علل و عوامل مؤثر در استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی ایران

۳- چگونگی تحقق اوامر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی ایران با ملاحظات و تأکید بر:

الف) جایگاه و نقش حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی در بستر سازی علمی و توسعه ادبیات و گفتمان سازی استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی ایران

ب) نقش و مسئولیت ارکان و سازمان‌های کشوری- لشکری در استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی ایران

ج) نقش و وظایف مردم و نهادهای اجتماعی و عمومی در استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی ایران

د) الزامات، راهبردها و راهکارهای عملی در استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی ایران

هـ) نقش نظام سلطه در آسیب رسانی به استحکام ساخت درونی نظام از طریق نفوذ و ایجاد اختلاف

\* مهلت ارسال مقاله تا ۱۳۹۴/۰۷/۲۵

\* زمان برگزاری: ۲۵ آبان ماه ۱۳۹۴

برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت همایش به آدرس: [www.estehkam.sndu.ac.ir](http://www.estehkam.sndu.ac.ir) مراجعه شود.

روزنامه شماره ۹۴/۱۰

فروش املاک مازاد بانک ملی ایران

« با شرایط ویژه و استثنایی »

متقاضیان خرید برای دریافت اطلاعات

بیشتر از تاریخ ۱۳۹۴/۶/۱۸ به پایگاه اینترنتی

بانک ملی ایران به آدرس: [www.bmi.ir](http://www.bmi.ir) مراجعه نمایند.

اطلاعیه

متقاضیان اشتراک روزنامه اطلاعات در تهران بزرگ

می‌توانند از طریق سایت [eshtrak.ir](http://eshtrak.ir) ثبت نام کنند.

امور مشترکین روزنامه اطلاعات

شماره مجوز ۱۳۹۴/۲۹۹۵

آگهی مزایده شماره ۹۴۰۶

شرکت ملی مهندسی و ساختمان نفت ایران در نظر دارد آهن آلات و کالای مشابه بر نیاز خود موجود در انبارهای مرکزی اصفهان، اراک و بندرعباس شامل تیر آهن بال‌بهن، میلگرد آجدار، فلاش (مواد افزودنی بتن)، لوازم و قطعات جرثقیل، چوب و تخته ضایعاتی در قالب ۹ پارتی از طریق سامانه مزایده الکترونیکی دولت به‌فروش برساند.

مزایده‌گران برای مشاهده شرح و جزئیات مزایده و آرایه پیشنهاد از تاریخ ۹۴/۶/۱۸ به سامانه مزایده الکترونیکی دولت به آدرس [www.setadiran.ir/eauc](http://www.setadiran.ir/eauc) مراجعه نموده و تا تاریخ ۹۴/۶/۲۸ اقدام نمایند.

روابط عمومی

نوبت مال آثار روزنامه اطلاعات

۱۳۹۴

ETTELAT NEWSPAPER

تیر اختصاصی ۳۰۰۰ Rls

۳۰۰۰ Customized Stamp

۳۰۰۰ Rls

مؤسسه اطلاعات در نظر دارد تعداد محدودی تمبر یادبود ۹۰ سالگی خود را برای آن دسته از علاقمندان که مایل به نگهداری این مجموعه هستند، به فروش رسانند. علاقمندان می‌توانند با تلفن ۲۹۹۹۳۴۱۱ نمایشگاه دائمی انتشارات اطلاعات، واقع در اتوبان حقانی، ساختمان روزنامه اطلاعات، یا تلفن ۶۶۴۶۰۷۲۴ فروشگاه انتشارات اطلاعات، مقابل درب اصلی دانشگاه تهران، یا فروشگاه اینترنتی [www.ketabettelaat.com](http://www.ketabettelaat.com) و در شهرستان‌ها به نمایندگی‌های روزنامه اطلاعات مراجعه کنند.

مؤسسه اطلاعات



















## اطلاعات

## اخلاق کاربردی

## در زندگی، محیط زیست و اشتغال

### دکتر قاسم صافی



کمال می خواند و به وجد و سرور می‌آورد. و باز در سباقهٔ طولانی تاریخی و فرهنگی غنی ایران، نمونه‌های دیگری از آثار هنری و خدمات عام‌المنفعهٔ زیست محیطی و آرمان شهری را ملاحظه می‌کنیم. مثل آنچه برای بهینه‌سازی منابع آبی و کشاورزی و فراهم‌کردن زندگی خوب و سالم و استفاده از مواهب طبیعی برای عموم، با تعبیهٔ فلات یا کاریز مد نظر بوده و از دوران گذشته، میراث بی‌بدیلی برای زنده نگه‌داشتن تمدن و حیات در ایران به‌خصوص مناطق خشک و کویری از آن به جا مانده است. فلات، مظهر علم و تفکر ایرانی در جهان و به عنوان یکی از ستی‌ترین و کاربردی‌ترین شیوهٔ ذخیره و انتقال آب، ایران را از یک خشکسالی‌های پایایی نجات داده و با آن، تمدن و فرهنگ عرصه کرده است. به نحوی که می‌توان گفت کشاورزی ایران، مدیون همین قناتهای کهن بوده که با تأسیف در دوران معاصر با رویکرد غلط نسبت به بهره‌برداری آب قناتها و مجوز بی جا و بی‌شمار حفر چاههای عمیق برای مصارف کشاورزی و صنعتی و مدیریت غلط و فهم نادرست از توسعهٔ کشاورزی و احداث سد های بی در پی و آلودن قنات ها در بعضی نقاط به پسماندهای بیمارستانی، اغلب آلوده، کما ب و خشک شده‌اند.

مرحوم دمخدا در لغتنامه اشاره کرده‌اند: فلات یا کاریز، ابداعی ایرانی و در جریان انداختن آبهای زیرزمینی و کاری فنی و تخصصی و هنری دقیق است که به مدد اندیشه و خرد انجام گرفته و قمعش به قرن چهارم هجری می‌رسد. فلات چند کارکرد داشته: یکی انتقال آب از نقاط پربارش به نقاط کم‌بارش، دیگر جلوگیری از تبخیر آب به علت انتقال زیرزمینی برخلاف سد که در پشت سد به میزان بالایی، آب تبخیر و هدر می‌رود. سوم، افزایش نفوذ آب به منابع زیرزمینی، و بالاخره کمک به کشاورزی؛ که شوریختانه با وجودی که در فهرست آثار ملی قرار دارد به دلایلی که ذکر شد، قربانی ندانم‌کاری‌های مدیران نسل حاضر و بی‌رویه‌ای‌های افراد سودجو و طغّاع شده است و طوفانهای نمکی و ریزگردها و بحران کم‌آبی و خشکسالی و مصیبت‌های اقتصادی و جنگل‌تراش، و بی‌اخلاقی پدید آورده است و در ادامه آن، احترام با عناصر اصلی حیات، فضایی که انسان در آن به راحتی نفس بکشد، تصمیم بگیرد، انتخاب کند، انتخاب شود و شادی و پویایی‌اش تأمین باشد به سرعت روند کاهش گرفته است.

**خلاصه و نتایج**

حقیقت این است که آنچه به عنوان زمینه‌های اخلاق کاربردی و راهبرد آن در محیط زندگی و نحوه اشتغال و زیست با فضیلت مطرح است، مسألهٔ شمولیت آن است مستشمل بر آگاهی علمی و دانش سنجیا و عملگردهای فردی یا جمعی ما، پیامدهای در زندگی همه موجودات دارد و می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی روی زندگی انسان‌ها و محیط زیست داشته باشد. آسیب به یک سبک زندگی، موجب آسیب به اشکال دیگر زندگی می‌شود. همین عقیده دست کم باعث شده است هندویان از جنگل‌های همیالیا محافظت کنند. اگر ما درک کنیم که لازم است از تنوع زیستی مراقبت کنیم، به واقع در مسائل اخلاقی رنر شد کرده‌ایم. بدون تقویت و شناختن به خشنیدن بر ارزشهای اخلاقی و تقویت بینش‌های نظاد و اطلاع‌رسانی، روشن‌بینانه‌ترین قانون‌گذاری و جامع‌ترین زمینه‌های تحقیقات و فناوری نتخواهد توانست جامعه را به سوی هدف بهبود محیط زیست و محیط شهرداری واقع می‌شود و آدمیان را از هتک حرمت حقوق دیگران در نتیجه موجودات زنده می‌رسد.

حقیقت این است که ارزش‌دادن به طبیعت به خاطر اهمیت منحصر به فردش برای بقای انسان و کلیه موجودات، الزامی است و مسلماً عملگردهای فردی یا جمعی ما، پیامدهای در زندگی همه موجودات دارد و می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی روی زندگی انسان‌ها و محیط زیست داشته باشد. آسیب به یک سبک زندگی، موجب آسیب به اشکال دیگر زندگی می‌شود. همین عقیده دست کم باعث شده است هندویان از جنگل‌های همیالیا محافظت کنند. اگر ما درک کنیم که لازم است از تنوع زیستی مراقبت کنیم، به واقع در مسائل اخلاقی رنر شد کرده‌ایم. بدون تقویت و شناختن به خشنیدن بر ارزشهای اخلاقی و تقویت بینش‌های نظاد و اطلاع‌رسانی، روشن‌بینانه‌ترین قانون‌گذاری و جامع‌ترین زمینه‌های تحقیقات و فناوری نتخواهد توانست جامعه را به سوی هدف بهبود محیط زیست و محیط شهرداری واقع می‌شود و آدمیان را از هتک حرمت حقوق دیگران در نتیجه موجودات زنده می‌رسد.

حقیقت این است که ارزش‌دادن به طبیعت به خاطر اهمیت منحصر به فردش برای بقای انسان و کلیه موجودات، الزامی است و مسلماً عملگردهای فردی یا جمعی ما، پیامدهای در زندگی همه موجودات دارد و می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی روی زندگی انسان‌ها و محیط زیست داشته باشد. آسیب به یک سبک زندگی، موجب آسیب به اشکال دیگر زندگی می‌شود. همین عقیده دست کم باعث شده است هندویان از جنگل‌های همیالیا محافظت کنند. اگر ما درک کنیم که لازم است از تنوع زیستی مراقبت کنیم، به واقع در مسائل اخلاقی رنر شد کرده‌ایم. بدون تقویت و شناختن به خشنیدن بر ارزشهای اخلاقی و تقویت بینش‌های نظاد و اطلاع‌رسانی، روشن‌بینانه‌ترین قانون‌گذاری و جامع‌ترین زمینه‌های تحقیقات و فناوری نتخواهد توانست جامعه را به سوی هدف بهبود محیط زیست و محیط شهرداری واقع می‌شود و آدمیان را از هتک حرمت حقوق دیگران در نتیجه موجودات زنده می‌رسد.

انسان موفق، متعادل، مسئول، مؤمن و اثرگذار کسی است که به اصول اخلاقی پایبند و افراد جامعه نسبت به حقوق و وظایف اخلاقی او جمله در زمینه مسائل زیست محیطی خود از طریق آموزش‌های همگانی و موضوع‌های صلاحیت، صداقت، مسئولیت‌پذیری، احترام به حقوق و شأن افراد، درگرای در مورد رفا و آسایش دیگران، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و جز آن آشنا شوند. امکان رعایت مسائل مختلف به لحاظ اخلاقی میسر است و اخلاق جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کنند.

منافع جامعه لیجایی می‌کند که انسان در هر جامعه اعم از جامعه روستایی، جامعه شهری و جامعه بشری، موازین اخلاقی را رعایت کند. این اخلاق در جنبه قابل بحث است؛ از جمله اخلاق مذهبی که الهام‌بخش آن، مذهب و دین است؛ اخلاق اجتماعی که از جامعه‌شناسی و مقررات اجتماعی الهام می‌گیرد؛ اخلاق خانوادگی که در مدیریت خانه موردتوجه واقع می‌شود؛ و بالاخره، اخلاقی حرفه‌ای که به شغل فرد و محیط کار او مربوط می‌گردد.

انسان موفق، متعادل، مسئول، مؤمن و اثرگذار کسی است که به اصول اخلاقی پایبند و افراد جامعه نسبت به حقوق و وظایف اخلاقی او خضوت نظیر مهمانما گدائی، تمام‌عالم را یک خانواده تصور کند و سعی کند به‌جا و به‌موقع و به‌اندازه، مسئولیت اخلاقی خود را ایفا نماید و به تداوم پیوستگی و اخلاق و دیدگاه‌گرایانه بگذرد که این امر، زمینه‌ساز سعادت فرد و بشر خواهد بود. به همین دلیل در کتابهای آسمانی و به‌ویژه در قرآن کریم، آیات متعددی به بحث اخلاق و رعایت اصول اخلاقی تأکید عیار کرده و پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> غرض از بحث خود را به اتمام رساندن مکالم اخلاقی عنوان کرده و پیامبران و امامان، اسوه اخلاق و متعهد به اصول اخلاقی بوده و فلسفه‌ای‌ای چون سقراط و بزرگانی چون خواجه نصیر طوسی و ملاطرح‌های اروپائی نظیر مورلی و غزالی در زمینه اخلاق آثاری پدید آورده‌اند و ایمان را به رعایت اصول اخلاقی فرارنگشته‌اند.

کتابهایی نظیر گلدستان و بوستان سعدی، نثران سهرابی، مرزبانانه، فرهنگ، سیمک کجی و بوستان و آثار ارزشمند سنائی غزنوی، عطار نیشابوری، نظامی گنجوی، حافظ شیرازی، فردوسی طوسی، عبدالرحمن جامی، ملاحسن فیضی کاشانی و بزرگمهر کهنی و… نمونه‌های دیگر در گذشته و شخصیت‌هایی از شعاری معاصر مانند فردینو مشیری، سهراب سپهری، پروین اعتصامی و دیگران جنگلی به گونه‌ای در آثار رزیا و بدیع خود، به رعایت نواحی مختلف اصول حرفه‌ای و تمهیدهای اخلاقی در جامعه تأکید کرده‌اند و اقتضا می‌کند در مقالاتی مستقل به آن پرداخته شود.

باری، خانه و مدرسه و دانشگاه، علترین نهادی هستند که به تعلیم و تربیت کودکان و جوانان می‌پردازند و چنین است که مشکلات اخلاقی از این نهادها به سمت و سوی عموم مردم جامعه راه می‌یابد. مسلماً در حاشیه این نهادها، رسانه‌های جمعی مثل رادیو، تلویزیون و رسانه‌های اینترنتی نیز نقش بسزایی در ارتقاء فرهنگ و اخلاق دارند و جنگلی که بروز یا اجتناب افراد از موارد سوءاخلاقی، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند.

برای اجتناب از آفات اخلاقی، راهکارهایی در بخشهای مختلف ارائه شد و روند گردید که افراد مسئول هر یک از این نهادها و در مرحله اول خانواده که زیرساخت‌های اخلاقی است، لازم است با موازین اخلاقی و اخلاقی کاربردی که به الگوهای متعدد آن اشاره شده، آشنا شوند و تمرین کنند که روند گفتار و کردار و کنشها و واکنشهای خود را که الگو قرار می‌گیرد، بر آن میزان استوار سازند و جریمی برای رعایت نظم زندگی فردی و اجتماعی و اصول اخلاقی برای خود قائل شوند.

دوم آنکه، برای پیشگیری از آفات اخلاقی و بروز ناهنجاری‌های اجتماعی، همه جا و برای همه کس و در همه نهادها باید قانون به طور جدی دقیقاً رعایت شود ضمن آنکه از وجدان اخلاقی نیز کمک گرفته شود؛ زیرا قانون به تنهایی کافی نیست.

راهکار سومی که برای کات آفات اخلاقی بسیار کاربرد دارد، تبیین مبانی معرفتی و فلسفی اخلاق، و مبارزه مفطعی و انتقادی با شیوه درست و علمی از طریق رسانه‌ها و مطبوعات است. عملکردهای منفی سازمانها و نهادها و دیگر حوزه‌های آشکار و نهان در از کارن جامعه تأثیر می‌گذارد. با داشتن چنین رویه‌ای می‌توانیم در آینده آسانهایی مانند باخشی با احساس نعدولستی و خیرخواهی برای یکدیگر و احساس نسبت به حفظ حرمت و طبیعت و زیست و سنگبگیر به هر نوع رانت‌خوااری و ارتشا و پایبند به اجرای عدالت اجتماعی و دموکراسی.

بر اهل معنی شد سخن، اجمال‌ها تفصیل‌ها بر اهل صورت شد، سخن تفصیل‌ها اجمال‌ها

**اشاره:** ۱۸ شهریورماه سالگرد درگذشت «جلال آل قلم»، مرحوم جلال آل احمد است که در چنین روزی در سال ۱۳۴۸ در اسالم گیلان درگذشت. او در طول زندگی کوتاهش بسیار کوشید و خرسید و در عرصه‌های گوناگون قلم زد و آثاری آفرید که تا امروز خواننده و تأثیر گذار است. نوشتار زیر به همین مناسبت در دسترس خوانندگان گرامی قرار می‌گیرد. یاد مرحومان برادرش شمس آل احمد و همسرش نان و دکتر سیمین دانشورا نیز گرامی می‌داریم.

\*\*\*

مرحوم آل‌احمد همیشه و در هر جا، سخن خود را بر اساس آنچه حق می‌دانست بدون مصلحت‌اندیشی، بی محابایی گفت؛ به عنوان نمونه: «مأمور ساواک در یکی از بازجویی‌ها، ضمن تشریح نتایج سوء مطالبی که آل‌احمد نوشته(!) به زعم ساواک از آن به مصلاح مملکت بی‌توجهی کرده» در پاسخ می‌شوند که:

«من یک نفر نویسنده و معلم هستم باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا چیز دیگر، نیست. دستم از امنیتی مملکت از مدتها قبل برآم تصفیقاتی فراهم کرده و تمام جراندی که از آنها همکاری داشته‌ام، ما بیرون انداخته‌اند. از دانشسرای عالی بیرون کرده‌اند. باین ترتیب هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم…»

«به عنوان فردی از نهضت ملی ایران بدون وابستگی به هیچ دسته‌ای، تنها با اتکا به قلم خود برای بیداری و هوشیاری مردم فعالیت می‌کنم؛ زیرا قلم برای بیست میلیون مردم پایانه و گرسنه می‌سوزد و…» روح بی‌قراری که در آغاز طلبه‌بود، به عتبات رفت، ناب نیاورد، به ایران باز گشت، از مذهب گریخت، جلب حزب توده شد، از حزب اشعاب کرد، به حزب زحمتکشان پیوست، پس از آن به «نیروی سوم» ملحق شد و از آنجا هم بیرون آمد، تنها به اتکا قلم خود، ایستاد و ایستادگی کرد.

جلال آل احمد، قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ تحت نظارت و مراقبت دائمی ساواک بود، هیچ گاه او نداد، هیچ گاه بهانه‌ای به دست ساواک نداد. از همه احزاب دست کشید؛ اما از قلم خود دست نکشید. نوشت و نوشت و… از سفری به سفری از کشوری به کشوری رفت و نوشت و سفرنامه‌ها آفرید. متجاوز از هفت سفرنامه نوشت. شاید مهمترین آنها، سفر به اسرائیل است که با عنوان «سفر به ولایت عزرائیل» و با تیراز سیعی از طرف طلاب حوزه علمیه قم منتشر گردید و با استقبال ویرور شد.

#### شیوه‌های برخورد با آل‌احمد در گزارش‌های ساواک

نگاهی به این اسناد، ما را با شگفتی مواجه می‌کند. نمی‌دانیم آیا ساواک آل‌احمد می‌ترسیده یا به جلال آل‌احمد، از آغاز جوانی از زمانی که فعالیت‌های سیاسی – اجتماعی را شروع کرد، تحت نظارت و مراقبت‌های دائمی ساواک قرار گرفته تا لحظه مرگ و حتی چند سال پس از مرگش ادامه داشته است!

نخستین گزارش ساواک از آنچه در کتاب «جلال آل‌احمد به روایت اسناد اسناد اسناد» آمده است، گزارشی است در خصوص فعالیت‌های نویسنده‌ای‌اش به عنوان یکی از نویسندگان و گردندگان روزنامه «نیروی سوم» که گروهی که در حمایت از مصدق فعالیت می‌کردند. از آن پس تا درگذشت شهادت‌گونه‌اش به سال ۱۳۴۸ در «اسالم» تمامی رفتار و گفتار و نوشتار آل‌احمد، تحت نظر و مراقبت ساواک بوده است. نقلی ساواک آن بوده است که از جنبیدن پشه‌ای در ایران غافل نبوده است!

گر در همه آفاق یکی پشه بچیند

چنیند او (آل احمد) سعی داشته‌اند مثنی سیاست هر کتابی با مقاله‌ای از آل‌احمد بیرون می‌آمده گزارش می‌شده است. از گزارش‌های دیگر به آن سمع ساواک می‌رسیده است. آنچه از کتاب «جلال آل‌احمد به روایت اسناد ساواک» مشاهده می‌شود، در مدت ۱۷ سال از ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۸

### ♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

دولت از مردم جداست، و…

حضور من در اینجا دلیلی است بر عدم وجود آزادی در مملکت. سازمان امنیت، امنیت فردی را سلب کرده و مرا در حالی که منافع و مصالح مملکت را تشخیص داده و به مقتضای آن اقدام کرده و به عنوان خائن و ناآگاه که مصالح کشور مورد استیضاح قرار می‌دهد. در حالی که من هیچ گاه از عقیده خود و از محسوسات اجتماعی خود دستم‌از نکرده و همسرش نان و دکتر سیمین دانشورا خواهم کوشید… من به عنوان یک روشنفکر ایرانی، با روش‌گونی حکومت و سیاست خارجی آن مخالفم و این مخالفت را تحت هر عنوانی که باشد نشان می‌دهم…»

۱-مقام محترم مدیریت کل او را احضار و به حضور پذیردند و به ترتیب سابق، مقداری تحقیب و درعین حال تهدید، وی را از ادامه رویهٔ کنونی منع فرمایند.

## نظرها و اندیشه‌ها

عبادت است. مانند ساختمان مجلس شورای ملی و سنابر کسی را به نان و علفی پارساند؟ مدرن بازی دربیاروید.

–انتقاد از تاتار «استعماک دخانیات ممنوع»

–در مورد وضع بلوچستان می‌نویسد: «از بغل گوش همین مردم بلوچ سنگ آهن را می‌برند به بندرعباس که بار کمتر برای کوره‌های روهر و یا هر جای دیگر کارگر کرمانی از این صدور سنگ آهن روزی یک تومن هم عایدش نمی‌شود! اما وقتی می‌خواهد چرخ خیاطی برای عروسیش بخرد، باید ۷۰۰ تومن پول بدهد؛ یعنی مزد دواش را!»

–اشعار از اوضاع خوزستان و…

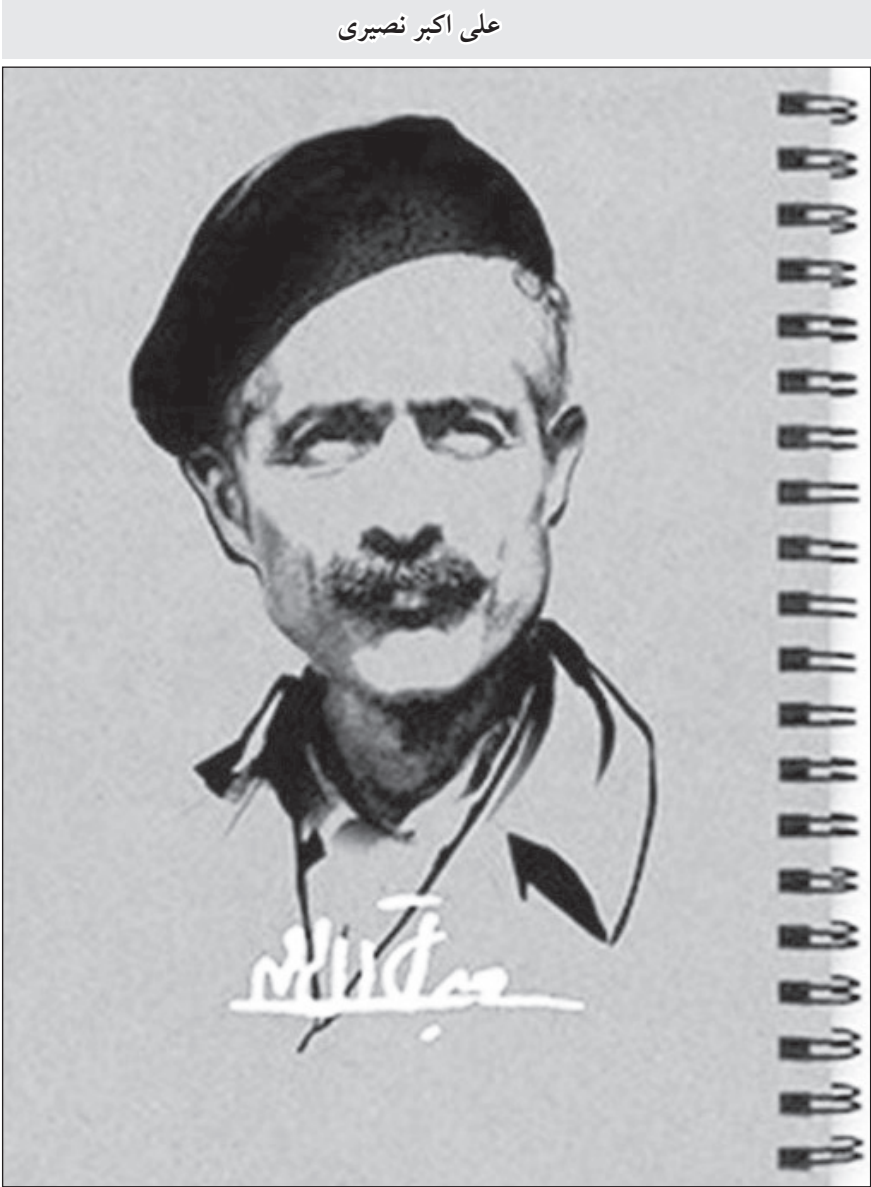
–در مورد سد جهمل‌ضرب‌پهلوی و از کار سازمان آب و برق خوزستان انتقاد می‌کند که…

–در مورد عصبانیت‌های او در کتاب جلال آل احمد، ساله آن و …

«نظریه:بـاعـض مراتب فوق و بـا توجـه بـه اینکـه

# برخورد ساواک با

# جلال آل احمد



نویسنده این کتاب اصولاً شخص منتقدی از اوضاع کشور و زیربانی فکری نوشته‌هایش جلویگری و محدودیت کتاب به مصلحت نمی‌باشد. مستدعی است در صورت تصویب، اجازه فرماید به منظور جلوگیری از توزیع آن اقدامات مقتضی به عمل آید. مـوـکـول به اوامر عالی است.»

«دستور:با یگانی شود. ۴۷/۹/۶»

**نمونه پنجم:** دربارهٔ: کتاب مقالات جلال آل احمد (کارنامه سه ساله) (صفحه ۲۱۴ اسناد جلال آل احمد) «خلاصه مطالب کتاب مذکور تهیه و به عرض تیمسار معاونت یک رسد که به نظر به این بخش مبنی بر ماعت از انتشار کتاب مورد بحث، موافقت فرمودند. مراتب جهت استحضار و هر گونه اقدام مقتضی اعلام می‌گردد. ضمناً کتاب موصوف و یک نسخه از آن به مدیران ارسال شد.»

«دستور:با یگانی شود. ۴۷/۹/۶»

**نمونه ششم:** گزارش مورخ ۴۷/۱۰/۲۳ موضوع: کانون نویسندگان [ص ۲۱۸ اسناد جلال آل احمد] «در این گزارش چند زمختکشان، که در حمایت از مصدق فعالیت می‌کردند. از آن پس تا درگذشت شهادت‌گونه‌اش به سال ۱۳۴۸ در «اسالم» تمامی رفتار و گفتار و نوشتار آل‌احمد، تحت نظر و مراقبت ساواک بوده است. نقلی ساواک آن بوده است که از جنبیدن پشه‌ای در ایران غافل نبوده است!

چنیند او (آل احمد) سعی داشته‌اند مثنی سیاست هر کتابی با مقاله‌ای از آل‌احمد بیرون می‌آمده گزارش می‌شده است. از گزارش‌های دیگر به آن سمع ساواک می‌رسیده است. آنچه از کتاب «جلال آل‌احمد به روایت اسناد ساواک» مشاهده می‌شود، در مدت ۱۷ سال از ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۸

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

♦♦♦ جلال آل احمد: من نویسنده و معلم هستم و باید بنویسم و بگویم و اگر ننویسم و نگویم، بیمارم و زندگی من جز تلف کردن نعمت‌های خدا، چیز دیگر، نیست. دستگاه امنیتی مملکت قبل برایم تصفیقاتی فراهم کرده و هر چه عرصه را نتگرت کنند، من باریکتر می‌شوم؛ زیرا حرفم را باید بزنم

چهارشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۹۴ - ۲۵ ذیحده۱۳۹۴ - ۹ سپتامبر ۲۰۱۵ - سال نودم - شماره۲۲۴۹۹

## اخلاق و فلسفه

### بخش چهارم

اسپینوزا می‌گفت: از آنجا که انسان در خود «کمالی» می‌یابد و سعادت خود را در رسیدن به آن می‌بیند، می‌توان گفت: آنچه انسان را بآبدان کمال نزدیک سازد، «خیر» محسوب می‌شود و آنچه آدمی را از آن دور کند، «بد» به شمار می‌آید. بنا بر آنچه گفته شد، کسی به «کمال» دست می‌یابد و به زندگی «سعادت‌مانده» می‌رسد؛ که نخست: این حقیقت است در دریاد که جریان حوادث قیلاً تعیین شده است (یعنی همه چیز جبری است). دوم: این مسأله را به عنوان یک واقعیت بپذیرد و باور دارد که آنچه «باید»، لازم است روی دهد، روی می‌دهد:

هر چیز که هست، آنچنان می‌یابد

نیروی انسان محدود است و ستیز در مقابل طبیعت و روزگار، کاری است بیهوده؛ عزیز فی‌المثل دوستی است «دامن کفن زیر پای کشته» یا سرمایه‌ای بزرگ و ورطهٔ نابودی در افتاد و یا خاتمانی بر باد رفت، نباید شسبون کرد؛ زیرا همهٔ این جریانات جزئی از نظام عظیم طبیعت است و لزوماً برای همهٔ ذرات بر این خیر است و قبول و تسلیم در برابر آن ضروری است.

سوم: خود را از سلطه هواها و خواهشهای نفس برهاند و تسلیم خرد خویش شود که «فضیلت همانا زندگی با راهنمای خرد و مطابق با اصول خرد است. چهارم: نیروی تفکر خود را تقویت کند تا به بالاترین مرتبه معرفت یعنی معرفت شهودی و علم حضوری برسد؛ زیرا در مرحله است که انسان به هرچه بنگرد، آن را مظهر ذات حق (خدا) می‌داند، خود را با خدا یکی می‌بیند، همواره شهادت است و همه در دست دارد. آن کس که به چنین مرتب‌ای رسید، زندگی‌اش «حکیمانه» است. چنین شخصی به مرحله «کمال» رسیده و «کیمی» سعادت را یافته است.

۱. **نظریه سودگرایی:** سودگرایی (Utilitarianism) به عنوان یک نظریهٔ اخلاقی در تاریخ تفکر، سبببهای طولانی دارد و هنوز هم مورد قبول بسیاری از فلاسفهٔ آمریکایی و انگلیسی است. مشهورترین فیلسوفانی که از نظر سودگرایی دفاع کرده‌اند، **جرمی بنتام** (۱۷۴۸–۱۸۳۲) و **جان استوارت میل** (۱۸۰۸–۱۸۷۳) – فیلسوفان انگلیسی هستند.

۲. به نظر سودگرایان معیار ارزشناختن عمل خیر (نیک) از شر (بد)، اصل سودمندی است. بنابراین اصل سودمندی، هر عملی که بیشترین سعادت و شادی را برای بیشترین افراد ایجاد کند، خیر، و نیک است. نظریهٔ سودگرایی، صواب (خیر) یا خطا (شر) بودن یک عمل را از خوب یا بد بودن عامل آن جدا می‌سازد و تأکید می‌کند که انگیزه و نیت عامل عمل مهم نیست. موارد زیادی دیده شده است که در آن، انسان‌ها بر مبنای بهترین انگیزه و نیت عمل می‌کنند، مگرکنان نتایج عمل آنها ویرانگر و موحش است؛ فی‌المثل هیتلر با انگیزه‌ای خیر و با آرزوی سروری آلمان و ملت آن، جنگ را آغاز کرد و پنداشت با کشتن دشمنان می‌تواند به هدف خود برسد، اما نتیجهٔ آن ویرانی و تباهی آلمان بود. بنابراین آنچه مهم است، نتیجهٔ عمل است و چنانچه آثار سودمند یک عمل بیش از آثار زیانمندش باشد، آن عمل، صواب (خیر) است، در غیر این صورت خطا (شر) است.در ادامهٔ مطلب خلاصهٔ نظریهٔ اخلاقی جرمی بنتام و جان استوارت میل را طرح می‌کنیم:

**نظریه اخلاقی بنتام:** به نظر او هدف انسان، سودخواهی و جلب خوشی است. بنابراین نیک (خیر) عملی است که از او سود خوشی‌ای زاید و بد (شر) عملی است که رنج و زیان به‌بار آورد. بدین‌ترتیب باید عملی را برگزید که خوشی و سود ناشی از آن با دوام‌تر باشد و افراد بیشتری را شامل گردد و از اعمالی که نتیجهٔ آنها رنج است، دوری گزید.

جان استورث می‌عتقد بود که انگیزهٔ نیکوکاری، اکسایبی است. ابتدا بسنجیم‌ه‌مدری که شاید بهترین انسان را از خوشی دیگران شاد می‌کند، به‌تدریج بر اثر تجربه، ملکهٔ نیکوکاری در انسان به وجود می‌آید و آدمی درمی‌یابد از آنجا که مجبور است در اجتماع زندگی کند، خوشی او در خوشی و رنج او خوشی دیگران است. بدین‌ترتیب انسان به غیرخواهی نمی‌آورد و خوشی به جای می‌رسد همگان می‌شود و سرانجام این حس غیرخواهی به جایی می‌رسد که شخص به خاطر سود دیگران، از سود خویش نیز می‌گذرد و باور می‌دارد که باید انسان بودن.

از میمان منتکران معاصر آمریکا **ویسل دورانت** (W.Durant) طرفدار سودگرایی است. وی به صراحت اعلام می‌دارد که معیار اخلاق همان صلاح جامعه است؛ یعنی نیک آن است که به صلاح جامعه باشد و شر آن است که با سود جامعه مغایرت داشته باشد. خیر عملی – خودکشی است اگر به جامعهٔ زبانی نرساند، شر نیست. به نظر وی دورانت اخلاق عبارت است از «همکاری جزء به کل» که جزء همان فرد است و کل جامعه.

۳. **نظریه اخلاقی کانت:** کانت فیلسوف بزرگ آلمانی قرن هجدهم به‌سبب مسائل اخلاقی را در یکی از دو کتاب معروف خود، یعنی کتاب «نقد عقل مطلق عملی» مورد بحث و بررسی قرار داده است. خلاصهٔ نظرات اخلاقی او به شرح زیر است:

۱. **عقل مطلق عملی:**



















## اطلاعات

**صحنه‌ای کتابی**

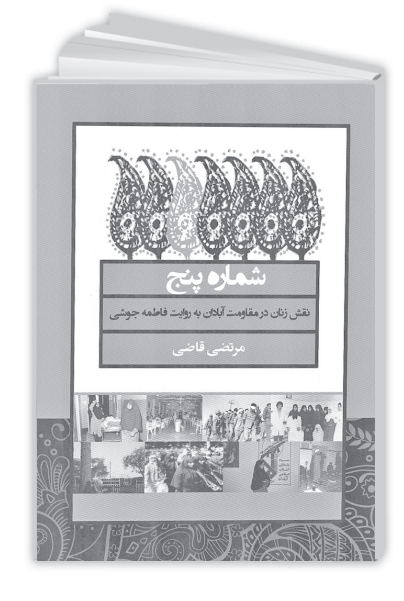
**نقش زنان در مقاومت** **آبادان**

کتاب نقش زنان در مقاومت آبادان به روایت فاطمه جوشی (شماره پنج) به‌قلم مر نضی قاضی منتشر شد. این کتاب ۴۶۲ صفحه‌ای توسط مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به چاپ رسیده و به قیمت ۱۸ هزار تومان در بازار عرضه شده‌است.

این کتاب مشتمل بر شش فصل شامل تولیدات انقلاب، باشگاهوارید، آبادان در حضور ارتش سپه‌میلبانی، شکست حصر آبادان، و آزادی خرمشهر است.

در بخشی از مقدمه کتاب به‌قلم نویسنده آن، می‌خوانیم: هر چند که نقش و حضور زنان در جنگ یکی از ناگفته‌های هشت سال دفاع مقدس محسوب می‌شود، اما اهمیت آن بر کسی پوشیده‌نیست.

در طول تاریخ حضور زنان در جنگ‌ها همواره از نظر کمی و کیفی با مردان متفاوت بوده‌است. زنان به دلیل ویژگی‌های خاص جسمی و روحی از خط مقدم تیرد دوررو با دشمن دور بوده‌اند و غالباً حضوری حمایتی داشته‌اند. هشت سال دفاع مقدس نیز این این‌قاعده مستثنی نیست.



زنان مسلمان ایران در طول این هشت سال، نقش و حضوری چشمگیر در این جنگ طولانی داشته‌اند. در حقیقت پشتیبانی معنوی و حتی مادی جبهه‌های نبرد به نوعی بر عهده ایشان بوده‌است، در این بین حضور زنان در شهرهای مرزی و جنگ‌زده که در واقع خود، خط مقدم جبهه محسوب می‌شدند، متفاوت از حضور ایشان در سایر نقاط کشور بوده‌است. خطر شهادت و حتی اسارت برای زنان این شهرها خطری جدی محسوب می‌شد. این شرایط در شهر آبادان به خصوص در سال اول جنگ، به مراتب پیچیده‌تر و سخت‌تر بوده‌است. یک سال زندگی و البته مزاحمت در محاصره کامل دشمن، موقعیتی بود که به حضور زنان در آبادان صورتی متفاوت و منحصر به فرد بخشید.

بر این اساس گروه مطالعات جامعه‌محور مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در راستای ضبط و ثبت نقش زنان در جنگ ابتدا نظر در تدوین تاریخ شفاهی زنان مقاومت در آبادان را مطرح کرد.

بعد از بررسی‌های اولیه سرکار خانم فاطمه جوشی، مسئول بسیج خواهران آبادان در یک‌سال محاصره، به عنوان یکی از شخصیت‌های محوری این عرصه برای مصاحبه و تدوین تاریخ شفاهی انتخاب شد. مصاحبه‌ها به سرکار خانم نسیم حسینی که حدود ده‌سال در حوزه‌دفاع مقدس مشغول به تحقیق و نوشتن است، واگذار شد و پس از مذاکرات اولیه

دوروز از شروع جنگ تمجیلی می‌

دفاع مقدس قرار شد با توجه به شرایط کاری ایشان، کل کار در دو مرحله انجام شود.مرحله اول مصاحبه و بازدید در آبادان بود که در ۱۳۹۰/۱۱/۹ آغاز و طی یک هفته انجام شد.مرحله دوم به فاصله چند ماه بعد، در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۲۶ در تهران آغاز شد و به صورت جلسات مصاحبه به مدت پنج روز ادامه یافت. در مجموع کل مصاحبه در ۱۴ جلسه و حدود ۳۰ ساعت انجام شد. مطالعه مقدماتی، بازخوانی کتب منتشر شده در مورد آبادان، بر گزاری جلسات مصاحبه اولیه، پیاده‌سازی و تایپ،نمونه‌خوانی و مقابله و ویرایش تکمیلی و اقدامات پژوهشی پروژه به هم حاصل این گفت و گوها و مطالعات پیرامونی در ۱۴ فصل مجزا و ۱۲۰۰ صفحه تدوین شد.

پس از آماده سازی بستر نگارش نهایی کتاب تاریخ شفاهی، تدوین کتاب اصلی به اینجانب سپرده شد. تدوین کتاب با استفاده از گفت و گوهای انجام شده و تحقیقات دفاع مقدس در سراسره چگونگی تدوین تاریخ شفاهی زنان مقاومت از تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۹ آغاز شد و با نظارت علمی سر کار خانم مرجان فولادوند و از بازبینی نهایی سر کار خانم جوشی، راوی محترم کتاب، و انجام آخرین اصلاحات مورد نیاز ناظر محترم و مدیریت تأیید. متن کتاب در اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در آبان ماه ۱۳۹۳ به پایان رسید و متن نهایی برای اقدامات بعدی به گروه مطالعات جامعه‌محور تحویل شد. کتاب «شماره پنج» در ۶ فصل تدوین شده‌است.

در نحوه تدوین این کتاب، ذکر چند نکته لازم است. در تدوین تلاش کرده کم سیر زمانی مطالب را رعایت کنم. در فصل اول، دوم تا نیمه فصل سوم، این رعایت سیر زمانی انجام گرفته‌است. اما از آنجایی که اصلی‌ترین فعالیت خانم جوشی در دوران یک سال محاصره آبادان، مسئولیت بسیج خواهران و همچنین فعالیت در بیمارستان شکت نفت آبادان بوده‌است، لذا لازم بود که در پرداخت به این موضوعات، شکل دیگری از تدوین را مدنظر قرار دهم. بنابراین، از نیمه فصل سوم تا پایان فصل پنجم، اتفاقات به شکل موضوعی تنظیم و تدوین شده‌اند. هر چند در تنظیم مطالب این بخش، به سیر زمانی، حوادث و اتفاقات، خصوصاً در مقاطع زمانی مهم، بی توجه نبودم، فصل ششم کتاب، بر اساس سیر زمانی، فعالیت‌های خانم جوشی پس از فتح خرمشهر تا پایان جنگ را تشکیل می‌دهد. کم مطالب ناگفته مهمی از جنگ را شامل می‌شود. همچنین در تدوین این کتاب سه موهفقه این حق مطالب داشود، در لحن روایت راوی هیچ تغییری ایجاد نشود و مخاطب در پیگیری مطالب دچار ابهام نشود.

ذکر یک نکته دیگر در مورد این کتاب هم خالی از لطف نیست. مبتنی بر سیاست گذاری و شیوه‌نامه مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، محوریت و تمرکز مطالب این کتاب، فعالیت‌های خانم جوشی در دوران انقلاب، بعد از پیروزی انقلاب تا شروع جنگ و همچنین دوران هشت ساله دفاع مقدس است. بنابراین، در این کتاب به زندگی شخصی راوی تا حد زیادی پرداخته نشده‌است. البته عدم تمایل راوی به روایت این بخش از زندگی خود نیز علت دیگر این مسئله بوده‌است. همچنین فصلنامه شماره‌های ۱۱ و ۱۲ مطالعات جنگ عراق و ایران، دو کتاب دیگری است که توسط مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به چاپ رسیده‌است.

فرهنگ راهبردی و بنیان‌های تاریخی، نظری و مفهومی و

همچنین مولفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ راهبردی جمهوری

ایران در اندیشه امام خمینی (ره) به قلم دکتر رضا خلیلی و دکتر قاسم تهرانی عنوان دو مقاله‌ای است که در فصلنامه شماره دهم به چاپ رسیده‌است.

همچنین از مقالات چاپ نشده در فصلنامه شماره یازدهم می‌توان به انقلاب در امور نظامی آمریکا و جنگی آینده به قلم دکتر حیدرعلی بلوچی و استنساخت هایت تحریم اقتصادی با نگاهی به تحریم‌های یک جانبه آمریکا علیه ایران در دوران جنگ تحمیلی» به قلم به‌غوب نعمتی و لیا نعمتی اشاره کرد.

دوروز از شروع جنگ تمجیلی می‌گشت. در این مدت نیز پروازان نیروی ارتش جمهوری اسلامی ایران هواپایه‌های دشمن را به سختی بمباران کرده بودند. عراقی که تصور می‌کرد با بمباران روز نخستین جنگ قدرت خود راوی هوایی ایران را به میزان ۵۰ درصد کاهش داده‌است، با موجی مواجه شده بود که قابل مهار نبود. به هم جل حمله نیروی در انتظار آماده‌باش، با این یادفاند

### \*نیروی هوایی در روزهای نخست جنگ تحمیلی، طرح‌های متعددی را برای حمله به پایگاه‌های هوایی عراق طراحی کرده بود تا بدین وسیله بتواند قدرت تهاجمی عراق را کم کند

موفق دیگر توسط نیروی هوایی به عمق خاک عراق تهاجم ششده بود و ضربات سختی بر پیکره رژیم بعث عراق وارد می‌شد.

هدف نیروی هوایی در این زمان از کار انداختن نیروی هوایی عراق بود. نیروی هوایی برای رسیدن به این هدف، طرح‌های متعددی را برای حمله به پایگاه های هوایی عراق طراحی کرده بود تا بدین وسیله بتواند قدرت تهاجمی عراق را کم کند.البته بعضی از این پایگاه ها توسط یانفندکر تندیان محافظت می شدند که رسیدن به آن کار سختی بود.

یکی از پایگاه های مهم عراق، پایگاه هوایی کرکوک بود. این پایگاه به سرکار خاتم سرکار خاتم مرکز نظامی عراق علاوه بر نقشش که در حمله به خاک کشورمان داشت، مأموریت محافظت از پالایشگاه کرکوک و تأسیسات برق و گاز این شهر را هم برعهده داشت.

**طراحی عملیات**

نیروی هوایی تصمیم گرفت این عملیات را با دستور حمله قرار دهد. کاربر روی نقشه با آغاز شده بود. پایگاه‌های کرکوک توسط سایت های موشکی سام ۲ و سام ۶ به شدت محافظت می شد. علاوه بر آن، تانک های ضدهوایی ۵۳ و ۳۳ میلی متری مستقر در اطراف این پایگاه کار را برای رسیدن به هدف سخت تر می کرد.

برای رسیدن به این هدف، باید نزدیک ترین پایگاه‌هوائی در ایران مأمور زدن کرکوک می شد که تصمیم گرفت این مهم توسط پایگاه هوایی تبریز انجام شود. قرار شد هواپیمای بعد از پرواز ارتفاع را ۱۵۰۰ تا ۱۵۰۰۰ پا بالا برده و با نزدیک شدن به مرز، ارتفاع را کم کند و از آلا لای ها دره ها را ارتفاعات عراق، هر کرکوک را از پیش بگیرند و پس از بمباران هدف، از همین مسیر بازگردند. همچنین قرار شد که ارتفاعات کرکوک بر فرمیشن های چهره فروند اف ۵ بمبار شود. هر اف ۵ مجهز به ۴ تیر بمب ۳۰۰۰ پوندی و زمان ایست عملیات صبح زود تعیین شد.صبح روزان را بریفینگ پایگاه دوم شکاری تبریز لیدر دسته پروازی مشغول شرح عملیات و مختصات پروازی برای

دیگر خلبانان پرواز بود.اهداف مشخص شد و خلبانان درباره نحوه عملکرد و نقاط نشانه توجه شدند. پس از آماده شدن هدف نهایی، خلبانان برای دریافت لوازم پروازی راهشی اتاق تجهیزات شدند.سپس به سمت هواپیمایحارکتی شدند.این نخستین حمله نیروی هوایی کرکوک بود و یلدرستی هیچ کس نمی دانست که در کرکوک چه چیزی فروندی روز اول ده ها سورتی پرواز در انتظار آماده‌باش، با این یادفاند

### \*نیروی هوایی در روزهای نخست جنگ تحمیلی، طرح‌های متعددی را برای حمله به پایگاه‌های هوایی عراق طراحی کرده بود تا بدین وسیله بتواند قدرت تهاجمی عراق را کم کند

موفق دیگر توسط نیروی هوایی به عمق خاک عراق تهاجم ششده بود و ضربات سختی بر پیکره رژیم بعث عراق وارد می‌شد.

هدف نیروی هوایی در این زمان از کار انداختن نیروی هوایی عراق بود. نیروی هوایی برای رسیدن به این هدف، طرح‌های متعددی را برای حمله به پایگاه های هوایی عراق طراحی کرده بود تا بدین وسیله بتواند قدرت تهاجمی عراق را کم کند.البته بعضی از این پایگاه ها توسط یانفندکر تندیان محافظت می شدند که رسیدن به آن کار سختی بود.

یکی از پایگاه های مهم عراق، پایگاه هوایی کرکوک بود. این پایگاه به سرکار خاتم سرکار خاتم مرکز نظامی عراق علاوه بر نقشش که در حمله به خاک کشورمان داشت، مأموریت محافظت از پالایشگاه کرکوک و تأسیسات برق و گاز این شهر را هم برعهده داشت.

یکی از پایگاه های مهم عراق، پایگاه هوایی کرکوک بود. این پایگاه به سرکار خاتم سرکار خاتم مرکز نظامی عراق علاوه بر نقشش که در حمله به خاک کشورمان داشت، مأموریت محافظت از پالایشگاه کرکوک و تأسیسات برق و گاز این شهر را هم برعهده داشت.

**طراحی عملیات**

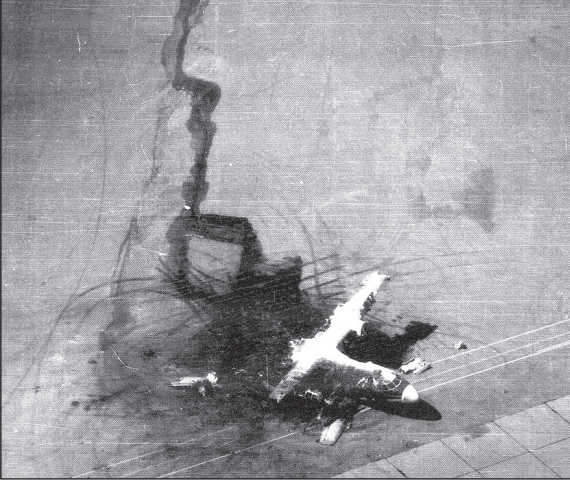
نیروی هوایی تصمیم گرفت این عملیات را با دستور حمله قرار دهد. کاربر روی نقشه با آغاز شده بود. پایگاه‌های کرکوک توسط سایت های موشکی سام ۲ و سام ۶ به شدت محافظت می شد. علاوه بر آن، تانک های ضدهوایی ۵۳ و ۳۳ میلی متری مستقر در اطراف این پایگاه کار را برای رسیدن به هدف سخت تر می کرد.

برای رسیدن به این هدف، باید نزدیک ترین پایگاه‌هوائی در ایران مأمور زدن کرکوک می شد که تصمیم گرفت این مهم توسط پایگاه هوایی تبریز انجام شود. قرار شد هواپیمای بعد از پرواز ارتفاع را ۱۵۰۰ تا ۱۵۰۰۰ پا بالا برده و با نزدیک شدن به مرز، ارتفاع را کم کند و از آلا لای ها دره ها را ارتفاعات عراق، هر کرکوک را از پیش بگیرند و پس از بمباران هدف، از همین مسیر بازگردند. همچنین قرار شد که ارتفاعات کرکوک بر فرمیشن های چهره فروند اف ۵ بمبار شود. هر اف ۵ مجهز به ۴ تیر بمب ۳۰۰۰ پوندی و زمان ایست عملیات صبح زود تعیین شد.صبح روزان را بریفینگ پایگاه دوم شکاری تبریز لیدر دسته پروازی مشغول شرح عملیات و مختصات پروازی برای

## حماسه پایداری

قدرت موتور به سه حاکتر بر روی باند حرکت کردند و ثانیه هایی بعد در دل

اسمان جای گرفتند. پرند ه با بالافاصله بعد از بلند شدن به سمت چپ گردش کردند.لحظاتی بعد جنگنده هادین شکل به پرواز ادامه داند که لیدر دسته جلوتر از بقیه شماره ۲ روی بال چپ شماره ۳ روی بال راست و شماره ۴ روی بال راست شماره ۱۰۰ در فرمیشی بود که باید تا رسیدن به هدف حفظ



۲۰ دقیقه بعد از بمباران پایگاه هوایی کرکوک توسط جنگنده های F-۵ نهاجا و باقیبمانده آتش یکی از هواپیمای دشمن

# کرکوک در آتش

می شدند در حدود ۵۰ مایلی هدف لیدر دسته با رموهایی که دیگر افراد گروه از آن اطلاع نداشتند با رادار تماس گرفت و موقعیت خود را در ادار اعلام کرد و سپس موقعیت یک خلبان اهام برپرسی کرد. هوا به قدری صاف بود که از همین فاصله کوه‌های مرزی هم مشخص بود. در یک لحظه دسته پرواز در یک آن اوج گرفت و در تاقعی قرار گرفت. باید بود که دسته پروازی به مرز نزدیک باشد و در این لحظه به علامت لیدر دسته جنگنده ها ارتفاع را به حداقل رساندند و همگی دگمه هوا پیمای شان را در کنترل می‌بمباران کردند.

مسیر پروازی در خاک دشمن پوشیده از کوه های بلند و جنگل های انبوه بود. خورشید مجبور بودند از لایه لای دره ها و ارتفاعات پرواز کنند. همچنین باید از دیدار فراهای دشمن هم محفوظ می ماندند. دید رضایت بخش فرمانده دسته در ذهن خود به این فکر افتاد که در این فاصله مطلوب بسم با را باند شیرجه رفت. ضد هوایی های دشمن از هر طرف شروع به شلیک کردند و منظاری شبیه منظر آتش بازی را تولید کردند. لیدر دسته در وسط شعله ها بود ولی این غیور مردان ترسی از ضد هوایی نداشتند و فقط به هدف می اندیشیدند. و قابل محاسبه نبود. امکان درگیری با هواپیمای دشمن زیاد بود هر چه دسته رهاکند. سرانجام به ارتفاع معین رسید و با حساسیت بیشتر همه جهات را چپ و راست عقب به جلو و از جایی که در دید بود مرعایت می کرد.از هواپیمای دشمن خبری نبود به دلیل این که نخستین حمله به کرکوک انجام می‌رفت، همه خلبانان هیچان خاصی نداشتند و نمی دانستند چه چیزی در انتظار آنهاست.

هواپما هر لحظه به هدف نزدیک تر می شدند. نقشه پروازی جنگنده ها باید از سمت غرب به پایگاه هوایی کرکوک حمله می کردند. سخی

این قسمت که به طرف خاک عراق بود نسبت به سمت شرق از حجم پدافند کم

**آغاز حمله بمباران به پایگاه کرکوک**

با فرمان لیدسر شکل فرمیشن پیروازی تغییر کرد و تمامی جنگنده ها به ترتیب در سمت چپ لیدر قرار گرفتند. با علامت لیدر دسته همه خلبانان موتور ها را در موقعیت ۱۰۰ درصد قرار داند و سرعت هواپیمای

لیدر دسته موقعیت دیگر خلبانان را جویا شد و در راديو، دو، سه، چهار را صدا زد و خواست که موقعیت شان را گزارش کنند. دو و چهار پاسخ دادند و از سه صدایی نیامد. اضطراب سراسر وجود داشت. دسته پروازی را فرقا فته بود. هواپیماه ۵ مایل از هدف دور شدند. فرمانده را درگیر تصمیم گرفت دوباره گروه را چک کند. جواب دو آمد و بعد از یک مکث کوتاه جواب چهار، چهارم به شماره ۳ ارسال زد ولی باهم هدف دشمن واقع نباشد؟ هواپماها هنوز در خاک دشمن بودند و رو به مرز کشورمان. لیدر هیچ کدام از نفرات را نمی دید. دو بر صدای ۲ و ۴ را شنیده بود. ممکن بود شماره ۳ را از دست رفته باشد؟ اما می شد به زنده بودنش امید بندم؟ لیدر دسته برای بار سوم و چهارم به شماره ۳ ارسال زد ولی باهم صدایی نیامد به جای نفر سوم همواره یک سکوت کوتاه شنیده می شد. هنوز فرمانده به فکر رانمی دیدند و هنوز در خاک دشمن بودند و هنوز نگران همه هواپیمایا دشمن.

حاکترک رسانند. این کار به سرعت انجام یافت و آرایشش هم نظر برای حمله سریع اشکل گرفت.

در یک دقیقه ای هدف فرمیشن دسته پروازی دستور پاپ داد. همگی سپس موقعیت یک خلبان اهام برپرسی کرد. هوا به قدری صاف بود که از همین فاصله کوه‌های مرزی هم مشخص بود. در یک لحظه دسته پرواز در یک آن اوج گرفت و در تاقعی قرار گرفت. باید بود که دسته پروازی به مرز نزدیک باشد و در این لحظه به علامت لیدر دسته جنگنده ها ارتفاع را به حداقل رساندند و همگی دگمه هوا پیمای شان را در کنترل می‌بمباران کردند.

مسیر پروازی در خاک دشمن پوشیده از کوه های بلند و جنگل های انبوه بود. خورشید مجبور بودند از لایه لای دره ها و ارتفاعات پرواز کنند. همچنین باید از دیدار فراهای دشمن هم محفوظ می ماندند. دید رضایت بخش فرمانده دسته در ذهن خود به این فکر افتاد که در این فاصله مطلوب بسم با را باند شیرجه رفت. ضد هوایی های دشمن از هر طرف شروع به شلیک کردند و منظاری شبیه منظر آتش بازی را تولید کردند. لیدر دسته در وسط شعله ها بود ولی این غیور مردان ترسی از ضد هوایی نداشتند و فقط به هدف می اندیشیدند. و قابل محاسبه نبود. امکان درگیری با هواپیمای دشمن زیاد بود هر چه دسته رهاکند. سرانجام به ارتفاع معین رسید و با حساسیت بیشتر همه جهات را چپ و راست عقب به جلو و از جایی که در دید بود مرعایت می کرد.از هواپیمای دشمن خبری نبود به دلیل این که نخستین حمله به کرکوک انجام می‌رفت، همه خلبانان هیچان خاصی نداشتند و نمی دانستند چه چیزی در انتظار آنهاست.

هواپما هر لحظه به هدف نزدیک تر می شدند. نقشه پروازی جنگنده ها باید از سمت غرب به پایگاه هوایی کرکوک حمله می کردند. سخی

این قسمت که به طرف خاک عراق بود نسبت به سمت شرق از حجم پدافند کم

**آغاز حمله بمباران به پایگاه کرکوک**

سبک شده بود و به راحتی قابل مانور بود. آتشبارهای دشمن بی امان شلیک می کردند. سالم گریختن از میان آن همه گلوله هدف بعدی خلبانان نبود. چندتد موشک سامه طرف جنگنده ها رها شده بود این بار جنگنده ها چند گردش شد موفق به فرار از دست موشک های زمین به زمین شدند. زمان کوتاهی گذشت خلبانان این از هدفی که ویران کرده بودند دور شدند. آپیک ۳۰ دقیقه بعد پرواز جنگنده های گذشت.

لیدر دسته موقعیت دیگر خلبانان را جویا شد و در راديو، دو، سه، چهار را صدا زد و خواست که موقعیت شان را گزارش کنند. دو و چهار پاسخ دادند و از سه صدایی نیامد. اضطراب سراسر وجود داشت. دسته پروازی را فرقا فته بود. هواپیماه ۵ مایل از هدف دور شدند. فرمانده را درگیر تصمیم گرفت دوباره گروه را چک کند. جواب دو آمد و بعد از یک مکث کوتاه جواب چهار، چهارم به شماره ۳ ارسال زد ولی باهم هدف دشمن واقع نباشد؟ هواپماها هنوز در خاک دشمن بودند و رو به مرز کشورمان. لیدر هیچ کدام از نفرات را نمی دید. دو بر صدای ۲ و ۴ را شنیده بود. ممکن بود شماره ۳ را از دست رفته باشد؟ اما می شد به زنده بودنش امید بندم؟ لیدر دسته برای بار سوم و چهارم به شماره ۳ ارسال زد ولی باهم صدایی نیامد به جای نفر سوم همواره یک سکوت کوتاه شنیده می شد. هنوز فرمانده به فکر رانمی دیدند و هنوز در خاک دشمن بودند و هنوز نگران همه هواپیمایا دشمن.

**ورود به حریم هوایی کشور و جواب شماره ۳**

لحظاتی بعد جنگنده ها به مرز کشور رسیدند. لیدر دسته با رسیدن به کشورمان ارتفاع را زیاد کرد و سپس با عوض کردن چپ را درادار تماس گرفت. رادار با خواسته همه دسته را صدازد و اطلاعات هم می فرستاد. دو و بعد از ۳ شماره ۳ جواب داد. لیدر دسته با شنیدن صدای شماره ۳ آن قدر خوشحال بود که اجازه می داد. و با گرفتن اطلاعات ضروری از باند پرواز فرمود موقعیت گرفت و پس از کسب اجازه، آماده نشستن شد. چرخ های جنگنده ها یکی پس از دیگری بلند را لمس می کرد. خلبانان سراسر فرای انجام یک مأموریت موفق قرار پریده های اهین بال خود پدايه شدند. پرسنل پروازی به استقبال آمده بودند و در چشم برهم زدند. خلبانان برای دست های آنها به طرف پست فرماندهی در حرکت بودند. خلبانان فرم ای پروازی را پر کردند و به محل فرماندهی حمله کردند. فرم فرماندهی هر چه بود صفا بود و شدت و آوازه ای گرم همکاران چه فرمانده و چه دیگر خلبانان.

همچنین در جنگ تحمیلی، نیروی هوایی ۲۱۲۴ خلبان و ۱۲۰۰ نفر پرسنل خود را تقدیم انقلاب کرد و ۱۹ نفر هم از آزه داشتیم، که تعدادی از شهدای ما هنوز هم در لیست جاودالایه ای دفاع مقدس قرار دارند. حبیبی با بیان این که هدف اصلی این مرکز، تئوریزه کردن قدرت هوایی در کشور است، تأکید می کند: فعالیت در حوزه دفاع مقدس، احیای ارزش‌های الهی و انقلاب اسلامی نیز است. همچنین به بیان خلّی برخی از کردها توسط نظامیان ایران نیز است. «در دوران دفاع مقدس می‌پردازیم به نقش یکی از این کردها مربوط به طولانی‌ترین ساعت پرواز شکاری که متعلق به سرگرد خدایان خلیلی و کابین عقب او سوران خلیلی زاده از خلبانان آزاده افتاد» به مدت ۳۱ ساعت و ۴۰ دقیقه پرواز مبتدیان پنج بار توسط سرتیگر خلیلی و همچنین در جنگ توانستیم رکورد تعداد پروازهای رزمی را بشکنیم. یک خلبان می‌تواند روزانه سه یا چهار بار بچنگدولی در دفاع مقدس شهیدار دستانی و سرگرد خلبان نادری توانستند. اما فقط برایانه بلند سورتی در روز دسست بزند. روی در پايان، در خواست می کند که تاریخ نویسان دفاع مقدس کشور به کمک مرکز مطالعات راهبردی نهاجا در زمینه بازنویسی و تصحیح مجلدات دفاع مقدس به کمک مرکز مطالعات راهبردی نهاد هواپیمایی نیروی هوایی اسلامی در جنگ هم‌اندین دیگر ماره پرواز در قدرت سرتیگر زمینی و در پايان از نظامی و مردمی به درستی روشن و بیان شود.

این قسمت که به طرف خاک عراق بود نسبت به سمت شرق از حجم پدافند کم

**آغاز حمله بمباران به پایگاه کرکوک**

**آگهی دعوت سهامداران شرکت طرح سازان نوآیند سهامی خاص ثبت‌شده به شماره ۱۹۹۷۲۴**
**شرکت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بدین وسیله از**
**آگهی سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۸ در آدرس تهران، تهرانپارس، خیابان حجرین‌عدی، جنب پهنیدان تقاطعی باخیابان، پلاک ۶۹، کدپستی ۱۴۵۵۸۴۵۵۱، تلفن ۷۷۸۱۱۲۸۷ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.**
**دستور جلسه:** اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال شرکت

**هیات مدیره شرکت**

**آگهی دعوت از سهامداران شرکت سانیو هیول البرز (با مسئولیت محدود) ثبت‌شده به شماره ثبت ۱۰۸۶۱۲۸۵۲**
**شرکت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بدین وسیله از**
**آگهی سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۸ در آدرس تهران، تهرانپارس، خیابان حجرین‌عدی، جنب پهنیدان تقاطعی باخیابان، پلاک ۶۹، کدپستی ۱۴۵۵۸۴۵۵۱، تلفن ۷۷۸۱۱۲۸۷ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.**
**دستور جلسه:** اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال شرکت

**هیات مدیره شرکت**

**آگهی دعوت از سهامداران شرکت سانیو هیول البرز (با مسئولیت محدود) ثبت‌شده به شماره ثبت ۱۰۸۶۱۲۸۵۲**
**شرکت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بدین وسیله از**
**آگهی سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۸ در آدرس تهران، تهرانپارس، خیابان حجرین‌عدی، جنب پهنیدان تقاطعی باخیابان، پلاک ۶۹، کدپستی ۱۴۵۵۸۴۵۵۱، تلفن ۷۷۸۱۱۲۸۷ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.**
**دستور جلسه:** اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال شرکت

**هیات مدیره شرکت**

**آگهی دعوت از سهامداران شرکت سانیو هیول البرز (با مسئولیت محدود) ثبت‌شده به شماره ثبت ۱۰۸۶۱۲۸۵۲**
**شرکت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بدین وسیله از**
**آگهی سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۸ در آدرس تهران، تهرانپارس، خیابان حجرین‌عدی، جنب پهنیدان تقاطعی باخیابان، پلاک ۶۹، کدپستی ۱۴۵۵۸۴۵۵۱، تلفن ۷۷۸۱۱۲۸۷ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.**
**دستور جلسه:** اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال شرکت

**هیات مدیره شرکت**

**آگهی دعوت از سهامداران شرکت سانیو هیول البرز (با مسئولیت محدود) ثبت‌شده به شماره ثبت ۱۰۸۶۱۲۸۵۲**
**شرکت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بدین وسیله از**
**آگهی سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۸ در آدرس تهران، تهرانپارس، خیابان حجرین‌عدی، جنب پهنیدان تقاطعی باخیابان، پلاک ۶۹، کدپستی ۱۴۵۵۸۴۵۵۱، تلفن ۷۷۸۱۱۲۸۷ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.**
**دستور جلسه:** اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال شرکت

**هیات مدیره شرکت**

**آگهی دعوت از سهامداران شرکت سانیو هیول البرز (با مسئولیت محدود) ثبت‌شده به شماره ثبت ۱۰۸۶۱۲۸۵۲**
**شرکت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بدین وسیله از**
**آگهی سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۸ در آدرس تهران، تهرانپارس، خیابان حجرین‌عدی، جنب پهنیدان تقاطعی باخیابان، پلاک ۶۹، کدپستی ۱۴۵۵۸۴۵۵۱، تلفن ۷۷۸۱۱۲۸۷ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.**
**دستور جلسه:** اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال شرکت

**هیات مدیره شرکت**

**آگهی دعوت از سهامداران شرکت سانیو هیول البرز (با مسئولیت محدود) ثبت‌شده به شماره ثبت ۱۰۸۶۱۲۸۵۲**
**شرکت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بدین وسیله از**
**آگهی سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۸ در آدرس تهران، تهرانپارس، خیابان حجرین‌عدی، جنب پهنیدان تقاطعی باخیابان، پلاک ۶۹، کدپستی ۱۴۵۵۸۴۵۵۱، تلفن ۷۷۸۱۱۲۸۷ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.**
**دستور جلسه:** اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال شرکت

**هیات مدیره شرکت**

**آگهی دعوت از سهامداران شرکت سانیو هیول البرز (با مسئولیت محدود) ثبت‌شده به شماره ثبت ۱۰۸۶۱۲۸۵۲**
**شرکت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بدین وسیله از**
**آگهی سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۸ در آدرس تهران، تهرانپارس، خیابان حجرین‌عدی، جنب پهنیدان تقاطعی باخیابان، پلاک ۶۹، کدپستی ۱۴۵۵۸۴۵۵۱، تلفن ۷۷۸۱۱۲۸۷ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.**
**دستور جلسه:** اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال شرکت

**هیات مدیره شرکت**

**آگهی دعوت از سهامداران شرکت سانیو هیول البرز (با مسئولیت محدود) ثبت‌شده به شماره ثبت ۱۰۸۶۱۲۸۵۲**
**شرکت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بدین وسیله از**
**آگهی سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۸ در آدرس تهران، تهرانپارس، خیابان حجرین‌عدی، جنب پهنیدان تقاطعی باخیابان، پلاک ۶۹، کدپستی ۱۴۵۵۸۴۵۵۱، تلفن ۷۷۸۱۱۲۸۷ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.**
**دستور جلسه:** اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال شرکت

**هیات مدیره شرکت**

**آگهی دعوت از سهامداران شرکت سانیو هیول البرز (با مسئولیت محدود) ثبت‌شده به شماره ثبت ۱۰۸۶۱۲۸۵۲**
**شرکت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بدین وسیله از**
**آگهی سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۸ در آدرس تهران، تهرانپارس، خیابان حجرین‌عدی، جنب پهنیدان تقاطعی باخیابان، پلاک ۶۹، کدپستی ۱۴۵۵۸۴۵۵۱، تلفن ۷۷۸۱۱۲۸۷ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.**
**دستور جلسه:** اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال شرکت

**هیات مدیره شرکت**

**آگهی دعوت از سهامداران شرکت سانیو هیول البرز (با مسئولیت محدود) ثبت‌شده به شماره ثبت ۱۰۸۶۱۲۸۵۲**
**شرکت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بدین وسیله از**
**آگهی سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۸ در آدرس تهران، تهرانپارس، خیابان حجرین‌عدی، جنب پهنیدان تقاطعی باخیابان، پلاک ۶۹، کدپستی ۱۴۵۵۸۴۵۵۱، تلفن ۷۷۸۱۱۲۸۷ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.**
**دستور جلسه:** اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال شرکت

**هیات مدیره شرکت**

**آگهی دعوت از سهامداران شرکت سانیو هیول البرز (با مسئولیت محدود) ثبت‌شده به شماره ثبت ۱۰۸۶۱۲۸۵۲**
**شرکت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بدین وسیله از**
**آگهی سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۸ در آدرس تهران، تهرانپارس، خیابان حجرین‌عدی، جنب پهنیدان تقاطعی باخیابان، پلاک ۶۹، کدپستی ۱۴۵۵۸۴۵۵۱، تلفن ۷۷۸۱۱۲۸۷ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.**
**دستور جلسه:** اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال شرکت

**هیات مدیره شرکت**

**آگهی دعوت از سهامداران شرکت سانیو هیول البرز (با مسئولیت محدود) ثبت‌شده به شماره ثبت ۱۰۸۶۱۲۸۵۲**
**شرکت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده بدین وسیله از**
**آگهی سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۸ در آدرس تهران، تهرانپارس، خیابان حجرین‌عدی، جنب پهنیدان تقاطعی باخیابان، پلاک ۶۹، کدپستی ۱۴۵۵۸۴۵۵۱، تلفن ۷۷۸۱۱۲۸۷ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.**
**دستور جلسه:** اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال شرکت

**هیات مدیره شرکت**









بجنورد: آیین تشییع و تدفین برادر وزیر کشور دیروز با حضور ششماری از مسئولان کشوری و استانی در شهرستان شیروان استان خراسان شمالی برگزار شد.

در این آیین معاونان وزیر کشور، نماینده‌های ادوار مختلف مردم خراسان شمالی در مجلس، استانداران خراسان رضوی، جنوبی و شمالی وفرمانداران استان‌های خراسان، گلستان و سمنان و جمعی از مردم حضور داشتند.

پیکر عبدالرحیم رحمانی فضلی که معلم بازنشسته بود، از خیابان «فتنازانی» تا بهشت حمزه رضاع(ع) در شهر زیارت شیروان تشییع و بجوار این امازماده به خاک سپرده شد.

عبدالله‌رحیم رحمانی فضلی شاگردان زیادی را در زمینه فراگیری زبان انگلیسی تربیت کرده است.همچنین آیین بزرگداشت آن مرحوم عصر دیروز در مسجد جامع شیروان با حضور وزیر کشور برگزار شد.

**داهام، همسرش را با خودرو چوبی دست ساز به خانه بخت برد**
شهرکرد: جوان خوش ذوق و هنرمند شهرکردی عروشی را با خودرو چوبی دست سازش به خانه بخت برد.
داماد شهرکردی ترویج سادگی و دوری از تشریفات با استفاده از خودروهای لوکس و گرانیقت، ترویج و گسترش صنایع دستی با استفاده از تولید خود و هنر مستعارش را هدف این اقدام بیان کرد.
رضا مینبی با استفاده از چوب و وسایل مستهلک خودروها، یک خودرو چوبی با موتور فلزی ساخته که در آن برای محافظت از محیط زیست از هیچ پلاستیکی استفاده نشده است.بانه خودرو دست ساز این جوان از چوب زبان گنجشک، توسکا و بلوط ساخته شده و در طراحی آن از مینت، معرق و سطوح خراطی استفاده شده است.

این خودرو چهارنفری، تک سیلندر با حجم موتور ۲۰۰ سی سی چهار چنده است که کمترین مصرف بنزین معادل الیتر در ۱۰۰کیلومتر دارد. حداکثر سرعت این خودرو ۱۲۰ کیلومتر در ساعت و وزن آن حدود ۶۰۰ کیلوگرم است.برای ساخت این خودرو کمتر از ۲ میلیون تومان هزینه شده است.

**گردشگر اسپانیایی در یاسوج جراحی شد**

یاسوج:گردشگر اسپانیایی که در شهر یاسوج دچار شکم درد شده بود؛ با اقدام به موق پزشکی و اداره کل میراث فرهنگی به بیمارستان منتقل و توسط تیم پزشکی درمان شد.

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کهگیلویه و بویراحمد گفت: پزشکان بیمارستان پس از معاینه و آزمایش‌های لازم، متوجه مسئولان میراث فرهنگی از میهمان نوازی مسئولان استان کهگیلویه و بویراحمد تشکر کرد.

**محمود باقری افروز:** «مارک دلگادوگورادی» پس از به هوش آمدن به

بخش مراقبت‌های ویژه انتقال داده شد و به گفته پزشکان، وضع عمومی بیمار خوب است و تا یکی دو روز دیگر ترخیص می‌شود.

مارک دلگادوگورادی گردشگر شهر بارسلونای اسپانیا درجریان عیادت مسئولان میراث فرهنگی از میهمان نوازی مسئولان استان کهگیلویه و بویراحمد تشکر کرد.

**توفان کیش را در نوردید**

کیش: توفانی با سرعت ۵۰ تا ۸۶ کیلومتر بر ساعت دوشنبه شب جزیره کیش در استان هرمزگان را در نوردید.

رئیس اداره هواشناسی کیش اظهار داشت: وزش توفان به همراه رعد و برق نسبتا شدید و رگبار و باران در برخی نقاط جزیره شب آبرفتگی خیابان‌ها شد.داماد هم وزش باد سبب موج شدن آب خلیج فارس شده است.

یکی از پروازها از مبدأ تهران به کیش هم دوشنبه شب به دلیل بدلی هوا و دید نامناسب، در شیراز به زمین نشست.

## اگرچه‌ای‌حواله

## تخلف ۲۲ میلیارد ریالی در فرمانداری و شهرداری طالقان

سرویس حوادث:دانشتان عمومی و انقلاب مرکز استان البرز گفت: مدیران و کارکنان سابق فرمانداری و شهرداری طالقان به اتهام تغییر کاربسی ار ازبسی زراعی و باغی به ارزش بیش از ۲۲ میلیارد ریال،ن به دادسرا احضار شدند.

به گزارش میزان،حاجی رضا شاکرمی با تاکید بر برخورد قاطع دستگاه قضایی با مسئولان و کارکنان متخلف اظهارداشت: ۹ نفر از مدیران و کارکنان سابق فرمانباری و شهرداری طالقان به بازپرسی احضار شده‌اند و پرونده در شعبه ۲۲ در حال بررسی است.

وی افزود: حسب گزارش اداره کل بازرسی استان البرز فرماندار سابق طالقان، شهردار سابق، مشاور حقوقی شهرداری، سرپرست واحد شهرداری، مدیران‌های زراعی و رئیس اداره برق،مسئول آبیای روستایی، رئیس اداره مخابرات و رئیس سابق اداره ثبت و اسناد املاک استان به اتهام تغییر کاربری اراضی زراعی و باغی به مساحت ۱۲۴ هکتار به ارزش ۲۲ میلیارد ریال به دادسرای مرکز استان احضار شدند.
دانشستان عمومی و انقلاب مرکز استان البرز در ادامه تجاوز به حریم ۱۰ روستا و ساخت و ساز غیرمجاز، ارائه خدمات عمومی به ساخت و سازهای غیرمجاز، تفکیک اراضی زراعی و باغی و صدور اسناد ملکیت غیرقانونی و جعل نقشه پیشنهادی حریم شهر طالقان و صدور پروانه ساخت و ساز بدون رعایت تبصره یک ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغی را از دیگر اقدامات غیرقانونی متهمان این پرونده اعلام کرد.

## قاجاق ۴/۴میلیون لیتر گازوئیل به کشور امارات فاش شد

سرویس حوادث:سازمان بازرسی کل کشور از تشکیل پرونده قاچاق ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار لیتری گازوئیل به کشور امارات خبر داد.
به گزارش روابط عمومی سازمان بازرسی کل کشور، هنگام بازرسی از عملکرد گمرک بندر امام خمینی (ره) مشخص شد یک شرکت آموزشی قصد صادرات ۲۵۰۰ تن متانول به کشور امارات داشته است اما به رغم تکمیل فرآید اظهارنامه در جمله حدود پروانه، به دلایل نامرئومسی از صادر کردن کالا خودداری کرده بود.با پیگیری‌های انجام گرفته توسط اداره کل بازرسی استان خوزستان و اخذ مستندات از گمرک بندر امام خمینی (ره) و کنشتریانی جمهوری اسلامی ایران مشخص شد که سال ۱۳۹۱، ۴/۴میلیون لیتر گازوئیل به‌جای متانول از بندر امام خمینی(ره) به کشور امارات عربی متحده به‌صورت قاچاق صادر شده و همه فرایند آن با نام متانول بوده است.

با تشکیل پرونده و جمع مستندات موضوع به دادستانی ماهشهر ارجاح شد که پس از رسیدگی‌های انجام گرفته در مورد مدیرعامل شرکت مذکور اقدام قضایی به‌عمل آید.
بررسی رسیدگی و به تخلفات کارکنان گمرک بندر امام و منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر پرونده موردی تشکیل شد که در دست اقدام است.

## قتل جوانی که به آلهام گیری از بازی‌های رایانه‌ای در جریان

یک نزاع خیابانی در یکی از روستاهای آمل دوست ۱۹ ساله خود را از پای درآورده بود، بازداشت شد.

سهرنگک ولی آمل کنجیان مقدم فرمانده انتظامی آمل، دراین باره گفت: این درگیری در بین روستایی «کچ» از توابع بخش دیویشتم اتفاق افتاد، بین ۳ جوان روی دادرمانده انتظامی آمل ادامه داد، مصدوم که به کما رفته بود با حضور عوامل امدادی سرپا و به مرکز درمانی منتقل شد و عوالمش درگیری به ویژه متهم اصلی پرونده و عامل ضرب و جرح دستگیر شدوا اذیت کرد. متأسفانه فرد مصدوم به علت قطع نخاع و شدت جراحات وارده در یکی از مراکز درمانی تهران جان باخت.

## شبکه سرفت مسلمانان در مشهد متلاشی شد

سرویس شهرستان‌ها: اعضای شبکه‌ای که از غرب کشور وارد مشهد شده و اقدام به سرقت‌های مسلحانه می‌کردند، دستگیر شدند.

سردارپوهن امیری مقدم فرمانده انتظامی خراسان رضوی دراین باره اظهار داشت: در پی وقوع فقره سرفت مسلحانه از بانک‌ها و موسسات مالی در مشهد و نیز ترسیدگی‌های مسلحانه نافرمام، پس از بررسی تخصصی و ویژه پلیس آگاهی مشخص شد یکی از سارقان مسلح که دارای سوابق کفیری در حمل سلاح است، از غرب کشور به مشهد آمده است.

وی افزود: پلیس با ردزنی علمی و اطلاعاتی محل رفت و آمد این افراد را شناسایی و در اقدامی غافلگیرانه آنان را در حالی که فرصت

عکس العملی نداشتند، بمخفاگاهشان دستگیر کرد.

سردار امیری مقدم ادامه داد: ۵مهندس سردمسته این شبکه از مجرمان حرفه‌ای و خطرناک و دارای سوابق کفیری نزاع آدم ربایی و

دیگر جرائم خشن هستند.

# استاندار کرمان: نسل امروز قاسم سلیمانی را سردار ملی می‌داند

کرمان – خبرنگار اطلاعات:استاندار کرمان گفت: نسل امروز سردار سرلشکر حاج قاسم سلیمانی را به عنوان یک الگو و سردار ملی می‌شناسد.
علیرضارزم‌حسینی در نشست هماهنگی ستاد گرامیادشت هفته دفاع مقدس در استان کرمان افزود: الگوهای بسیار خوبی بین شهدا، جانبازان و ایثارگران دوران دفاع مقدس وجود دارد که باید آنها را به نسل امروز معرفی کنیم.
وی با اشاره به این که دوران دفاع مقدس یکی از دوره‌های تاریخی درخشان کشور است، ادامه داد: دوران دفاع مقدس، مقطع دلاورمردانی است که بدون هیچ چشمداشتی، به‌جبهه‌ها رفتند و شجاعانه از خاک میهن اسلامی دفاع کردند.

استاندار کرمان افزود: مسئولان وظیفه سنگینی دارند که واقعیت‌های دوران دفاع مقدس را به نسلی که این دوران را تجربه نکرده‌اند، منتقل کنند.

وی همچنین بر سرتپه یک کلیپ از فتوحاتی مانند خرمشهر و ثامن‌الامنه (ع) و

سرویس حوادث: پلیس تهران از ابتدای اسسال با اجرای طرح‌های شبانه، ۲۱ هزار انواع خودرو پس و سنگین را توقیف کرد و رانندگان متخلف ۳۱۵هزار خودرو جریمه شدند.

سردار حسین ساجدی نیا، فرمانده انتظامی تهران بر برخورد قانونمردانه پلیس با رانندگانی که در ساعاتی از شب مرتکب تخلفات رانندگی بویژه در بزرگراه‌می شوند، اشاره کرد و افزود: پلیس تهران از آغاز سال ۹۴ تا کنون در پاسخ به مطالبات مردم برابر سلهای گذشته ولی با جدیت بیشتر با ناهنجاری‌های ترافیکی از قبیل سرعت و سبقت غیر مجاز، لای کشی، دور دور کردن، جولان دادن با خودروهای لوکس و ویژه، کشف حجاب راننده و سرنشینان، آلودگی صوتی، زواجحت نواپس، ایجاد سد معبر، نقص فنی خودرو و اخلاص در ترافیم ترافیکی، برخورد کرده است.

## ایران صلح آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای خود را ثابت کرد

اصفهان – خبرنگار اطلاعات: وزیر امور خارجه اسپانیا با بیان این که کشورش در زمینه ساخت تجهیزات زیرساختی قوی است، افزود: اسپانیا می‌تواند در این بخش بسه ایران کمک و مشکلات ایران را حل کند.
وی بااشاره به این که اسپانیا در زمینه توسعه صنعت و معدن از تجربیات خوبی برخوردار است، افزود: با استفاده از این ظرفیت‌های توانیم به ایران کمک کنیم.
دکتر رسول زرگر استاندار اصفهان هم گفت: اصفهان درهفته جاری میزبان ۵ هیات بلند پایه سیاسی و اقتصادی بوده است.

به ایران آمده ایم.
خوزه مائوئل کارسیا مارگالو که مورد استقبال استاندار اصفهان قرار گرفته بود، اضافه کرد: هدفهای هسته‌ای خود صرفه‌ت‌های هسته‌ای ایران را به اثبات رسانده است و اینک ما برای توسعه روابط ۲ کشور

**واژگونی مینی بوس در محوط شهر کرد:**
شهرکرد: واژگونی یک مینی بوس در مسیر ارتباطی شهرکرد به فارسان در استان چهارمحال و بختیاری ۱۳ مصدوم برجا گذاشت.

محسن ابراهیمی مسئول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای پزشکی چهارمحال و بختیاری با اعلام این خبر افزود: در پی تماس مردمی مینی بر واژگونی مینی بوس در این محور آمبولانس‌های اورژانس ۱۱۵ به محل حادثه اعزام شدند.

## هلاکت ۲ توریست در دزگیری با سپاه در منطقه مرزی

ارومیه:فرماندار شهر گفت: در جریان درگیری رزمندگان سپاه شهدای آذربایجان غربی با نیروهای معاند و تروریست‌های پژاک در منطقه مرزی رازی، حوالی روستای بله سور شهرستان خوی، ۲ توریست پژاک به هلاکت رسیدند و ۵ نفر زخمی شدند.

به گزارش ایرنا، حسین سیوانی اصل افزود: این درگیری دوشنبه شب بین نیروهای مرزی و رئیس اداره برق،مسئول آبیای روستایی، رئیس اداره مخابرات و رئیس سابق اداره ثبت و اسناد املاک استان به اتهام تغییر کاربری اراضی زراعی و باغی به مساحت ۱۲۴ هکتار به ارزش ۲۲ میلیارد ریال به دادسرای مرکز استان احضار شدند.

دانشستان عمومی و انقلاب مرکز استان البرز در ادامه تجاوز به

حریم ۱۰ روستا و ساخت و ساز غیرمجاز، ارائه خدمات عمومی به ساخت و سازهای غیرمجاز، تفکیک اراضی زراعی و باغی و صدور اسناد ملکیت غیرقانونی و جعل نقشه پیشنهادی حریم شهر طالقان و صدور پروانه ساخت و ساز بدون رعایت تبصره یک ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغی را از دیگر اقدامات غیرقانونی متهمان این پرونده اعلام کرد.



سرویس حوادث:مدیر عامل سازمان آتش نشانی ارک از مهر آتش سوزی در یک مجتمع صنعتی و صنعت این شهرستان خبر داد.
سماعیلی افزود: این مجتمع که شبانه طعمه حریق شده بود، با تلاش بی وقعه نیروهای آتش نشانی، صبح دیروز مهر شد.

رئیس اداره پیشگیری سازمان آتش نشانی اراک هم علت حریق را بی احتیاطی و سهل انگاری اعلام کرد و گفت: در چند سال گذشته هم این شرکت دو بار طعمه حریق شده بود.

حسین زندیه وکیل، نپود امکانات و وسایل اطفای حریق در این شرکت را دیدگر جدی جانته کرد و افزود: به علت حجم زیاد حریق و دود ناشی از آن، ۴ آتش نشان هم مصدوم شدند.

## زلزله ۲ بار جیرفت را لرزاند

کرمان – خبرنگار اطلاعات: زمین لرزهای به بزرگی ۴/۲ ریشتر ساعت ۵ و ۴۸ و دقیقه ۲۷ ثانیه بامداد دیروز جیرفت در استان کرمان را لرزاند.

مرکز لرزه نگاری موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران مرکز این زمین لرزه را ۲۸ کیلومتری جیرفت، ۵/۵ کیلومتری فاریاب و ۵۷ کیلومتری عنبرآباد و در عمق ۱ کیلومتری زمین ثبت کرد.

همچنین در فاصله ۲۸ ثانیه بعد از این زلزله، زمین لرزهای به بزرگی ۴/۱ ریشتر در عمق ۱۰ کیلومتری زمین در این منطقه رخ داد.

## ارتکاب سرقت برای ۴۰۰ هزار تومان

بندربعباس: ۴ سارق به سرکردگی یک تبعه افغان در بندربعباس پس از سرقت به عتف یک خودرو نیسان و فروش آن به قیمت ۱۶میلیون ریال،هر یک فقط ۴ میلیون ریال برپردند.

سرپرست منطقه انتظامی بندربعباس دراین باره گفت: ۳ نفر از این سارقان که بین ۱۷ تا ۲۳سال سن دارند، دستگیر شدند و تلاش برای دستگیری نفر چهارم این شبکه ادامه دارد.سهرنگک اسماعیل منشاخ

نشان داد: اعضای این شبکه در ۲ سرقت به عتف دجانگاه ۲ خودرو نیسان بار را با پیشنهاد پیمان بالا و غیرمعتبرف کرایه کرده واز شبکه شهید باهنر بندربعباس به منطقه روستای خورگو در فاصله حدود ۲۰کیلومتری شمال بندربعباس برده و با ضرب و شتم رانندگان و بستن دست و پای آنان، خودرو و وسایل را به سرقت برده بودند.

## صاعقه ۹۱ راس گوسفند را تلف کرد

شیراز: رئیس اورغ عشایر شهرستان نورآباد ممسنی در استان فارس گفت: بر اثر توفان شدید و رعد و برق ۹۱راس گوسفند درمنطقه جونگان این شهرستان تلف شدند.

ایرج اکبری افروز: جوانپل صاعقه زده هم که دچار برق گرفتگی



## توقیف ۲۱ هزار خودرو رانندگ نامتخلف در ۵ ماه

جان رانندگان خودروهای دیگر و شهروندان را هم به خطر می‌اندازند، اظهار داشت: اینگونه رانندگان در صورتی که به فرمان پلیس توجه نکنند، بعد از توقیف خودرو به مراجع قضایی معرفی خواهند شد.

وی اظهار داشتند: در طول اجرای این طرح برخورد با دور دور خودروها، ۱۰۸۷دستگاه سرتور کار پلیس بوده و پلیس در مواجهه با چنین مواردی اقدام به توقیف خودرو متخلفان می‌کند و متهمان را به دستگاه قضایی ارجاع می‌دهد.

وی با بیان این کهه موضع پلیس در بحث برخورد با پدیده دور دور ایجایی است نه سلبی افزود: در خلال اجرای این طرح بیش از ۱۰ هزار راننده با تذکر و ارشاد این مواجه شده اند.

وی با اشاره به این که متأسفانه برخی از این رانندگان در صورت بالا در معابر و بزرگراه‌های شهر تردد می‌کنند که نه تنها جان خود بلکه

## ایران صلح آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای خود را ثابت کرد

روابط آمده ایم.
وزیر امور خارجه اسپانیا با بیان این که کشورش در زمینه ساخت تجهیزات زیرساختی قوی است، افزود: اسپانیا می‌تواند در این بخش بسه ایران کمک و مشکلات ایران را حل کند.
وی بااشاره به این که اسپانیا در زمینه توسعه صنعت و معدن از تجربیات خوبی برخوردار است، افزود: با استفاده از این ظرفیت‌های توانیم به ایران کمک کنیم.
دکتر رسول زرگر استاندار اصفهان هم گفت: اصفهان درهفته جاری میزبان ۵ هیات بلند پایه سیاسی و اقتصادی بوده است.

به ایران آمده ایم.
خوزه مائوئل کارسیا مارگالو که مورد استقبال استاندار اصفهان قرار گرفته بود، اضافه کرد: هدفهای هسته‌ای خود صرفه‌ت‌های هسته‌ای ایران را به اثبات رسانده است و اینک ما برای توسعه روابط ۲ کشور

**واژگونی مینی بوس در محوط شهر کرد:**
شهرکرد: واژگونی یک مینی بوس در مسیر ارتباطی شهرکرد به فارسان در استان چهارمحال و بختیاری ۱۳ مصدوم برجا گذاشت.

محسن ابراهیمی مسئول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای پزشکی چهارمحال و بختیاری با اعلام این خبر افزود: در پی تماس مردمی مینی بر واژگونی مینی بوس در این محور آمبولانس‌های اورژانس ۱۱۵ به محل حادثه اعزام شدند.

**هلاکت ۲ توریست در دزگیری با سپاه در منطقه مرزی**
ارومیه:فرماندار شهر گفت: در جریان درگیری رزمندگان سپاه شهدای آذربایجان غربی با نیروهای معاند و تروریست‌های پژاک در منطقه مرزی رازی، حوالی روستای بله سور شهرستان خوی، ۲ توریست پژاک به

هلاکت رسیدند و ۵ نفر زخمی شدند.
به گزارش ایرنا، حسین سیوانی اصل افزود: این درگیری دوشنبه شب بین نیروهای مرزی و رئیس اداره برق،مسئول آبیای روستایی، رئیس اداره مخابرات و رئیس سابق اداره ثبت و اسناد املاک استان به اتهام تغییر کاربری اراضی زراعی و باغی به مساحت ۱۲۴ هکتار به ارزش ۲۲ میلیارد ریال به دادسرای مرکز استان احضار شدند.

دانشستان عمومی و انقلاب مرکز استان البرز در ادامه تجاوز به حریم ۱۰ روستا و ساخت و ساز غیرمجاز، ارائه خدمات عمومی به ساخت و سازهای غیرمجاز، تفکیک اراضی زراعی و باغی و صدور اسناد ملکیت غیرقانونی و جعل نقشه پیشنهادی حریم شهر طالقان و صدور پروانه ساخت و ساز بدون رعایت تبصره یک ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغی را از دیگر اقدامات غیرقانونی متهمان این پرونده اعلام کرد.

## جریمه ۲۰۰ میلیون ریالی فرورنده اینترنتی «سارگپه» در مشهد

مشهد – خبرنگار اطلاعات: فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست خراسان رضوی از دستگیری و جریمه ۲۰۰ میلیون ریالی عامل فروش اینترنتی پرنده شکاری «سارگپه» در مشهد خبر داد.

ابوالفضل شعبانی افزود: این شکارچی با نام خرید و فروش حیوانات خانگی و اهلی، پرندگان شکاری را در فضای مجازی به فروش می‌رساند که هنگام فروش یک بهله سارگپه دستگیر شد.

وی با ابراز تأسف از این نیکسارچی قصد داشت این پرنده ارزشمند را با قیمت فقط ۷۰۰ هزار تومان بفروشد، افزود: حسب ابلاغ ترخ نامه جدید جرائم شکار و صید، جریمه این نع پرنده شکاری ۲۰۰ میلیون ریال است. شعبانی با تاکید بر این که قصد فضاهای مجازی در دستور کار یگان حفاظت محیط‌زیست خراسان رضوی است؛ یادآور شد: طبق تبصره ۲ ماده ۴ قانون شکار و صید، هر یک مبادرت به زنده‌گیری، شکار، خرید و فروش، حمل، نگهداری و صدور پرندگان شکاری کند به مجازات حبس ۹۱ روز تا سه سال نیز محکوم می‌شود.

سارگپه پرندگنی شکاری کوچک‌تر از قاقاب و از راسته شاهین‌سانان است؛ ویژگی منحصره فرد این پرنده شکاری ایران تک هسری او است.

## توقیف سوزی اسعد به ۵۰ میلیون ریال خاخی!

یزد– خبرنگار اطلاعات: ماموران پلیس‌راه «اردکان– نائین» یکدستگاه سوزاری اسعد را با ۵۰ میلیون ریال خاخی متوقف و روانه پارکینگ کردند.

به گزارش پایگاه خبری پاپس، سهرنگ «احمد مظفری» رئیس پلیس راه استان یزد با بیان این مطلب افزود: ماموران پلیس‌راه «اردکان– نائین» هنگام کنترل خودروهای عبوری یکدستگاه سوزاری «اسعد» را به علت تخلف رانندگی متوقف کردند که در استعلام صورت گرفته از مرکز، مشخص شد این خودرو ۵۰ میلیون ریال خاخی معوقه دارد.

او با بیان این که بیشتر تخلف این خودرو مربوط به «تجاوز از سرعت مجازه» است افزود: پلیس خودرو رانندگانی را که خلاقی معوقه خودرو آنها بیش از ۱۰ میلیون ریال باشد توقیف و با دستور قضایی روانه پارکینگ می‌کند.

## بازداشت ۳ رمال در آتیک

سرویس حوادث: دادستان عمومی و انقلاب شهرستان آتیک در استان قزوین بااعلام بازداشت ۳ رمال گفت: این ۳ نفر شامل یک مادر و پسر و یک زن دیگر هستند.

## توفان شن در لبنان ۲ نفر را کشت

لبنان: وقوع توفان شن در لبنان ۲ کشته و ۷۵۰ مجروح برجا گذاشت.
وزارت بهداشت لبنان اعلام کرد: کشته شدگان ۲ زن از ساکنان منطقه بقاع در شرق لبنان هستند. مجروحان این حادثه دچار تنگی نفس شده اند.

## آتش سوزی جنگل‌های نیوجرسی آمریکا

آمریکا: سدها هکتار از جنگل‌های «پاین بارنز» در نزدیکی شهر «وودلند» در بخش جنگلی «رینگیپتون» در ایالت نیوجرسی، در شمال شرق آمریکا طعمه حریق شد.
آتش نشانیان این ایالت با استفاده از هواپیمای بالگرد و سایر تجهیزات آتش نشانی، برای نورنشاندن شعله‌های آتش در محل حادثه حضور یافتند.

## پیشنهاد رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهوری اتریش

## گفتگوهای مشتر ک حقوق بشری میان ایران و اتریش انجام پذیرد

سرویس خبر: در دیدار هاینس فیشر رئیس جمهوری اتریش با رئیس قوه قضائیه، آیت الله آملی لاریجانی انجام گفتگوهای تئوری و علمی مشترک میان کشور با محوریت حقوق بشر را گام مؤثری برای رسیدن به درک متقابل از مفهوم کرامت انسانی اعلام کرد و از آمادگی قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران برای برگزاری این نشست های مشترک خبر داد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی قوه قضائیه، آیت الله آملی لاریجانی در دیدار عصر دیروز با رئیس جمهوری اتریش با تاکید بر این که اسلام واقعی دینی مبتنی بر توجه به کرامت انسانی است گفت: آنچه از سوی برخی گروه‌های تروریستی منتشر به اسلام ترویج می شود، نسبتی با اسلام واقعی ندارد و اسلامی نیست که مورد قبول ما باشد.

رئیس قوه قضائیه با اشاره به اینکه پایمبر اسلام(ص) حسب نص صریح قرآن رحمتی برای عالمیان است، افزود: ما از اسلامی دفاع می کنیم که دارای عقلانیتی انسانی است و بنیان هاش تمدن آن در قرون گذشته مبتنی بر عزالیت بوده و شان و منزلت انسان بوده است و علمای بزرگ تمدن اسلامی حتی در کشورهای اروپایی نیز مورد احترام بوده اند.

آیت الله آملی لاریجانی نظام جمهوری اسلامی ایران را ساختارخیز نو بر پایه مشارکت مردم در تعیین سرمنشخت خود از طریق رای گیری و شرکت در انتخابات، همچنین عزالیت اسلامی توصیف کرد و گفت: اصول حاکمیتی در ایران بر اساس رای مردم و بر پایه رکن بسیار مهم فعالیت اسلامی است که در آن از سوی ذنبای غرب نیاز به گفتگو دارد.



آیت الله آملی لاریجانی افزود: متأسفانه بدترین اعمال ضد حقوق بشری در برخی کشورها علیه مردم صورت می گیرد اما این کشورها رابطه خوبی با غرب دارند و اینگونه اعمال انسانی آنها از سوی غربی ها محکوم نمی شود. رئیس دستگاه قضا با طرح این پرسش که باید دید تصویر شما از شان و کرامت انسانی چیست و چه تفاوتی با دیگر برداشت ها از شان و کرامت انسانی دارد، اضافه کرد: البته در مقام عمل نیز صداقت در رفتار بسیار مهم است و آنچه از رفتارهای حقوق بشری غرب به دست می آید، این است که چندان صداقتی و نیست و می بینیم که با وجود همه تاکیدهایی که درباره مفهوم حقوق بشر در غرب انجام می گیرد، در آمریکا زندان گوانتانامو و در عراق زندان ابوغریب ایجاد می شود که در آن بدترین فجایع رخ می دهد.

آیت الله آملی لاریجانی افزود: متأسفانه بدترین اعمال ضد حقوق بشری در برخی کشورها علیه مردم صورت می گیرد اما این کشورها رابطه خوبی با غرب دارند و اینگونه اعمال انسانی آنها از سوی غربی ها محکوم نمی شود. رئیس قوه قضائیه با اشاره به اینکه استلال غربی ها و قیاس آنان درباره مسیحیت، کلیسا و اسلام حاکمیت این دو بر مردم و جوامع، فساد درستی نیست تاکید کرد: کلام دین رحمت و مودت است و پیامبر اسلام(ص) در ۱۴۰۰ سال پیش اعلام کرده است که همه مردم همانند دندانه های شانه مساوی‌اند و تفاوتی میان آنان نیست.افزون بر آن نگاه لیبرال دموکراسی نیز اینگونه نیست که هر آنچه همه مردم بر آن موفق باشند مورد پذیرش قرار گیرد؛ به عنوان مثال آیا اگر همه مردم رای بدهند که سلب حق از خودشان بکنند آیا واقعاً حق از آنان سلب می شود؟رئیس قوه قضائیه در ابتدای این دیدار با ابراز خرسیت نسبت به حضور رئیس جمهوری اتریش و هیات همراه به ایران نسبت به تحکیم روابط آکشور همراه با احترام متقابل تاکید کرد:در این دیدار هاینس فیشر رئیس جمهوری اتریش پس از استقبال از پیشنهاد آیت الله آملی لاریجانی درباره برگزاری گفتگوهای در سطح علمی در خصوص مفاهیم حقوق بشری گفت: بااین پیشنهاد شما بسیار موافق هستم و درباره آن فکر خواهم کرد و نتیجه آن را از طریق سفیر خود در ایران به اطلاع خواهم رساند.هاینس فیشر با تاکید بر گفتگوهای سازنده خود با مقامات جمهوری اسلامی ایران بر رسیدن به یک تفاهر مشترک درباره احترام به حقوق انسان ها تاکید کرد و گفت: ما معتقدیم که کشورهای مختلف می‌توانند ساختارهای خود را برقرار کنند و البته در این ساختار توجه به شأن انسانی بسیار مهم است.وی افزود: ساختار قضایی مستقل جمهوری اسلامی ایران بسیار جایز است و در قوایم ما چنین ساختاری برای قوه قضائیه مجزا پیش بینی نشده است.رئیس جمهوری اتریش با تاکید بر ضرورت تربیت مفاهیم حقوق بشری افزود: با شما موافقم که در هیچ کشوری حقوق بشر به طور کامل رعایت نمی شود اما این موضوع نباید به هدف غایی ما که رسیدن به شان و منزلت انسانی است لطمه وارد کند.

## قدردانی از دارنده مدال برنز المپiad کشور نانو در کرمان

کرمان – خبرنگار اطلاعات: استاندار کرمان از دانش‌آموز پژوهشگر محملزند وکیلی دارنده مدال برنز ششمین دوره المپیاد دانش‌آموزی علوم و فناوری نانو کشور قدردانی کرد.

علیرضا رزم حسینی در دیدار با این پژوهشگر کرمانی با تاکید بر رتبه‌های بالای علم دانش‌آموزان استان در جهان نشاندهنده توانمندی دانش‌آموزان نخبه کرمانی که آمار آنان در استان بسیار است حمایت خود تا در آینده به همت این جوانان رتبه‌های علمی بیشتری در جهان کسب کنند. سرپرست اداره کل آموزش و پرورش استان کرمان نیز از ایجاد آزمایشگاه فناوری نانو در شهرستان‌های کرمان، سیمرچیان و رفسنجان خبرداد و گفت: دانش‌آموزان کرمانی مستعدترین دانش‌آموزان کشور هستند که با حمایت از آنها استان کرمان می‌تواند در جهان بدرخشد. سیدابوالموکی افروز: محیط‌های ارتباطی ما پژوهشکده تعلیم و تربیت هستند که باید نقش آنها در جامعه پررنگ‌تر شود.

## تبریز شهر جهانی صنایع دستی و بافت فرش شد

تبریز– خبرنگار اطلاعات:مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری آذربایجان شرقی گفت: طبق اعلام رسمی شورای جهانی صنایع‌دستی (WCC) پس از بررسی‌های تخصصی و حضور کارشناسان ملی‌المللی در ایران، تبریز به‌عنوان شهر جهانی صنایع‌دستی و بافت فرش به ثبت رسید.

فرزین حقیرست افزود: در پی فعالیت‌ها و تعاملات صورت گرفته از سوی سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری در آخرین نشست مشترک شورای جهانی صنایع‌دستی در سال ۲۰۱۵ در رای اکتریت قاطع رؤسای مناطق آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی، اروپا، آفریقا و آسیا–اقیانوسیه، شهرهای تبریز و اصفهان نمایندگان کشورهای ایران در حوزه صنایع‌دستی و فرش به طور مشترک به ثبت جهانی رسیدند.او با اشاره به سفر هیات‌رئیس شورای جهانی صنایع‌دستی در تیرماه امسال به تبریز یادآور شد: ۶ شهر در ۲۰۱۵ بعنوان شهر جهانی صنایع‌دستی با شناسنامه‌های منحصربه‌فرد صنایع‌دستی به عنوان کانیدا به این شورا معرفی شدند و در نهایت با توجه به پتانسیل‌ها و ویژگی‌های منحصربه‌فرد این دو شهر در حوزه صنایع‌دستی برای اولین بار به طور همزمان دو شهر تبریز و اصفهان به ثبت جهانی رسیدند.

## دانشگاه یزد میزبان مسابقات ملی

## علائم‌ات دانش آموزی کشور

یزد– خبرنگار اطلاعات: هفتمین دوره مسابقات ملی الکتراکات و نوآوری دانش‌آموزی کشور، ۲۸ و ۲۹ آبان امسال به میزبانی دانشگاه یزد برگزار می‌شود. سید ادرخشان، دبیر اجرایی این مسابقات با اعلام این خبر افزود: این همین راستا در نشستی که با حضور مسئولان بی‌رحانه‌های است















۲۳۵

## فرهنگ

چهارشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۹۴ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال نودم - شماره ۲۶۲۴۹

۵-۴



گفتاری از زنده یاد استاد حائری  
امام آنگونه که من دیدم

۶



شیخ محمدجواد مغنیه  
پیشگام تقریب مذاهب

۵-۴



از «نامه ایران» - استاد حمید یزدان پرست  
به خود آییم!

۲



نوشتن درباره کودکی  
عادل عاشق!

۳



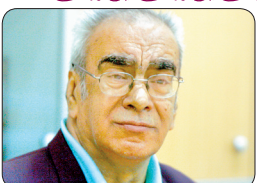
روایت دکتر شرف الدین خراسانی از:  
نخستین زادگاه فلسفه

۷



زندگی خود نوشت مرحوم عطاردی  
عشق به تحقیق

۶



اسلام به روایت  
پرفسور هانس کونگ



استاد کامران فاثی  
حدیث نفسی

عبدالحمید بدیع الزمانی کردستانی برمی گذارد. حضور ذهن و حافظه ای شگفت انگیز داشت. انسان را به یاد حماد راویه می انداخت. در عربیت و ادبیت عذیم النظیر بود. عشق به زبان عربی را او در دل من شعله ور ساخت. در سال ۱۳۴۷ لیسانس ادبیات فارسی گرفتم و سال بعد به سرپازی رفتم. اختلاف ایران و عراق دو کشور را در آستانه جنگی تمام عیار قرار داده بود. البته جنگی در نگرفت و من هم همراه دوستان عزیزم دکتر سعید حمیدیان و آقای حسن انوشه به جای جنگیدن به کتاب خواندن پرداختیم. کار من تدریس زبان فارسی بود. در کنار ارونارد در دهانه فاو و در زیر نخل های بلند کتابخانه کوچکی درست کردم که اولین تجربه من در کتابداری بود. روزهای گرم و بلند تابستان خوزستان به کندی می گذشت و سربازان و گروهبانان و افسران به بطالت وقت کنی می کردند و روز را به شب می رساندند.

به اصرار کتاب داستان و شعر به آنها می دادم، نخست از خواندن اباء داشتند، آن را امری شاق می پنداشتند، ولی کم کم شیفته مطالعه شدند. به وضوح می دیدم هر انسانی که سواد خواندن داشته باشد بالقوه دوستدار کتاب و کتابخوانی است، فقط امکان و فرصت آن را نیافته است. نقش کتابخانه در همین است که چنین فرصتی را به سهولت در اختیار همگان می گذارد. آقای خرمشاهی در این دو سال خدمت سربازی عافیت اندیشی یا عاقبت اندیشی کرده بود و به جای خوزستان استان همدان را برای خدمت انتخاب کرده بود. در طی بیش از سی سال دوستی پایدار این تنها دو سالی بود که ما از یکدیگر جدا ماندیم.

در سال ۱۳۵۰ پس از اتمام سربازی مدتی به انگلستان رفتم. شاید برای این که زبان انگلیسی ام را بیازمایم. پس از چند ماه پرسه زنی دوباره به ایران بازگشتم. قبلاً با خرمشاهی قرار گذاشته بودیم که برای ادامه تحصیل مطلقاً گرد دانشگاه ادبیات نگردیم. هیچ کدام تدریس را دوست نداشتیم، و آخر و عاقبت مدرک گرفتن در رشته ادبیات فارسی هم جز معلمی نبود. تصمیم گرفتیم رشته کتابداری را انتخاب کنیم و رشته الفت با کتاب را از دست ندهیم. پس از قبولی در دانشکده کتابداری در مرکز خدمات کتابداری که از مراکز جدیدالتأسیس وزارت علوم بود و بی شک بزرگترین نقش را در بهبود و گسترش علوم کتابداری و کتابخانه های ایران داشته است، استخدام شدم. چندی بعد آقای خرمشاهی هم پس از یک سال کار اداری در دانشگاه ملی به مرکز خدمات کتابداری آمد و همکار شدیم.

از سال ۱۳۵۱ تاکنون شغل شاغل بنده کتابداری بوده است. ولی آقای خرمشاهی که به قول خودش «سوار مینی بوس عوضی شده بود» چند سال بعد کار کتابداری را به کناری نهاد و به انجمن حکمت و فلسفه رفت، شاید به همین علت بود که از فلسفه سر خورد و کتاب فرار از فلسفه را نوشت.

ادامه در صفحه ۲

در ۲۵ فروردین ماه ۱۳۳۳ در «باب الجنة» قزوین متولد شدم. خیلی زود شیفته کتاب خواندن شدم. از همان سال های اول و دوم دبستان در این وادی لغزان و لغزنده افتادم. در آن زمان هنوز ادبیات کودکان رسم نشده بود. ناگزیر کودک کتابخوان همان کتاب هایی را می خواند که بزرگسالان می خواندند. در قزوین کتابخانه عمومی وجود نداشت. یکی دو تا مغازه و یا در واقع دکه کتابفروشی بود که کتاب کرایه می دادند، به شبی «یک قرآن» که ظاهراً به نظرم پول کلاهی می آمد، چون یک شبه کتاب را تمام می کردم و همین شد که اجباراً تندخوانی را آموختم. سیکل اول دبیرستان را که تمام کردم در انتخاب رشته ریاضی ادبی مردد بودم، می خواستم فیزیکدان یا ادیب شوم. ولی مدیر دبیرستان مان که مرد جهان دیده ای بود به اصرار وادارم کرد رشته طبیعی را انتخاب کنم تا بتوانم پزشکی شوم. من هم «خبر الامور اوسطها» را پیشه کردم و در سال ۱۳۴۱ دیپلم طبیعی گرفتم و در همان سال در کنکور شرکت کردم و در رشته پزشکی دانشگاه تهران قبول شدم. ولی شور و شیفگی و هوش و حواسم متوجه ادبیات بود. وقتی از دانشکده پزشکی پایین می آمدم و به کنار دانشکده ادبیات می رسیدم، بی اختیار وارد آنجا می شدم.

جعبه اعلانات چشمم به نام درس ها و استادان ادبیات فارسی می خورد: جلال الدین همایی، بدیع الزمان فروزانفر، پرویز خاتلری، ذبیح الله صفا، مسحور و مجذوب می شدم. سرانجام تصمیم گرفتم تغییر رشته بدهم. سال سوم پزشکی بودم که دو مرتبه کنکور دادم و قبول شدم. وقتی برای اسم نویسی به دانشکده ادبیات رفتم، مأمور ثبت نام گفتم: شما در کنکور نفر هفتم شده اید و می توانید به دانشکده پزشکی بروید، چرا اینجا آمده اید؟ گفتم این رشته را دوست دارم. گفت اشتباه می کنید، حاضر نبود اسم مرا بنویسد.

سرانجام کارت دانشجویی ام را نشانش دادم و گفتم من دانشجوی سال سوم پزشکی هستم. در حالی که سرش را تکان می داد با اکراه اسمم را نوشت. در همان سال همشهری همدل و همزمان بهاء الدین خرمشاهی نیز از رشته پزشکی دانشگاه جدیدالتأسیس ملی کوچید و به دانشکده ادبیات آمد و از آن پس دوستی و مهری میانمان آغاز شد که گذشت زمان جز بر ژرفای آن نیفزوده است. از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۷ در دانشکده ادبیات بودم. دکتر سیدجعفر شهیدی متون نظم و نثر تدریس می کرد. دکتر امیرحسین یزدگردی با شور و شیفگی علم عروض و قافیه به ما می آموخت. دکتر ذبیح الله صفا درس تاریخ ادبیات فارسی می گفت. دکتر مهدی محقق صرف و نحو عربی درس می داد. دکتر محقق حق بزرگی بر گردن من دارد. سالها بعد به همراه دوستان عزیزم بهاء الدین خرمشاهی و مهندس حسین معصومی همدانی نزد ایشان شرح منظومه و شرح باب حادی عشر و مطول را خواندیم. ولی بزرگترین تأثیر روحی و روانی را شادروان

آموزه

امروز فرهنگ ما سطحی  
و دانش ما خطرناک است  
زیرا از لحاظ ماشین توانگر و از  
نظر غایات و مقاصد فقیر هستیم



ویل دورانت



کریم فیضی

## در جستجوی زمان

باید افزود در جستجوی زمان اهل شریعت برای پیدا کردن زمان ظهر شرعی می بایست شاخصی (چوب یا فلز) را در وسط بیابان یا مزرعه ای صاف نصب می کردند و با توجه به سایه و حرکت آن حدس - صحبت حدس است و تخمین نه یقین - بله حدس می زدند که اکنون حوالی ظهر شرعی است یا کمی مانده و گذشته است.

به همین منوال بوده است اوضاع درباره کشف قبله، در مواردی که حاجت به شناخت و شناسایی قبله بوده یا شمال و جنوب و شرق و غرب و شما از همین جا می توانید حدس - شاید هم چیزی بیش از حدس - بزنید که محاسبه زمان و مکان چه حال و هوایی داشته و اهل سفر و حفر به چه صورت می باید تنظیم شرایط می کردند و با چه دشواریهایی مناسبات خودشان را تنظیم می کردند.

از موضوع اصلی دور می شویم ولی دریغ است که این مثال از قلم بیفتند. فرض کنید که ۷۰ یا ۱۰۰ سال پیش فلان کارگر یا کشاورز در فلان روستا، می خواسته برود به ملاقات نامزد خودش در روستای همجوار یا دو روستا آن طرف تر. (در اینجا کاری نداریم که آنها برای نامزد شدن و برپایی مجلس و مراسم این امر خیر و دعوت از زید و عمر و علی و ولی و حسن و حسین چه شرایطی را پشت سر گذاشته اند و با چه دشواریهایی موفق به این کار شده اند و اشخاص با چه دشواریهایی مطلع شده اند و با چه فلاکت هایی توانسته اند زمان و مکان را پیدا کنند و بیابند و کثوم با ذوالفقار بشوند زن و شوهر) شما فکر می کنید که این کارگر یا کشاورز چگونه باید اطلاع می داده که می خواهد از روستای متبوع خودش حرکت کند و به روستای مطلوب خودش برود تا عیال جمال عیال آینده خودش را زیارت کند؟

آیا گیرنده و فرستنده ای در کار بوده است؟ آیا تلفنی وجود داشته؟ موبایلی بوده و پیامکی؟ اینترنتی بوده تا سائیتی باشد و وبلاگی؟ آیا ماشینی بوده و پستی؟ در شرایطی مشروط به مناسب و مساعد بودن اوضاع جوی و غیر جوی از نوع فراغت داشتن از کار فلاحت برای رفع گرسنگی و داشتن چارپایی به نام اسب یا الاغ، ذوالفقار می توانست مبدأ را ترک کند و راه مقصد را در پیش بگیرد، بدون اینکه بداند الان ساعت دقیقاً چند است، کجای راه قرار دارد، چقدر دیگر راه در پیش دارد و کی خواهد رسید و معشوقه خودش را ملاقات خواهد کرد!

شبیه این حالت و شرایط برای معشوقه بانو هم متصور بوده چون او نه می دانست چند سال دارد، کی به عقد غلامعباس درآمده است، خانه غلامعباس چقدر از خانه خودشان فاصله دارد و آخرین بار که غلامعباس را دید، کی بود: کدام ماه و کدام روز از کدامین سال و غلامعباس دیگر کی خواهد آمد و کی او را به سر خانه و زندگی خودش خواهد برد و زندگی مشترک آنها با هم شروع خواهد شد.

این حرف ممکن است اغراق آمیز جلوه کند، اگر بگویم که تنها علم یا یکی از تنها علم های زمانی گذشتگان ما، این بوده است که بچه بعد از انعقاد نطفه - که طبیعتاً بلافاصله بعد از ازدواج بود - بعد از چند ۹ به دنیا می آید: نه ماه و نه روز و نه ساعت و نه دقیقه. اشکالی که در اینجا مطرح است، این است که به قرینه ساعت و دقیقه - که از علوم جدید و معلومات متاخر و بعد از شیوع ساعت است - می توان حدس زد که این «علم» سابقه زیادی ندارد و از کشفیات انسانهای نیم قرن اخیر است.





## مقاله

ادامه از صفحه اول

# دکتر محمدحسین آشتیانی

استاد کلامان عالی

خدیجه بزرگی

نخستین کتابی که ترجمه و منتشر کردم نمایشنامه مرغ دریایی اثر آنتوان چخوف نویسنده روسی بود، در تابستان ۱۳۴۴، ولی در عالم نشر تالیف و ترجمه سهل ترین بخش کار است؛ مشکلات بعد از آن آغاز می شود. وقتی ترجمه کتاب را تمام کردم، دیدم روی دستم مانده است. کسی را نمی شناختم که مرا به ناشی معرفی کند. استادان ادبیات فارسی که از چهارصد پانصد سال پیش جلوتر نمی آمدند، تازه نویسندگان خارجی را هم نمی شناختند. تنها کسی که به فکرم رسید دکتر محمدجعفر محبوب بود که به ما سبک شناسی شعر درس می داد و سال ها قبل کتاب

خاطرات خانه مردگان داستایوفسکی را ترجمه کرده بود و تنها کسی بود که نویسندگان روسی را می شناخت. خلاصه رفتم پیش ایشان و گفتم استاد من مرغ دریایی آنتوان چخوف را ترجمه کرده ام. گفت عجب! خجالت کشیدم ادامه بدهم. گفت خوب ترجمه ات را ببور ببینم. پس از چند هفته از تحویل آن که خبری نشد، رفتم پیش ایشان و گفتم استاد یک کتابی ترجمه کرده بودم. گفت کدام کتاب؟ گفتم: مرغ دریایی. گفت آه، یاد آمد، بیا یک یادداشت برایت بنویسم برو پیش یک ناشر.

راستش فرصت نکرده بود ترجمه ام را نگاه کند. ولی به هر حال لطف کرد و مرا به نشر اندیشه که از ناشران معتبر آن زمان بود و خود دکتر

محبوب هم در آن سهم داشت، معرفی کرد. مدیر نشریه اندیشه مرحوم احمدی پیرمردی عبوس ولی خوش قلب بود. وقتی یادداشت دکتر محبوب و ترجمه مرا دید گفت برو یک مرتبه دیگر از روی آن باز نویسی کن. دستنویس ترجمه من البته پاکیزه و خوش خط و خوانا بود، ولی من فکر کردم این رسم معمول است. بلافاصله آدم سه چهار روز از صبح تا شب نشستم و یک بار دیگر از روی آن نوشتم.

شخصیت های داستان را با حروف قرمز می نوشتم. خیلی پاکیزه و تمیز و هر دو نسخه را بردم و به آقای احمدی دادم. بعد گفت یک نسخه آن را بردار و برو به اداره فرهنگ بخش نمایش و از آنجا اجازه بگیر. با ترس و لرزه اداره نمایش رفتم، به هر کس سر می زدم جواب سربالا می داد و می گفت به ما مربوط نیست. سرگردان در وسط راهروی اداره ایستاده بودم که مرد تنومند خوش رویی به من نزدیک شد و گفت چه کار داری؟ گفتم آمده ام اجازه چاپ این کتاب را بگیرم. گفت اینجا که جای اجازه چاپ کتاب نیست، تازه چاپ کتاب که اجازه نمی خواهد (در آن سال ها هنوز سانسور کتاب و مجوز چاپ رسم نشده بود) ولی اگر بخواهد روی صحنه اجرا شود، نیاز به اجازه دارد. ایشان محمدا علی کشاورز هنرمند برجسته تئاتر بود که لطف کرد و گفت حاضر است ترجمه مرا بخواند و آن را اصلاح کند. در واقع اولین ویراستار من بود. وقتی اصلاحات ایشان را دیدم، دیدم اصلا نمی توانم آن را قبول کنم، متن اصلی چیز دیگری می گوید و ایشان می گویند این طور بهتر است. به هر حال کتاب را پیش آقای احمدی آوردم، اصلاحات را دید و گفت همان ترجمه تو خوب است و اصلا بی خود آنجا رفتی و دستور حروف چینی کتاب را داد. وقتی اولین بار نمونه حروف چینی شده کتاب را دیدم ترسیدم غلط گیری کنم، می گفتم عده ای زحمت کشیده اند و ترجمه ناچیز مرا حروف چینی کرده اند، اگر غلط بگیرم چه کسی می خواهد دوباره آنها را درست کند.

خلاصه با ترس چند غلط را گرفتم و کتاب در هزار نسخه با جلد ضخیم و قیمت ۴ تومان در سال ۱۳۴۵ چاپ شد. چاپ اولین کتاب رویکرد تازه ای در زندگی مؤلف است، گویی قدم در دنیای جدیدی می گذارد، کتاب دیگری می خواند که دیگر متعلق به او نیست، از آن همگان است. در آن موقع از حق التألیف خبری نبود. آقای احمدی فقط پنج نسخه از کتاب را به من داد که به دوستانم دادم. بعد هر چند روزی یک بار به کتابفروشی اندیشه سر می زدم که ببینم وضع فروش کتاب چطور است، چون خجالت می کشیدم یکی دو نسخه هم خودم می خریدم. کم کم که دیدم این کار گران تمام می شود به کتابفروشی های دیگر می رفتم و سوال می کردم مرغ دریایی دارید یا نه؟ اگر می گفتند داریم ناگزیر یک نسخه می خریدم، ولی اگر می گفتند نداریم خوشحال می شدم.

بعد کتابفروش به شاگردش می گفت چرا نیاوردی، برو چند نسخه از نشر اندیشه بگیر. مرغ دریایی از آثار برجسته ادبی جهان است، موضوع اصلی آن رابطه هنرمند با هنر و اجتماع است و تنها ایثار و ایمان به کار هنری راه دشوار هنر را که در مقابل هر هنرمند اصیلی قرار دارد هموار



دکتر محمدحسین آشتیانی

می کند، این نمایشنامه دوبار هم در ایران بر روی صحنه آمد. یک بار قبل از انقلاب که آقای سمندریان آن را اجرا کرد و یک بار هم بعد از انقلاب که آقای زنجانی پور آن را در تالار وحدت به روی صحنه آورد.

شرح چاپ و نشر آثار دیگرم که بعد از مرغ دریایی درآمد نقل و تفصیلی ندارد. وقتی کتاب اولتان را چاپ کردید دیگر راه نشر کم کم به رویتان باز می شود، مشکلات هموارتر یا دست کم مانوستر می شود و خاطره آن رنگ می یازد. در این جا فهرست وار به ذکر آثار دیگرم می پردازم: بعد از مرغ دریایی داستانی تحت عنوان لنتس اثر گئورگ بوخنر (یا بوخنر) نویسنده آلمانی که در جوانی درگذشت ترجمه کردم. چون این اثر کوتاه بود و نمی توانست مستقلا به صورت کتاب درآید به دوست عزیزم سعید حمیدیان پیشنهاد کردم اثر دیگری از این نویسنده را (به نام ویتسک) ترجمه کند تا با هم به صورت کتاب منتشر کنیم. حمیدیان را هم من به کار ترجمه واداشتم و دو کتاب دیگر هم با همکاری یکدیگر ترجمه کردیم، یکی نمایشنامه سه خواهر اثر آنتوان چخوف بود و دیگری نمایشنامه آدم های ماشینی اثر کارل چایک نویسنده چک.

تمام این آثار در فاصله سال های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰ منتشر شد. آدم های ماشینی درباره روایت ها یا رویوت هاست که امروزه بسیار مطرح است. نویسنده در داستانی خیالی می گوید که چگونه این آدم های ماشینی ساخت انسان کم کم جای او را می گیرند و چگونه انسان دست به مبارزه با این مخلوق خود می زند. در آن سال ها هنوز کامپیوتر این قدر پیشرفت نکرده بود و وارد زندگی روزمره انسان ها نشده بود. حدس نویسنده هشدار است علیه پیشرفت تکنولوژی که از مهار دین و اخلاق بیرون رفته است. اثر بعدی که ترجمه کردم فیلمنامه ترستانا اثر لوییس بونوئل کارگردان برجسته اسپانیایی است که در سال ۱۳۵۲ منتشر شد. بعد از آن جلد سوم کتاب معتبر و مفصل علم در تاریخ نوشته جان برنال فیزیکدان

معاصر انگلیسی را ترجمه کردم که به سیر تاریخی علم از قرن شانزدهم تا نوزدهم می پردازد. جلد های دیگر این اثر را دوستام آقای ملایری، ثلاثی، اسدپور بیرانفر و بهاء الدین خرمشاهی ترجمه کردند. بعد از آن کتابی را که بسیار دوست داشتم و همیشه آرزوی ترجمه اش را داشتم به فارسی برگردانم. کتاب سلوک روحی بتهوون اثر سالیوان در سال ۱۳۵۶ منتشر شد. در این کتاب نویسنده سیر و سلوکی را که بتهوون در عالم هنر داشته به روشنی باز نموده است. فصلی که درباره خدا در آثار بتهوون نوشته و از فصول درخشان کتاب است نقش موسیقی را در بیان ایمان مذهبی نشان می دهد. بتهوون به اعتقاد نویسنده پیشی عرفانی داشته و این نگاه و نگارش را به ویژه در آثار آخر عمرش به وضوح بیان کرده است. پس از آن کتاب زرتشت: سیاستمدار یا جادوگر نوشته ایرانشناس برجسته آلمانی - انگلیسی هنینگ را ترجمه کردم که با مقدمه مفصلی به قلم دکتر فتح الله مجتباتی در ۱۳۵۸ منتشر شد. هنینگ در این کتاب به رد آرا دور از ذهن دو تن از ایرانشناسان دیگر (نیرگ و هرتسفلد) می پردازد که یکی زرتشت را سیاستمداری در دربار هخامنشی معرفی می کند و دیگر دشمنی جادوگر در دوران ماقبل تاریخ هنینگ زرتشت را پیامبری راستین می داند که به خدای یگانه معتقد بود و پیامی دینی برای بشر به ارمغان آورد. چند کتاب هم به اصطلاح تألیف و تدوین کرده ام: یکی کتاب جنگ

جهانی اول و دوم است که برای نوجوانان نوشته شده و نخستین بار در مجله پیک جوانان منتشر شد و بعدا به صورت کتابی مصور در آمد. دیگر کتاب رده بندی تاریخ ایران است که در دو جلد یکی طبق نظام طبقه بندی کنگره و دیگری نظام دهدهی دیویی تدوین شده است. کتاب رده بندی فلسفه اسلامی را نیز تدوین کرده ام. ولی مهم ترین اثری که در زمینه علوم کتابداری تهیه و تدوین کرده ام حاصل بیش از سی سال کار در کتابخانه است کتاب سرعنوان های موضوعی فارسی است. این کتاب با همکاری خانم پوری سلطانی، کتابدار برجسته ای که همت والایش نقش اساسی در پیشبرد کتابداری ایران داشته، تألیف شده است. این کتاب نخستین بار به قطع رحلی در بیش از ۱۰۰۰ صفحه در سال ۱۳۶۲ منتشر شد و پس از آن سه پیوست آن نیز انتشار یافته است. ویرایش سوم آن در ۶۰۰ صفحه حدود یکصد هزار موضوع استاندارد را در تمام معارف بشری در بر دارد. روش تدوین همین کتاب اساس تألیف فرهنگ موضوعی قرآن مجید شد. تاکنون حدود ۱۵۰ مقاله نیز تألیف و ترجمه کرده ام که برخی از آنها و فصل و بخشی از یک کتاب را تشکیل می دهند، از جمله کتاب تاریخ فلسفه در جهان اسلام و زندگینامه علمی دانشمندان اسلامی.

از دیرباز همواره دلبسته و شفیقه کتاب های مرجع بودم، از این رو در تألیف و تدوین و سرپرستی چند دایره المعارف شرکت داشتم، از جمله: دایره المعارف تشیع، ۱۵ جلد؛ دانشنامه کودکان و نوجوانان، ۱۰ جلد؛ دایره المعارف دموکراسی، ۳ جلد؛ دایره المعارف ناسیونالیسم ۳ جلد و سرانجام دانشنامه دانش گستر در ۱۸ جلد که تمام معارف بشری را در بر می گیرد.

## نوشتن درباره کودکی-۷

## عادل عاشقی!

## آرش تبریزی

من هنوز هم گوشه و کنایه هایی را که از بابت یخچال و تلویزیون به مادرم زده می شد، فراموش نمی کنم. علی نفتی عقلش نمی رسید که اگر ما صاحب آن همه یخچال و تلویزیون بودیم، در پرداخت پول چند لیتر نفتی که او می آورد، خودخوری نمی کردیم و مجبور نمی شدیم نسیه کاری کنیم تا نفت بعدی و نوبت بعدی بدهکارش باشیم.

باری، عادل عینکی عاشق یکی از دختران علی نفتی شد ولی این موضوع با مخالفت مرد پولدار مواجه شد. او نمی دانست فردی فقیر و بی کار و علاف را به دامادی خود بپذیرد. اما عادل از پای نشست و بعد از چند سال اصرار و سماجت، موفق شد دختر زیبای کم سن و سال را با حرف های بی پایه خود فریب دهد. این فریب با فرار دختر از خانه پدر همراه شد و مرد نفت فروش با عمل انجام شده روبرو شد و مجبور شد به این وصلت که دیگر راه بازگشت نداشت، رضایت دهد. و چنین بود که عادل داماد شد و زنی زیبا را به زنی گرفت، اما چون پدرزنش او را به خانه خود راه نداد و چیزی از ثروت افسانه ای اش را به خاطر دخترش در اختیار داماد بی کفایت قرار نداد، طولی نکشید که دست فقر زندگی دختر نازپرورده علی نفتی را با عادل، دچار مخاطره کرد و عملا نتوانست در خانه محقر پدری عادل به زندگی مشترک خود ادامه دهد.

او به خانه پدری برگشت و حاضر به بازگشت برای ادامه زندگی با عادل نشد. عادل پس از آنکه تلاش هایش را بی فایده یافت، به اعتیاد روی آورد و چنان در مصرف مواد تخریبی افراط به خرج داد که در نهایت ضعف و ناتوانی و اوج لاغری زیر دست و پا افتاد و در اوج جوانی نعشش را از خانه پدری اش بیرون کشیدند. می گفتند در زمانی که دختر علی نفتی حاضر به بازگشت به خانه شوهر بی همه چیز خود نبود، عادل در یک عروسی، هنگام شایباش دادن به داماد، یک سکه ۵ تومانی از جیب درآورد و با اطمینان از این که سخن را به پدر زن پولدارش انتقال خواهند داد، گفته بود: به سلامتی هر چه پولدار خسیس! چندی بعد علی نفتی در عروسی دیگری، برای جواب متقابل، یک اسکناس ۵۰ هزار تومانی به طرف داماد گرفت بود و گفته بود: به امید مرگ هر چه بی پول معتاد!

## سیگاری

در محله ما دو نفر به اسم یدالله شناخته می شدند و با عنوان مشهدی یدالله معروف بودند. یکی شان نانوائی بی حالی بود که به خاطر سنگک های سیاه سوخته اش بر سر همه منت داشت و کسی را تحویل نمی گرفت. دیگری مشهدی یدالله بقال بود که مغازه اش درست روبروی خانه ما بود. هر وقت در خانه مان باز می شد، سر مغازه دیده می شد که یکی از آنها بقالی مشهدی یدالله بود. از قضای روزگار این دو مشهدی، به یکباره حاجی شدند و لقبشان از مشهدی به حاجی تغییر یافت. حاج یدالله بقال، اکنون که همه می دانستند و می گفتند قبل از این سبزی فروش بود، آن هم با الاغ. الاغی داشت که مخصوص کارش بود. صبح ها سوار بر خر به جالیزهای اطراف می رفت.

انواع و اقسام سبزی ها را بار خر می کرد و در کوچه و خیابان دنبال مشتری می گشت و چون تا قبل از غروب خورشید سبزی هایش تمام نمی شد، غروب که می شد، سوار بر خر از آن سرکوچه داخل کوچه می شد. چون قد و قامتی بسیار بلند داشت، دو پایش که از این طرف و آن خر آویزان می شد، بر زمین می خورد و منظره بسیار خنده داری را به وجود می آورد که اسباب خنده هر بیننده ای بود. مشهدی یدالله با شغل سبزی فروختن، درآمد چشمگیری نداشت. بنابراین با تعداد فراوان بچه های دختر و پسر بزرگ زندگی فقیرانه ای داشت. فقر او زیانزد خاص و عام بود و با خر کوتاه قد و قامت بلند خودش به ضرب المثل تبدیل شده بود. در میان بچه ها و فرزندان مشهدی، هیچ دو پسری شبیه هم نبود، همچنان که دخترانش اصلا مثل هم نبودند.

دختر بزرگش حلیمه سیاه و کوتاه قد بود و زیاد حرف می زد. فکی داشت استثنایی و منحصر به فرد که از حرف زدن خسته نمی شد. آنقدر حرف می زد که اطراف دهانش کف می کرد، ولی باز نمی ایستاد و همچنان به سخنان خودش ادامه می داد. او در حرف زدن رکوردی خاص داشت. علاوه بر اینکه هیچ کس در مسابقه حرفی حریفش نبود، در گوش دادن هم کسی حریفش نبود. کسی قادر نبود تا پایان سخنان او تاب بیاورد چون مطلقا توقف نداشت و نمی ایستاد. عجیب این بود که حرفهایش به هم متصل بود و حلیمه اجزای پاره پاره سخنانش را با ترجیع بندهایی مانند «داشتیم می گفتیم» و «همانطور که گفتیم» و «تا یادم نرفته اینم بگم» با استادی به هم می چسباند و آرزوی هر شنونده ای را در تمام شدن سخنانش و کم آوردن از ادامه سخن را بردلش می نشانید. ادامه دارد





فرهنگ ۳

و فرمانده سپاه کورش به نام هارپاگوس مقاومت ایشان را در هم شکست و شهرهای ایونیا که نمی توانستند یگانگی و یکپارچگی هدف و نقشه سیاسی داشته باشند، یکایک به اشغال ارتش ایران در آمدند و وادار شدند که هر سال اخراج فراوان بپردازند و حتی در ارتش ایران نیز خدمت کنند. در میان این شهرها، تنها میلئوس بود که دوراندیشی سیاسی را فراموش نکرد و در جنگ با ایرانیان شرکت نجست و پیشنهاد کورش را به همکاری پذیرفت و در شمار متحدان ایران در آمد و همچنان وضع مستقل داخلی خود را نگه داشت، به ویژه این که ایرانیان کمتر در سازمان ها و کارهای داخلی ایونیا دگرگونی پدید آوردند بلکه در شرایط تازه نیز همچنان می توانستند بازرگانی و فعالیت اقتصادی خود را تا درون آسیا و خاور زمین گسترش دهند و بدین سان فرهنگ یونانی و به ویژه میلئوس شکفته می شد و بر ثروت طبقه بازرگانان و صنعتگران توانگر افزوده می گردید. حتی کشاکش های میان خاندان های اشراف نیز همچنان ادامه یافت.

تا اینکه در سال ۵۰۰ یا ۴۹۹ پیش از میلاد مردم ایونیا بر ضد ایرانیان شورش آغاز کردند. علت این شورش را باید در اینجا جستجو کرد که فرمانداران خودکامه ای که از سوی سارتاپ ایرانی، بر شهرهای ایونیا گماشته شده بودند، اندک اندک با مقاومت طبقه بازرگان روبرو می شدند که پرورده های خود این فرمانداران و برخوردار از پشتیبانی ایشان بودند. زیرا نفوذ بازرگانی فونیکیان (فنیقیان) و یونانیان قاره اروپایی یونان، منافع ایشان را تهدید می کرد.

از سوی دیگر کامبیز قبلاً به سال ۵۲۵ مصر را به تصرف آورده بود و در نتیجه شهرهای مهاجرنشین یونانی و مصرمانندناکرآتیس از لحاظ اقتصادی و اجتماعی پژمرده شده بود و نیز پس از لشکرکشی داریوش بر ضد اسکوتای یا اسکیتها (یا بنا بر منابع شرقی ایشکوزای) در حدود سال ۵۱۳، ایرانیان تنگه داردانل و بوسفوروس را زیر نفوذ و نظر گرفته بودند و بدین سان برای بازرگانی یونانیان در دریای سیاه دشواری هایی پدید آمده بود. انگیزه معنوی و ذهنی نیز در این میان روحیه آزادی جویی مردم ایونیا بود که می کوشیدند خود را از بند سلطه بیگانگان و دست نشاندهگان ایشان رها سازند.

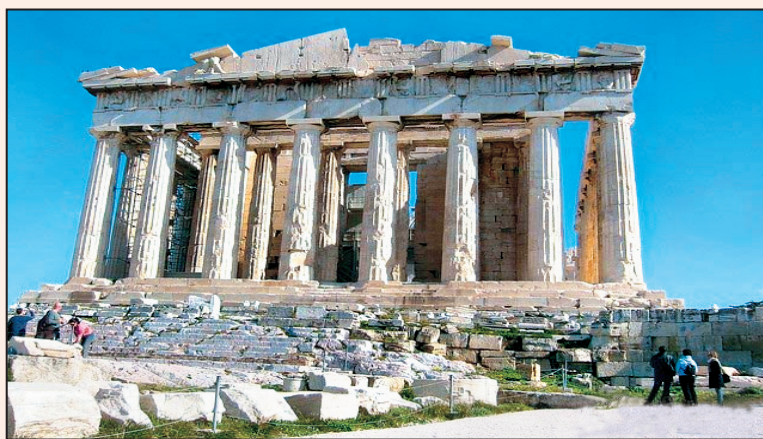
در این هنگام، اشراف زمیندار از این وضعیت به سود خود بهره برداری آغاز کردند و رهبر آنان به نام آریستاگوراس داماد و جانشین فرمانروای خودکامه میلئوس به نام هیسستیاپوس که در آن هنگام در شهر شوش زندانی بود، به تحریک وی از راه یک پیام محرمانه، فرصت را برای برانگیختن مردم به شورش غنیمت شمرد. آریستاگوراس خودکامگی را کنار نهاد و رهبری شورش را به دست گرفت. خودکامگان شهرهای دیگر ایونیا نیز از وی پیروی کردند. وی از آن و اسبپارتا یاری خواست، اما از آنجا که این دو شهر خود دشواری هایی داشتند، نتوانستند آن گونه که باید به شورشیان یاری کنند.

ادامه دارد

از آن بر سر راه بازرگانی وجود داشت، اکنون از میان برداشته شده بود و می توان گفت که با وجود نداشتن استقلال کامل سیاسی، ایونیا در سده ششم از لحاظ پیشرفت زندگی اقتصادی، صنعتی و فرهنگی پیشرفته ترین نواحی یونان بود. باروی کارآمدن کورش بزرگ (۵۵۹-۵۲۹ پ.م) در ایران، تعادل سیاسی در جهان آن روز بر هم خورد. کورش که توانسته بود در سال ۵۵۰ پیش از میلاد استیاگس (۵۵۰-۵۸۵ پ.م) واپسین شهریار ماد را از سر راه بردارد و نیروی متمرکز سیاسی در ایران پدید آورد، اکنون رو به سوی همسایگان و رقیبان سیاسی خارجی آورد و پیش از همه درصدد برآمد که همدست بزرگ شهریاران ماد، یعنی کشور لیدیا را از پیش پای

## روایت دکتر شرف الدین خراسانی از:

# فخستین زادگاه فلسفه



بردارد. زیرا می دانیم که به سال ۵۸۵ پیش از میلاد، پس از جنگی که میان آلیاتس و کیاکسارس (هوخشتره) Kyaksares (۵۸۵-۶۲۴ پ.م) شهریار ماد در گرفت و سرانجام کار به سازش و آشتی میان آن دو کشید، آریائیا دختر آلیاتس به همسری استیاگس پسر کیاکسارس درآمد و بدین سان کرویسوس نیز با پادشاه ماد خویشاوند بود. کرویسوس، اکنون به سال ۵۴۶ به دستیاری دولت اسپار تا خود را برای جنگ با کورش که به سوی لیدیا روان شده بود، آماده کرد و در کنار رود هالیس (قل ایرماک کنونی) در کاپادوکیا با ارتش ایران روبرو شد.

کورش وی را با ارتشش تا درون کشورش واپس راند و پس از دو هفته شهر ساردیس را به تصرف درآورد و کرویسوس را نیز اسیر کرد. پس از فرو ریختن بنیاد کشور لیدیا، اکنون ایونیا نیز که تاکنون در زیر نفوذ سیاسی و فرمانروایی لیدیا بود معرض هجوم ارتش ایرانیان قرار گرفت. اما نکته تاریخی برجسته در این میان این است که کورش، پیش از نبرد نهایی خود با لیدیا، به شهرهای ساحلی یونان در دریای اژه پیشنهاد همکاری کرد.

اما این شهرها که زمانی دراز زیر نفوذ لیدیا بودند و طبقه بازرگان آن در واقع حکومت و سیاسی را در دست داشتند و از راه دادوستد با سرزمینهای دیگر سخت توانگر شده بودند، تن به همکاری با ایرانیان ندادند و نیز از آنجا که هرگز یکپارچگی سیاسی در میان آنان وجود نداشت در دام فریب یکی از اهالی لیدیا به نام پاکتیاس افتادند که مورد اعتماد کورش و از سوی وی به سرپرستی خزانه در ساردیس گمارده شده بود.

پاکتیاس با دادن پول های فراوان شهرهای ایونیا را به شورش و ایستادگی در برابر کورش برانگیخت. اما کوشش این شهرها بی نتیجه ماند

تأسیس شهرهای آن به شکل دولت شهرهای مستقل و به دست اشراف موروثی که زمینداران بزرگ بودند، اداره می شد. اما با گذشت زمان و نیروگرفتن طبقه بازرگانان و صنعتگران، حکومت بر پایه فرمانروایی چندتن و کارهای سیاسی به وسیله «انجمن های خلق» انجام می گرفت. اما همواره، در هر شکل آن، دارایان بر نادران فرمان می راندند. در سده هفتم پیش از میلاد، همسایه ایونیا کشور لیدیا (Lydia یا لودیا) و پایتخت آن شهر ساردیس بود که پس از افول قدرت سیاسی کشور فروگیا (Phrygia یا فریگیا) در حدود سال ۶۸۰ پیش از میلاد، به شکل نیرومندترین دولت آسیای صغیر درآمده بود و بر سر آن زمینداران بزرگ و نیز نمایندگان بازرگانان

نوانگر جای داشتند. در آن هنگام فرمانروای لیدیا گوگو که یونانیان وی را گوگس می نامیدند بود و در زمان وی بود که برای نخستین بار پول سکه، چنانکه در صفحات پیش اشاره شد، در لیدیا و سپس از آنجا به ایونیا راه یافت. گوگس توانست هجوم اقوام نیمه وحشی و صحرانشین کیمریان را واپس براند، اما سرانجام در هجوم دوباره آنان به سال ۶۵۲/۶۵۴ در جنگ کشته شد. وی از دیرباز قصد داشت که ایونیا را به زور به قلمرو خود ملحق سازد. پس از وی پسرش آردوس (Ardus یا آردیس) نیز درصدد تحقق بخشیدن به نقشه پدرش بود، اما پیروزی نیافت.

جانشین وی سادیاتس Sadyttes نیز اندکی پس از سال ششصد پیش از میلاد به میلئوس هجوم آورد، اما جنگ به طول انجامید و پیروزی به دست نیاورد. پس از وی پسرش آلیاتس Alyattes (۵۶۰-۶۰۵ پ.م) نیز به میلئوس حمله آورد و پس از مدتی نبرد کار به سازش انجامید، در حالی که شهر اسمور به جنگ وی افتاد و ویران شد. نیرومندترین و نامورترین فرمانروایان لیدیا مردی بود به نام کرویسوس (Kroisos یا کرزوس) که از سال ۵۶۰ تا ۵۴۶ پیش از میلاد فرمان راند و در توانگری در جهان باستان افسانه شده بود. به دست وی بود که آن شهرهایی از ایونیا نیز که پیش از او مستقل مانده بودند، به قلمرو سیاسی لیدیا پیوسته شدند.

اما وی را نمی توان چونان عصری بیگانه و وحشی در برابر یونانیان آسیای صغیر دانست؛ زیرا فرهنگ و شیوه زندگی یونانی در کشور و دربار وی نیز نفوذ کرده و انتشار یافته بود. بدین سان فرمانروایی او نه تنها برای زندگی اجتماعی و اقتصادی ایونیا زیان نداشت، بلکه به گسترش بیشتر آن یاری می کرد و بویژه مانع هایی که پیش

ایونیا بخشی بود از سرزمین یونان باستان واقع در مغرب آسیای صغیر (کشور ترکیه کنونی) که از شمال به کشور لیدیا، از خاور به آسیای صغیر، از باختر به دریای اژه و از جنوب به دنباله شرقی دریای مدیترانه محدود می شده است. این بخش از یونان، پس از هجوم دوریان به نواحی مرکزی یونان و آتیكا و آغاز جنبش مهاجرت از سال ۷۵۰ پیش از میلاد به بعد، به دست بخشی از اقوام یونانی به نام ایونیان، در کرانه های باختری آسیای صغیر بنیاد نهاده شد.

مهاجرانی که از نواحی مرکزی یونان و پلوپونسوس به سوی شمال و خاور و باختر روانه شدند، انگیزه اصلی شان یافتن زمینهای جدید برای کشاورزی و سپس امکان دادوستد کالاها با سرزمینهای دیگر بوده است. جنبش مهاجرنشین یونانیان با سرعت شگفت انگیزی پیش می رفت و به هر سو کشیده می شد و شهرهای فراوان نو، بنیاد می گردید. ایونیا، در همان نخستین دوران جنبش مهاجرنشین در بخش باریکی از کرانه های باختری آسیای صغیر تأسیس شد و بزودی شهرهای مهمی پدید آمد.

در سده هفتم و ششم پیش از میلاد، ایونیا در آسیای صغیر دارای دوازده شهر بوده است به نامهای: میلئوس (Miletos) افسوس (efesos)، کولوفون (kolofon)، جزیره های ساموس و خیوس، و شهرهای پرینئوس (Perinthos)، فوکایا (Fokaia)، کلازومنا (Klazomènai)، اروثرای (Eruthrai)، تبوس (Teos)، پری ینه (Priene) و واسمورنا (Smyrna) یا از میر کنونی. از این شهرها و بویژه در آن میان میلئوس Miletos بزرگترین و مهمترین شهر آن، در کرانه های دریای سیاه بیش از ۹۰ شهر مهاجرنشین بنیاد کردند. مهاجران میلئوس، چنانکه اشاره شد، حتی در سرزمین مصر باستان، یعنی کرانه های شمالی آن کشور، شهر ناوکرآتیس را پایه گذارند. در شمال نیز، شبه جزیره خالکیدیکه با سه بازاری آن به سوی دریا اقامتگاه ایونیان شد. شهرهای مهاجرنشین که به دست اهالی میلئوس در کرانه های دریای سیاه پدید آمد، اهمیت بازرگانی و اقتصادی فراوان داشت.

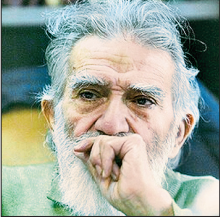
شهر مهم سینوپه در کرانه های جنوبی دریای سیاه و کراسوس و دیگران همه در شمار مهمترین راهها و بنادر بازرگانی دریایی بوده اند، و در آن زمان برای مردم ایونیا منابع بزرگ بازرگانی با سرزمینهای شمالی جنوبی بشمار می رفتند و از همین بنادر بود که انواع دانه ها، پشم، پوست و سنگهای گرانبها را به ایونیا می رساندند و بیش از همه اینها شاهراههای ورود مهمترین کالا برای زندگی اقتصادی یونان آن دوران، یعنی بردگان بودند.

در میان شهرهای ایونیا در آن زمان، میلئوس به صورت مهمترین و بزرگترین مرکز زندگی اجتماعی و اقتصادی درآمده بود. وضع جغرافیایی آن که در کرانه دریا و مصب رود مایاندروس (متاندر) جای داشت، آن را به عنوان یکی از بندرهای مهم و مراکز پیشه و بازرگانی درآورده بود. کشتیهای بازرگانی از هر سوی دریای مدیترانه و کرانه های آفریقا به این بندر می آمدند و شاهراه بازرگانی دریایی میان مصر، فونیکیه (فنیقیه)، جزایر کرتا و رودس بشمار می رفت.

کالاهایی مانند روغن زیتون، انجیر خشک، بافته های پشمی، ظرفهای سفالین از میلئوس صادر می شد و کالاهای گوناگون دیگر از سرزمینهای آشور و بابل، مصر و ایران و حتی هند نیز از راه این بندر وارد می شد و به شهر ساردیس پایتخت کشور لیدیا می رفت.

سازمان سیاسی ایونیا از نخستین سالهای





میرزا اسد خان

اشاره: آنچه می‌خوانید گفتاری است از گفتار های مرحوم استاد عبدالحسین حائری که در شهر یور ماه امسال جان به جان آفرین تسلیم کرد.

استاد حائری نواده دختری شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم بود که سابقاً تحصیلات حوزوی تا حد اجتهاد داشت. با این حال و عمر خودش را در خدمات فرهنگی و بطور خاص کتابشناسی و نسخه پڑوی به سر آورد.

**آشنایی با امام**

در جریان وفات مرحوم جدمان بود که برای اولین بار آقاسی خمینی را دیدم. ایشان پیش حاج آقا مرتضی زیاد می‌آمدند. صحنه رفتار ایشان کاملاً ذهنم هست که با دایبسی‌ام (حاج آقا مرتضی حائری) می‌رفتند و می‌آمدند. جلسات فاتحه با وجود ممنوعیت، در خانه ما برقرار بود و مردم در آنها شرکت می‌کردند. در تمام آن جلسات آقای خمینی هم شرکت می‌نمودند. من اولین بار آن قامت و آن منش را دیدم و در ذهنم قیافه آشنا شد.

**نقل‌امام در اصلاح حوزه علمیه‌قم**

در مراحل آغازین تشکیل حوزه در قم حجره‌های مدرسه فیضیه و دارالشفا به وسیله درویشها و بعضی خدمه اشغال شده بود که در آنجا تریاک می‌کشیدند. یکی از مراحل اصلاح حوزه این بود که آنها را بیرون کنند. بعضی ها خصوصاً خدمه، قوم خاصی بودند که مقاومتشان در مقابل این جور اصلاحات بیشتر بود. معروف است که یکی از آنها از مدرسه بیرون نرفته است. امام که جزو نخستین مهاجرین به قم بوده‌اند در آن‌فضیه دخالت کرده و می‌زنند تو گوش آن فرد، چون ظاهر اهانت نیز کرده بود.

**درس اخلاق حضرت امام**

حاج آقا مرتضی می‌گفت: آقای خمینی وقتی درس اخلاق می‌گفتند، خودشان به حدی تحت تأثیر قرار می‌گرفتند و آنقدر دست‌شان را بر زمین فشار می‌دادند که انگشتانش زخم می‌شد. من نیز چند جلسه شرکت کردم و برایم بسیار آموزنده بود و امام با حالت خاصی آیه آخر سوره کهف را می‌خواندند.

**رفقا و هم‌مباحثه‌های امام**

آقا سید محمد یزدی (معروف به محقق داماد) که با

دایم از همان اوایل یک حجره‌ای گرفته بودند، چند سال ــ حداقل دو سال ــ با امام بحثهای داغی داشتند. امام تا آن طرف مدرسه صدایش می‌آمد. هیچ وقت به قیافه ایشان نمی‌آمد که این جور اهل داد و فریاد باشد. حدود دو سال بحث بسیار، بسیار داغ که خودم صدایشان را می‌شنیدم. اما با دیگران بحث دائم و مرتب و سسر ساعت نداشتند؛ ولی با آقای داماد داشتند. امام با دوستانشان ایام تعطیل و شبهای ماه رمضان و پنجشنبه و جمعه در خانه‌ها دوره داشتند. یک روز خانه امام بود، یک روز خانه دایی من بسود، یک روز خانه حاج آقا عبدالله آل آقا بود. یک روز خانه سیداحمد زنجانی (پدر آقای شبیری) بود و این بحث می‌کردند و هیچ وقت به باطل نمی‌گذاشت. بادم است مدتی که سروصدای کسروی در آمده بود، یک کسی پیش از ۱۳۲۰ و بیشتر آن هم بعد از آن سال بود که اینها جلسهای داشتند و روی نقاط ضعف کسروی بحث می‌کردند. من جلسساتی را که در خانه دایی من تشکیل می‌شد دیده بودم، در آن جلسات وقت به باطل نمی‌گذاشت. گاهی شوخیهایی می‌شد؛ ولی معمولاً به بحثهای مفید می‌گذاشت. امام با حاج آقا مرتضی و حاج آقا مهدی حائری معاشر دائم بودند. بادم هست که در یکی از جلسات راجع به کسروی بحث می‌کردند و آقای خمینی ــ متأسفانه موضوع بحث بادم نیست ــ می‌گفتند: این حدیثی که کسروی نقل کرده و نقطه ضعف از امام صادق(ع) گرفته را دیده‌ام! ایشان نصف آن را نقل کرده نصف دیگرش را نقل نکرده، کسروی دروغگو و خیانتکار است. صرفاً اینطور نیست که مورخ باشد و در تاریخ کار کند، دروغ می‌گوید و سوء نیت و غرض دارد، برای اینکه آن حدیثی که آنجا آورده‌اننام است، در حالی که نصف دیگر حدیث مسأله را حل می‌کند و اگر آن را

نقل می‌کرد مشکلی نمی‌بود.

**تألیف کتاب کشف اسرار**

کشف اسرار مطالبی است که حضرت امام در جلساتی با حضور کسانیی چون آقا مرتضی و مهدی حائری بحث و نقادی کرده بودند. محصول آن جلسات این شد که روزی امام اعلام کردند که من تا چند ماه در جلسات شرکت نخواهم کرد و کتابی را که باید بنویسم شروع کرده‌ام. در آن دوره همه می‌دانستند که آقای خمینی کتابی را علیه کسروی می‌نویسد.(کتاب در پاسخ

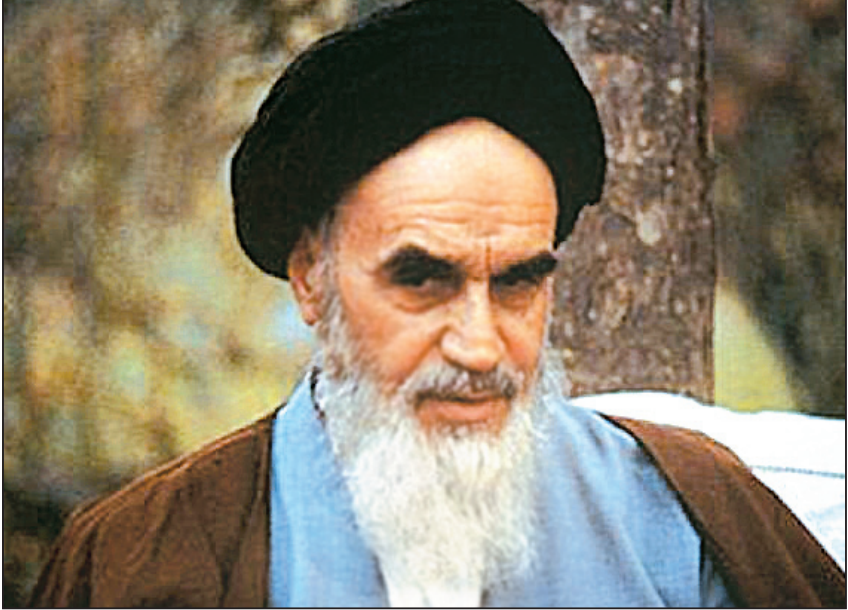
حکمی یزدی در کتاب کشف اسرار هزار ساله نوشته شده است نه در پاسخ کسروی)

**مطایبه‌های امام**

روزی در خانه حاج آقا مهدی در درکه بودم و آقای

**گفتاری از زنده یاد استاد عبدالحسین حائری**

## امام آنگونه‌که من دیدم



خمینی و دایی بزرگ هم تشریف داشتند، اینها گویا از قم آمده بودند. به هر حال شب آنجا بودیم. صبح پا شدیم رفیقم برای نماز، بعد از نماز سرم را روی سجده گذاشته حائری بحث و نقادی کرده بودند. محصول آن جلسات داندن و گفتند: چرا اینقدر خودت را اذیت می‌کنی؟ یک قدری پاشو، بگو، بخند، بازی کن! شوخیا و حرکات امام برای من جالب بود. اسمام نقل می‌کردند که یک جایی هست نزدیک خمین که اهل آن محل به حماقت

از شریعت خدای تو و دستور پادشاه اطاعت کند، باید بی‌درنگ مجازات شود»

سپس عزرا چنین دعا کرد: «سپاس بر خداوند که این اشتیاق را در دل پادشاه گذاشت تا خانه خداوند را که در اورشلیم است، زینت دهد. خداوند را شکر می‌کنم که مرا

مقبول پادشاه و مشاوران و تمام مقامات مقتدرش گردانید و به من قوت بخشید تا بتوانم سران طایفه‌های بنی اسرائیل را ترک گفت و همراه عده‌ای از یهودیان به اورشلیم رفت. ایشان سال هفتم سلطنت اردشیر از بابل حرکت کردند و به یاری خدا... به سلامت به اورشلیم رسیدند. این است متن نامه‌ای که اردشیر پادشاه به عزرا داد:

۲- کتاب نحمیا: این فصل، بخشی از کتاب مقدس است که در دوران اردشیر هخامنشی نوشته شده و موارد مشابهی در کتاب عزرا دارد.

■ در بیستمین سال سلطنت اردشیر، وقتی در کاخ سلطنتی ششوش بودند... از اوضاع اورشلیم سؤال کردم، جواب دادند: «ایشان در شبات تنگی و خواری به سر می‌برند. حصار شهر هنوز خراب است و دروازه‌های سوخته آن تعمیر نشده است.» (۱:۱ و ۳) در آن روزها من ساتقی پادشاه بودم. یک روز اردشیر پادشاه از من پرسید: «چرا اینقدر غمگینی؟» گفتم: «پادشاه تا به ابد زنده بماند! وقتی شهری که اجدادم در آن دفن شده‌اند، ویران شده است...»

■ اردشیر پادشاه ــ به تمام خزانه‌دارها در مناطق غرب رود فرات دستور می‌دهم که: هر چه عزرا از شما درخواست نماید... فوری به او بدهید. هرچه خدای آسمان فرموده باشد، بدون تأخیر برای خانه او به جا آورید. مبدا خشمم خداوند بر من و خاندام نازل شود. و تو ای عزرا، با حکمتی که خدا به تو داده است، حکام و قضاتی را که شریعت خدایت را می‌دانند، برای رسیدگی به مسائل مردم غرب رود فرات انتخاب کن. اگر آنها با شریعت خدای تو آشنا نباشند، باید ایشان را تعلیم دهی. اگر کسی نخواهد

نمی‌نویسند و هنوز اعتقادی ندارند. بعد از مدتی گفت که آقای خمینی به من گفتند که آقای بروجردی خیلی پر است، باید قدرش را دانست و از من آن چیزهایی را که مربوط به درسهای قبلی بود و نوشته بودم، گرفتند و گفتند: من خودم [از این به بعد را] می‌نویسم. خودم از امام شنیدم که صدها سال است در حوزه‌های علمی این جور فقهیی پیدا نشده و این کیفیت قهاقت در حوزه‌ها نیامده‌است.

**نگرانی امام از افراد کج سلیقه در بیت آیت‌الله بروجردی**

یکی از تجار تهران که عمامه هم داشت و خیلی در کار روحانیون دخالت می‌کرد و گاهی هم کمکهایی می‌نمود، مثلاً کتاب و ذغال می‌داد و به طلبه‌ها کمک می‌کرد. شاید بهتر باشد من اسمش را نیاورم؛ ولی یکی از تجار کتاب فروش بود و سلیقه‌های خیلی خاص داشت و از سدهسای تند بود که با بقیه نمی‌خواند. امام خمینی و دایی من خیلی اظهار نگرانی می‌کردند و از ادامه دخالتش در دستگاه آقای بروجردی متأسف بودند.

**شروع تدریس خارج توسط امام**

حدود سسال ۱۳۲۸ که من چند سال به درس خارج (درس نهایی حوزه‌ای) می‌رفتم، اطلاع یافتم امام درس خارج را شروع کرده‌اند، اما خصوصی است. شروع درس خارج امام خمینی نکته جالبی دارد که فکر نکنم کسی [آن را] بداند. این از مسائل پشت پرده است.

آقای منتظری و آقای مطهری که از فضایی بنام حوزه بودند، پیش آقاسی خمینی رفتند و درس خارج گذاشتند. اولین‌بار بود که آقای خمینی قبول می‌کردند و تا آن وقت درس سطح می‌گفتند. البته قبل از آقای خمینی آنها پیش آقا سیدمحمد داماد رفته و درس خارج گذاشته بودند. ما خوشحال شدیم که آقا سیدمحمد داماد که از فضایی بزرگ حوزه بود تدریس خارج شروع کرده‌اند.

دایی من (حاج آقا مهدی) که هم سن این آقایان ـمطهری و منتظری ــ بود، می‌گفت: از درس آقا سید محمد داماد برای اوایل به منزل آقای بروجردی و درس خارج بحث مقام است و جواب می‌دهد. درس آقایان با او ظاهراً شش ماه یا یک سال بیشتر نشد، اینطور که در ذهنم هست، رها کردند و به درس آقای خمینی رفتند؛ یعنی آن درس را پیش آقای خمینی گذاشتند که خیلی هم بد شد. دایی‌ام (حاج آقا مهدی) می‌گفت: از آقای مطهری پرسیدم را نمی‌نوشتند. دایم‌ام می‌گفت: آقای خمینی درسها را این چه کاری بود که کردید؟! او گفت به سه دلیل: یکی

اینکه اولاً امام خوشگل تر است! (اینکه شوخی قضیه بود). دیگر اینکه خوش بیان‌تر است و سوم اینکه خوش‌آه‌تر است. البته مرحوم داماد بعد از چند مدتی درس خارج را شروع کردند که از دروس مهم حوزه بود. اما درباره امام از آقای منتظری در مصاحبه‌اش شنیدم که دوره اول درس خارج امام، اول فقط ایشان بود و آقای مطهری و یکی دو سه نفر. آقای سبحانی هم حضور داشتند و در دوره دوم بود که درس امام اوج گرفت و شرکت‌کنندگان زیاد شدند.

**سبک‌بر خورد امام با دیگران در مسائل عرفانی**

یک بار رفتم از امام یک کتابی بگیرم. فهمیده بودم که ایشان یک شرح دعای سحر دارند که نسخه آن را پیش دایم‌ام (حاج آقامرتضی) دیده‌بودم. امام عصرهایم نشنستند نزدیک محل نماز آقای سیدمحمدتقی خوانساری و نماز می‌خواندند که خیلی صحنه جالب و روحانی بود. پیش ایشان رفتم و گفتم: شرح دعای سحر دارید، می‌خواهم ببینم. پاسخی فرمودند که آن‌وقت برایم خیلی سنگین آمده؛ ولی بعدها فکر کردم و دیدم عجب حرفی زندد در عالم دوستی و تربیت. ایشان فرمودند: نه، وقتش نیست حالا. و این مصراع سعدی را خواندند: «دار پدر پیاده را ز سیل». این سخن را در سال‌های ۱۳۲۶ یا ۱۳۲۷ که اوایل درس خارج من بود به من گفتند. مطلب مهم اینکه امام به شدت مطلب داغ عرفانی را که برای استفاده عموم ننوشته بودند مخفی نگه می‌داشتند. البته کتابهایی چون اربعین حدیث و .. را که برای احقاقی بسیار طرفه‌ای و سبیل، نمی‌کردند. در حالی که درباره کتابهایی چون مصباح الهایه، اصلاً در حوزه اطلاعی از آن نداشتند و تنها عده معدودی از آن مطلع بودند.

اما ریشه امتناع آن حضرت از طرح مسائل خاص عرفانی این بود که اینها حقایق بسیار ظریفی است که اگر فهم نشود موجب انحراف خواهد شد. بنابراین هرکسی را در درس‌های عرفانی خود راه نمی‌دادند و برای ورود در آن جلسات شرایط دقیقی قائل بودند. تنها دایی من (دکتر شیخ مهدی حائری) و یک دو سه نفر دیگر توانسته بودند در آن کلاس‌ها شرکت کنند. تازه، درس عمومیشان منظومه بود، فقط منظومه و آن وقت کتاب‌های داغ مانند فتوحات و فصوص تنها برای دو سه نفر در خانه تدریس می‌شد.

امام وقتی مسائل عرفانی را مطرح می‌کردند دیگر

استفاده نکردیم. حاکمان قبیلی علاوه بر خوراک و شرابی ندانسته‌باشد و با این زمینه ذهنی به تأمل در آیات قرآن ایشان مطالبه می‌کردند و مأموران آنها نیز بر مردم ظلم می‌کردند؛ ولی من هرگز چنین کاری نکردم؛ زیرا از خدا می‌ترسیدم. (۱۴۵ و ۱۵)

■

در کتاب اول مکئیان از «عهدین ثانی» حتی از مهرداد یکم اشکانی ــ بنیانگذار سلسله پارتیان ــ یاد شده است و ایرانیان باستان است. موارد دیگری نیز وجود دارد که به تصریح پیامبر گرمی اسلام(ص) و دیگر بزرگان دین، به ایرانیان‌بازمی‌گردم...

■ کتاب نحمیا: این فصل، بخشی از کتاب مقدس است که در دوران اردشیر هخامنشی نوشته شده و موارد مشابهی در کتاب عزرا دارد.
■ در بیستمین سال سلطنت اردشیر، وقتی در کاخ سلطنتی ششوش بودند... از اوضاع اورشلیم سؤال کردم، جواب دادند: «ایشان در شبات تنگی و خواری به سر می‌برند. حصار شهر هنوز خراب است و دروازه‌های سوخته آن تعمیر نشده است.» (۱:۱ و ۳) در آن روزها من ساتقی پادشاه بودم. یک روز اردشیر پادشاه از من پرسید: «چرا اینقدر غمگینی؟» گفتم: «پادشاه تا به ابد زنده بماند! وقتی شهری که اجدادم در آن دفن شده‌اند، ویران شده است...»
■ اردشیر پادشاه ــ به تمام دروازه‌هایش دستور می‌دهم که: هر چه عزرا از شما درخواست نماید... فوری به او بدهید. هرچه خدای آسمان فرموده باشد، بدون تأخیر برای خانه او به جا آورید. مبدا خشمم خداوند بر من و خاندام نازل شود. و تو ای عزرا، با حکمتی که خدا به تو داده است، حکام و قضاتی را که شریعت خدایت را می‌دانند، برای رسیدگی به مسائل مردم غرب رود فرات انتخاب کن. اگر آنها با شریعت خدای تو آشنا نباشند، باید ایشان را تعلیم دهی. اگر کسی نخواهد

نمی‌نویسند و هنوز اعتقادی ندارند. بعد از مدتی گفت که آقای خمینی به من گفتند که آقای بروجردی خیلی پر است، باید قدرش را دانست و از من آن چیزهایی را که مربوط به درسهای قبلی بود و نوشته بودم، گرفتند و گفتند: من خودم [از این به بعد را] می‌نویسم. خودم از امام شنیدم که صدها سال است در حوزه‌های علمی این جور فقهیی پیدا نشده و این کیفیت قهاقت در حوزه‌ها نیامده‌است.

**نگرانی امام از افراد کج سلیقه در بیت آیت‌الله بروجردی**

یکی از تجار تهران که عمامه هم داشت و خیلی در کار روحانیون دخالت می‌کرد و گاهی هم کمکهایی می‌نمود، مثلاً کتاب و ذغال می‌داد و به طلبه‌ها کمک می‌کرد. شاید بهتر باشد من اسمش را نیاورم؛ ولی یکی از تجار کتاب فروش بود و سلیقه‌های خیلی خاص داشت و از سدهسای تند بود که با بقیه نمی‌خواند. امام خمینی و دایی من خیلی اظهار نگرانی می‌کردند و از ادامه دخالتش در دستگاه آقای بروجردی متأسف بودند.

در این عالم نبودند، چنان‌که در تفسیر سوره حمد درست مثل حاج آقا روح‌الله طلیه ششده بودند. الله‌اکبر، الله‌اکبر خلوص محض بودند؛ ولی نگذاشتند که ادامه پیدا کند. شاید هم مصلحت نبود، حظ کردم از آن صحنه. امام، اعتقاد داشتند غالب بشر در درک حقایق عرفانی ناتوان‌اند و به این دلیل آن حقایق را مطرح نمی‌کردند. البته افراد خاصی هستند که این توانایی را دارند، این ذوق به همه داده نشده‌است.

**عنایت و گذشت حضرت امام به اینجانب**

من با دختر مرحوم آیت‌الله سیدمحمدی‌الدین طالقانی که از فضایی قم بود و با خانواده ما آشنایی داشت در سال ۱۳۳۸ ازدواج کردم. من نمی‌دانستم که امام با آقای حاج سیدمحمدی‌الدین ارتباط نزدیک دارند. سید از امام خواسته بود که حتماً یک طرف عقد را بخوانند. من در حالی که لیادم را تغییر داده بودم در جلسه عقد وارد شدم. دیدم امام آنجا نشسته‌اند و اصلاً سرشان را بلند نکردند و با من حتی سلام و علیک و احوالپرسی هم ننمودند. امام از اینکه از کسوت روحانیت خارج شده و از قم به تهران رفته بودم، اوقاتشان تلخ بود. آقای دوانی برای من نقل کردند که امام در خاطر تولد پسرم ولیمه داده بودم که حاج‌آقا روح‌الله خمینی هم به عنوان مهمان در آن مجلس حضور یافته و منتظر شخصی بودند. نزدیک ظهر آن فرد آمد و گفت: من خودم دیدم که حائری لباسش را عوض کرده‌است. امام از این خبر ناراحت شدند.

البته آن حضرت پس از انقلاب با عنایت و لطف فسرانان به اینجانب ابراز محبت فرمودند. به طوری که یک بار شهید مطهری چند روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی به من گفتند: پرریز در خدمت امام بودم که یک نامه‌ای از طرف گروهی از مدیر کل‌های مجلس آمدند که آنها نگران حقوق مایه‌نم خود بودند. امام فرمودند: مگر حائری آنجانیست؟! بگوید به‌این مسائل رسیدگی نماید و کتابخانه را هم در اختیار او بگذارید.

با شنیدن این خبر خیالم راحت شد که کذبوت امام به من از بین رفته‌است. این برنامه در اول انقلاب اتفاق افتاد البته من رویم نشد که به دیدار امام بروم. آن حضرت پیغامی به وسیله آقای مهدوی کئی برایم فرستاد که: «آنها نشست چه کنی؟» او به بگوید به قم بیاید، او خودش یک آیت‌الله است. با این همه من شرمنده بودم و خیلی مشکلات داشتم.

حضرت ختمی مرتب(ص) به نقل از مرحوم مجلسی اول در «شرح فقیه» آورده‌است که: «وجود مبارک حضرت رسول(ص) تأثیر کرده در عدالت انوشیروان؛ چون حضرت رحمة للعالمین است و عدالت انوشیروان سبب آسایش خلق شود.» همین مضمون است که جامی آن را به شعر درآورده است:

پیمبر که در عهدنوشین روان

به رخ گشت چشم و چراغ جهان
آید می‌گفت: از ظلم از آن سادهام
که در عهدنوشین روان زاده‌ام!

گذشته از این دست احادیث... احادیثی درباره برخی شهرهای ایران نیز داریم که... شگفت‌انگیز است: قم، قزوین، اصفهان، بخارا، طالقان، خراسان و... نیز احادیثی که نام مناطقی از ایران در آن آمده، همچون آذربایجان، ارمیه، اردشیر خَره، استخر، انبار، اهواز، توس، ری، راهمیر، دیلم، خوز، فارس، کرمان و... و نیز روایات جالبی که درباره عبد علی ایرانیان یعنی نوروژ از پیامبر گرمی، حضرت علی و امام صادق علیهم‌السلام در دست است و فضایل، لاکار، دعاها و نماز مخصوصی که برای این روز ذکر شده‌است و خوانندگان گرمی می‌توانند به باب ویژه آن در کتاب مفاتیح‌الجنان مراجعه کنند؛ روزی که از آن در متون روایی ما چنین یاد می‌شود: نوروژ، روزی است که در آن، خداوند از بندگانش پیمان گرفت که او را بپرسند و شریکی برایش قائل نشوند و به پیامبران، حجج و اولیایش ایمان بیاورند. روزی است که کشی نوح(ع) بر جودی قرار گرفت؛ ابراهیم(ع) بتهای قومش را شکست و موسی و هارون علیهما‌السلام با جادوگران قرار گذاشتند و به پیروزی آنها ختم شد...

ادامه دارد

### فرهنگی

چهارشنبه ۱۸ شهریور ۱۳۹۴/سال نودم ـ شماره ۲۶۲۴۹

**اخبارات**

ویژه فرهنگ تاریخ و تمدن ایران وجهان ۲۳۵

**تجرب**

**کارگاه‌افزایش میراث ملی، فرهنگی وصنایع دستی**

### نیایشگاه سرخ دُم

**رضاحیدری شکیب:** در پرسشگاه سرخ دم سنجاق‌های بلندی کشف شده است که انتهای آن به صفحه دایره‌دار نقش داری پایان می‌یابد که امروزه روشن شده است که این سنجاق‌ها را به عنوان نیاز به دیوار پرستگاهی کوپه‌اند.

سرسنجاق‌های دیسکی یکی از لوازمات آرایشی، آیینی و مذهبی بوده‌اند که نمونه این سرسنجاق‌ها را بر روی نقوش تزیینی فیگورهای به کار رفته در تزیین سرسنجاق‌ها و همچنین قبور و معابد لرستان می‌توان مشاهده کرد که سـاخت آن از هزاره ۳ ق م آغاز شده است. این سرسنجاق‌ها دارای تنوع و گونه‌های مختلف به لحاظ موضوع و نقش مایه هستند که در قرن‌های ۸ و ۹ ق م به اوج تکامل و زیبایی خود می‌رسند. سرسنجاق دیسکی از یک سر مسطح منقوش و یک میله تشکیل شده است، این سرسنجاق‌ها از لحاظ شکل ظاهری به دو نوع سرسنجاق دیسکی مدور و مربع و به لحاظ نقش مایه و موضوعات تزیینی روی صفحه دیسکی آن، به چندین نقش مایه و موضوع تقسیم می‌شوند که می‌توان: نقش مایه‌های هندسی، گیاهی، انسانی، حیوانی و تلفیقی از این نقش مایه‌ها را بیان کرد.

انواع اشیاء مفرغی خنجر، شمشیر، سرگز، سرپیکان و سرنیزه؛ ادوات و سازوبرگ اسب مانند: انواع لگام، آویزها و دهنه؛ زینورآلات مانند: گونشواره، انگشتی، گردنبند، دست‌بند و بازو بند؛ مجسمه‌های کوچک انسان و حیوان؛ انواع طلسم‌ها یا بت‌ها، سرعلی‌ها و ظرف‌های گوناگون مفرغی است و اندیشمندان بر این باورند که اشیائی که از دل این گورها بیرون آمده اند به وسیله تکنیک جکش کاری و ریخته گری تولید شده‌اند.

هنرمندان فلزکار سرخ دم برای پیدا کردن رموز جدید از نظر تجسم خدایان، هوشمندی خود را بکار بسته‌اند و با استفاده از فنون هنر برنز معمولاً این میله‌ها را در دو قسمت می‌ساختند، یکی سر میله و دیگری تیغه میله، و بعد آن دو قسمت را باهم جوش می‌دادند. مثلاً گاهی تیغه بلند میله از آهن و سر آن از برنز بود. این طور بنظر می‌رسد که بیشتر این میله‌ها در قالبهای یک طرفه ریخته می‌شدند و فقط از یک طرف نقش دار بودند و احتمال دارد که تمام این میله‌ها جنبه نذری داشته‌اند. ساکنان لرستان مردمانی مذهبی و پیرو آداب، رسوم و سنت‌های گذشتگان خود می‌باشند. بطوری که هم اکنون نیز به زیارت مکانهای مقدس و مکانهایی که از اجدادشان برایشان به جای مانده است میروند. ما مطالعه این اشیاء نامعکون و عجیب در منطقه لرستان، می‌توان به ارتباط خدایان و اسطوره‌ها و اصول دینی کهن ایرانیان پی برد. با توجه به اینکه سرخ دم مکان مذهبی بوده است بدیهی می‌باشد که اشیاء یافت شده در آنجا کاربرد مذهبی و موضوع مذهبی داشته‌باشد و این نیایشگاه بودن سرخ دم را تأیید می‌کند.

مردم ساکن لرستان به بعثت اموات عقیده داشتند و بدین جهت اشیاء نفیس و بتها و وسایل روزمره را با مرده به خاک می‌سپردند. در هر صورت از نظر هنری یعنی زیبایی و تناسب و هم از نظر صنعتی یعنی انتخاب فلزات و تناسب اختلاط و امتزاج آنها مفرغهای مختلفی بوجود آمده است این اشیاء را می‌توان بهترین اشیاء ساخته شده در هزاره اول و دوم قبل از میلاد دانستد در نتیجه در اثر گذشت زمان سالم و بی‌عیب مانده است چنانکه گفته شد سازندگان این مفرغها مادها بودند و ساختن این اشیا تأثیر زیادی در هنر دوره هخامنشی ایران و هنر اطراف مدترانه و آسیای صغیر داشته است. آثاری شبیه به این مفرغها در بعضی قسمت‌های اروپا نیز ظاهر گشته و بطور کلی می‌توان گفت مفرغهای لرستان حاصل ابتکارات محلی بوده که در حاشیه تمدنی بوجود آمده است که مهارت آن تا این موقع آنها را بی‌اسسب نگه‌داشته است و بالاتر از همه اهمیتهای مذهبی این مفرغها موجب شده است که در اقتباس و انحطاط این مفرغها جلوگیری شود و در ساختن این مفرغها دقت زیادی بعمل آید.

#### ایران

## از «نامه ایران»؛ استاد حمید یز دان پرست ۳/ به خود آییم!

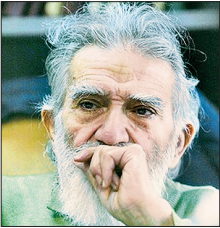


اشاره: آنچه می‌خوانید، پخش سوم فکسردۀ دیباچه‌پر مجموعهٔ ۶ جلدی نامه ایران، است. نخستین دفتر این مجموعه گرانسنگ در ۱۳۸۴ و واپسین دفترش در ۱۳۹۱ برای بهوش (کاهن اعظم) فرستاد: «ایا این درست است که شما در خانه‌های نوساخته زندگی کنید، ولی خانه من خراب بماند؟ به پی می گیریم و با آنچه در متون تاریخی در باره داریوش آمده است آشنا می شویم.

بلز زیاد می‌کارید، ولی محصول کم برداشت می‌کنید؛ می‌خورید، ولی سیر نمی‌شوید؛ می‌نوشید، ولی تشنگی تان رفع نمی‌گردد... فکر کنید و ببینید چه کرده‌اید و نتیجه‌اش چه بوده است!» (۱:۱ تا ۷) خداوند در زروپابل و بهوش و

بلز زیاد می‌کارید، ولی محصول کم برداشت می‌کنید؛ می‌خورید، ولی سیر نمی‌شوید؛ می‌نوشید، ولی تشنگی تان رفع نمی‌گردد... فکر کنید و ببینید چه کرده‌اید و نتیجه‌اش چه بوده است!» (۱:۱ تا ۷) خداوند در زروپابل و بهوش و





آقا محمد خاتمی

اشاره: آنچه می‌خوانید گفتاری است از گفتار های مرحوم استاد عبدالحسین حائری که در شهر یور ماه امسال جان به جان آفرین تسلیم کرد.

استاد حائری نواده دختری شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم بود که سابقاً تحصیلات حوزوی تا حد اجتهاد داشت. با این حال و عمر خودش را در خدمات فرهنگی و بطور خاص کتابشناسی و نسخه پز وی به سر آورد.

#### آشنایی با امام

در جریان وفات مرحوم جدمان بود که برای اولین بار آقاسی خمینی را دیدم. ایشان پیش حاج آقا مرتضی زیاد می‌آمدند. صحنه رفتار ایشان کاملاً ذهنم هست که با دایبسی‌ام (حاج آقا مرتضی حائری) می‌رفتند و می‌آمدند. جلسات فاتحه با وجود ممنوعیت، در خانه ما برقرار بود و مردم در آنها شرکت می‌کردند. در تمام آن جلسات آقای خمینی هم شرکت می‌نمودند. من اولین بار آن قامت و آن منش را که اینها جلسهای داشتند و روی نقاط ضعف کسروی بحث می‌کردند. من جلساتی را که در خانه دایی من تشکیل می‌شد دیده بودم، در آن جلسات وقت به باطل نمی‌گذشت. گاهی شوخیهایی می‌شد؛ ولی معمولاً به بحثهای مفید می‌گذشت. امام با حاج آقا مرتضی و حاج آقا مهدی حائری معاشر دائم بودند. یادم هست که در یکی از جلسات راجع به کسروی بحث می‌کردند و آقای خمینی – متأسفانه موضوع بحث بادم نیست – می‌گفتند: این حدیثی که کسروی نقل کرده و نقطه ضعف از امام صادق(ع) گرفته را دیده‌ام ایشان نصف آن را نقل کرده نصف دیگرش را نقل نکرده، کسروی دروغگو و خیانتکار است، صرفاً اینطور نیست که مورخ باشد و در تاریخ کار کند، دروغ می‌گوید و سوء نیت و غرض دارد، برای اینکه آن حدیثی که آنجا آورده نامنام است، در حالی که نصف دیگر حدیث مسأله را حل می‌کند و اگر آن را نقل می‌کرد مشکلی نمی‌بود.

#### نقل امام در اصلاح حوزه علمیه قم

در مراحل آغازین تشکیل حوزه در قم حجره‌های مدرسه فیضیه و دارالشفا به وسیله درویشها و بعضی خدمه اشغال شده بود که در آنجا تریاک می‌کشیدند. یکی از مراحل اصلاح حوزه این بود که آنها را بیرون کنند. بعضی ها خصوصاً خدمه، قوم خاصی بودند که مقاومتشان در مقابل این جور اصلاحات بیشتر بود. معروف است که یکی از آنها از مدرسه بیرون نرفته است. امام که جزو نخستین مهاجرین به قم بوده‌اند در آن قضیه دخالت کرده و می‌زنند تو گوش آن فرد، چون ظاهر اهانت نیز کرده بود.

#### درس اخلاق حضرت امام

حاج آقا مرتضی می‌گفت: آقای خمینی وقتی درس اخلاق می‌گفتند، خودشان به حدی تحت تأثیر قرار می‌گرفتند و آنقدر دست‌شان را بر زمین فشار می‌دادند که انگشتانش زخم می‌شد. من نیز چند جلسه شرکت کردم و برایم بسیار آموزنده بود و امام با حالت خاصی آیه آخر سوره کهف را می‌خواندند.

#### رفقا و هم‌مباحثه‌های امام

آقا سید محمد یزدی( معروف به محقق داماد) که با

دایم از همان اوایل یک حجره‌ای گرفته بودند، چند سال – حداقل دو سال – با امام بحثهای داغی داشتند. امام تا آن طرف مدرسه صدایش می‌آمد. هیچ وقت به قیافه ایشان نمی‌آمد که این جور اهل داد و فریاد باشد. حدود دو سال بحث بسیار، بسیار داغ که خودم صدایشان را می‌شنیدم.

اما با دیگران بحث دائم و مرتب و سسر ساعت نداشتند؛ ولی با آقای داماد داشتند. امام با دوستانشان ایام تعطیل و شبهای ماه رمضان و پنجشنبه و جمعه در خانه‌ها دوره داشتند. یک روز خانه امام بود، یک روز خانه دایی من بسود، یک روز خانه حاج آقا عبدالله آل آقا بود. یک روز خانه سیداحمد زنجانی (پدر آقای شبیری) بود و این بحث می‌کردند و هیچ وقت به باطل نمی‌گذاشت. بادم است مدتی که سروصدای کسروی در آمده بود، یک کمی پیش از ۱۳۲۰ و بیشتر آن هم بعد از آن سال بود که اینها جلسهای داشتند و روی نقاط ضعف کسروی بحث می‌کردند. من جلساتی را که در خانه دایی من تشکیل می‌شد دیده بودم، در آن جلسات وقت به باطل نمی‌گذشت. گاهی شوخیهایی می‌شد؛ ولی معمولاً به بحثهای مفید می‌گذشت. امام با حاج آقا مرتضی و حاج آقا مهدی حائری معاشر دائم بودند. یادم هست که در یکی از جلسات راجع به کسروی بحث می‌کردند و آقای خمینی – متأسفانه موضوع بحث بادم نیست – می‌گفتند: این حدیثی که کسروی نقل کرده و نقطه ضعف از امام صادق(ع) گرفته را دیده‌ام ایشان نصف آن را نقل کرده نصف دیگرش را نقل نکرده، کسروی دروغگو و خیانتکار است، صرفاً اینطور نیست که مورخ باشد و در تاریخ کار کند، دروغ می‌گوید و سوء نیت و غرض دارد، برای اینکه آن حدیثی که آنجا آورده نامنام است، در حالی که نصف دیگر حدیث مسأله را حل می‌کند و اگر آن را نقل می‌کرد مشکلی نمی‌بود.

#### تألیف کتاب کشف اسرار

کشف اسرار مطالبی است که حضرت امام در جلساتی با حضور کسانیی چون آقا مرتضی و مهدی حائری بحث و نقادی کرده بودند. محصول آن جلسات این شد که روزی امام اعلام کردند که من تا چند ماه در جلسات شرکت نخواهم کرد و کتابی را که باید بنویسم شروع کرده‌ام. در آن دوره همه می‌دانستند که آقای خمینی کتابی را علیه کسروی می‌نویسد.(کتاب در پاسخ

پادشاهان ماد و پارس» نوشته شده است. (۱:۱۰ و ۲) (ت اردشیر

۱- کتاب غزرا؛ توضیحات دربارۀ این کتاب در بخشهای پیشین آمده‌است.

■ در زمان سلسلّات اردشیر – پادشاه پارس – مردی زندگی می‌کرد به نام غزرا... اردشیر پادشاه هرچه غزرا می‌خواست، به وی می‌داد؛ زیرا خداوند با او بود. غزرا بابل را ترک گفت و همراه عده‌ای از یهودیان به اورشلیم رفت. ایشان سال هفتم سلطنت اردشیر از بابل حرکت کردند و به یاری خدا... به سلامت به اورشلیم رسیدند. این است متن نامهای که اردشیر پادشاه به غزرا داد:

« از اردشیر پادشاه به عزرای کاهن و عالم شریعت خدای آسمان. به این وسیله فرمان می‌دهم که از تمام مردم اسرائیل و کاهنان و لاویانی که در سراسر قلمرو سرزمین من به سر می‌برند، هر که بخواهد، می‌تواند همراه تو به اورشلیم بروی. در دعوت کرد. فرماندهان لشکر پارس اورشلیم فرستاده می‌شوی تا براساس قوانین خدایت وضع کردند. در این جشن که شش ماه به درازا کشید، خشایارشا همهٔ ثروت و شکوه و عظمت شاهنشاهی خود را به نمایش گذاشت. پس از پایان جشن، خشایارشا برای همه کسانی که در شوش زندگی می‌کردند -دارا و داتر -میهمانی هفت روزه‌ای در باغ کاخ ترتیب داد. (۱:۱) (۵ تا

در سال هفتم شاهنشاهی خشایارشا، استر را به کاخ سلطنتی بردند. پادشاه، استر را بیشتر از دیگر زنان دوست داشت، تا آنجا که تاج بر سر استر گذاشت و او را ملکه ساخت. (۱۶:۲ و ۱۷) ■ خشایارشا برای همه مردمان در قلمرو پادشاهی خود رفه نمی‌کرد. فکر کنید و ببینید چه کرده‌اید و نتیجه‌اش چه بوده است! (۱:۱) (۷ تا) خداوند در زرو بابل و بهوش و

معروفاند. از انواع حماقتشان این جور می‌گویند که مثلاً یک باغ را هر چهار طرفش دیوار نمی‌گذارند یک طرفش را دیوار می‌گذارند و آن دیوار را در می‌گذاشتند و در را قفل می‌کردند و خوشمزۀ تر اینکه دزد آنجا به جای اینکه

### گفتاری از زنده یاد استاد عبدالحسین حائری

# امام آنگونه‌که من دیدم



خمینی و دایی بزرگ هم تشریف داشتند، اینها گویا از قم آمده بودند. به هر حال شب آنجا بودیم. صبح پا شدیم رفتیم برای نماز، بعد از نماز سرم را روی سجده گذاشته

حائری بحث و نقادی کرده بودند. محصول آن جلسات این شد که روزی امام اعلام کردند که من تا چند ماه در جلسات شرکت نخواهم کرد و کتابی را که باید بنویسم شروع کرده‌ام. در آن دوره همه می‌دانستند که آقای خمینی کتابی را علیه کسروی می‌نویسد.(کتاب در پاسخ

پادشاهان ماد و پارس» نوشته شده است. (۱:۱۰ و ۲) (ت اردشیر

۱- کتاب غزرا؛ توضیحات دربارۀ این کتاب در بخشهای پیشین آمده‌است.

■ در زمان سلسلّات اردشیر – پادشاه پارس – مردی زندگی می‌کرد به نام غزرا... اردشیر پادشاه هرچه غزرا می‌خواست، به وی می‌داد؛ زیرا خداوند با او بود. غزرا بابل را ترک گفت و همراه عده‌ای از یهودیان به اورشلیم رفت. ایشان سال هفتم سلطنت اردشیر از بابل حرکت کردند و به یاری خدا... به سلامت به اورشلیم رسیدند. این است متن نامهای که اردشیر پادشاه به غزرا داد:

« از اردشیر پادشاه به عزرای کاهن و عالم شریعت خدای آسمان. به این وسیله فرمان می‌دهم که از تمام مردم اسرائیل و کاهنان و لاویانی که در سراسر قلمرو سرزمین من به سر می‌برند، هر که بخواهد، می‌تواند همراه تو به اورشلیم بروی. در دعوت کرد. فرماندهان لشکر پارس اورشلیم فرستاده می‌شوی تا براساس قوانین خدایت وضع کردند. در این جشن که شش ماه به درازا کشید، خشایارشا همهٔ ثروت و شکوه و عظمت شاهنشاهی خود را به نمایش گذاشت. پس از پایان جشن، خشایارشا برای همه کسانی که در شوش زندگی می‌کردند -دارا و داتر -میهمانی هفت روزه‌ای در باغ کاخ ترتیب داد. (۱:۱) (۵ تا

در سال هفتم شاهنشاهی خشایارشا، استر را به کاخ سلطنتی بردند. پادشاه، استر را بیشتر از دیگر زنان دوست داشت، تا آنجا که تاج بر سر استر گذاشت و او را ملکه ساخت. (۱۶:۲ و ۱۷) ■ خشایارشا برای همه مردمان در قلمرو پادشاهی خود رفه نمی‌کرد. فکر کنید و ببینید چه کرده‌اید و نتیجه‌اش چه بوده است! (۱:۱) (۷ تا) خداوند در زرو بابل و بهوش و

نمی‌نویسند و هنوز اعتقادی ندارند. بعد از مدتی گفت که آقای خمینی به من گفتند که آقای بروجردی خیلی پر است، باید قدرش را دانست و از من آن چیزهایی را را شروع کردند که از دروس مهم حوزه بود. اما درباره امام از آقای منتظری در مصاحبه‌اش شنیدم که دوره اول درس خارج امام، اول فقط ایشان بود و آقای مطهری و یکی دو سه نفر. آقای سبحانی هم حضور داشتند و در دوره دوم بود که درس امام اوج گرفت و شرکت‌کنندگان زیاد شدند.

#### سبک‌بر خورده امام با دیگران در مسائل عرفانی

یک بار رفتم از امام یک کتابی بگیرم. فهمیده بودم که ایشان یک شرح دعای سحر دارند که نسخه آن را پیش داییم(ام حاج آقامرتضی) دیده‌بودم.امام عصرهایم نشنستند نزدیک محل نماز آقای سیدمحمدتقی خوانساری و نماز می‌خواندند که خیلی صحنه جالب و روحانی بود. پیش ایشان رفتم و گفتم: شرح دعای سحر دارید، می‌خواهم ببینم. پاسخی فرمودند که آن وقت برایم خیلی سنگین آمده؛ ولی بعدها فکر کردم و دیدم عجب حرفی زندد در عالم دوستی و تربیت. ایشان فرمودند: نه، وقتش نیست حالا، و این مصراع سعدی را خواندند: «دار پدر پیاده را ز سیل». این سخن را در سال‌های ۱۳۲۶ یا ۱۳۲۷ که اوایل درس خارج من بود به من گفتند: مطلب مهم اینکه امام به درس خارج من بود به من گفتند: مطلب مهم اینکه امام به شدت مطلب داغ عرفانی را که برای استفاده عموم ن نوشته بودند مخفی نگه می‌داشتند. البته کتاب‌هایی چون اربعین حدیث و .. را که برای استفاده عموم بودند مخفی نمی‌کردند. در حالی که درباره کتاب‌هایی چون مصباح الهایه، اصلاً در حوزه اطلاعی از آن نداشتند و تنها عده معدودی از آن مطلع بودند.

اما ریشه امتناع آن حضرت از طرح مسائل خاص عرفانی این بود که اینها حقایق بسیار ظریفی است که اگر فهم نشود موجب انحراف خواهد شد. بنابراین هرکسی را در درس‌های عرفانی خود راه نمی‌دادند و برای ورود در آن جلسات شرایط دقیقی قائل بودند. تنها دایی من (دکتر شیخ مهدی حائری) و یک دو سه نفر دیگر توانسته بودند در آن کلاس‌ها شرکت کنند، تازه، درس عمومیشان منظومه بود، فقط منظومه و آن وقت کتاب‌های داغ مانند فتوحات و فصوص تنها برای دو سه نفر در خانه تدریس می‌شد.

امام وقتی مسائل عرفانی را مطرح می‌کردند دیگر

در این عالم نبودند، چنان‌که در تفسیر سوره حمد درست مثل حاج آقا روح‌الله طلبه ششده بودند. الله‌اکبر، الله‌اکبر خلوص محض بودند؛ ولی نگذاشتند که ادامه پیدا کند. شاید هم مصلحت نبود، حظ کردم از آن صحنه. امام، اعتقاد داشتند غالب بشر در درک حقایق عرفانی ناتواناند و به این دلیل آن حقایق را مطرح نمی‌کردند. البته افراد خاصی هستند که این توانایی را دارند، این ذوق به همه داده نشده است.

#### عنایت و گذشت حضرت امام به اینجاب

من با دختر مرحوم آیت الله سیدمحمدی‌الدین طالقانی که از فضایی قم بود و با خانواده ما آشنایی داشت در سال ۱۳۳۸ ازدواج کردم. من نمی‌دانستم که امام با آقای حاج سیدمحمدی‌الدین ارتباط نزدیک دارند. سید از امام خواسته بود که حتماً یک طرف عقد را بخوانند. من در حالی که لیادم را تغییر داده بودم در جلسه عقد وارد شدم. دیدم امام آنجا نشسته‌اند و اصلاً سرشان را بلند نکردند و با من حتی سلام و علیک و احوالپرسی هم ننمودند. امام از اینکه از کسوت روحانیت خارج شده و از قم به تهران رفته بودم، اوقاتشان تلخ بود. آقای دوانی برای من نقل کردند که امام در خاطر تولد پسرم ولیمه داده بودم که حاج‌آقا روح‌الله خمینی هم به عنوان میهمان در آن مجلس حضور یافته و منتظر شخصی بودند. نزدیک ظهر آن فرد آمد و گفت: من خودم دیدم که حائری لباسش را عوض کرده است. امام از این خبر ناراحت شدند.

البته آن حضرت پس از انقلاب با عنایت و لطف فسرانان به اینجانب ابراز محبت فرمودند. به طوری که یک بار شهید مطهری چند روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی به من گفتند: پرریز در خدمت امام بودم که یک نامه‌ای از طرف گروهی از مدیر کل‌های مجلس آمدند که آنها نگران حقوق مایه‌نم خود بودند. امام فرمودند: مگر حائری آنجانیست؟! بگوید بیه این مسائل رسیدگی نماید و کتابخانه را هم در اختیار او بگذارد.

باشنیدن این خبر خیالم راحت شد که کذبوت امام به من از بین رفته است. این برنامه در اول انقلاب اتفاق افتاد البته من رویم نشد که به دیدار امام بروم. آن حضرت پیغامی به وسیله آقای مهدوی کئی برایم فرستاد که: آنجا نمی‌ساختند، یکی سر میله و دیگری تیغه میله، و بعد آن دو قسمت را باهم جوش می‌دادند. مثلاً گاهی تیغه بلند میله از آهن و سر آن از برنز بود. این طور بنظر می‌رسد که بیشتر این میله‌ها در قالبهای یک طرفه ریخته می‌شدند و فقط از یک طرف نقش دار بودند و احتمال دارد که تمام این میله‌ها جنبه نذری داشته اند. ساکنان لرستان مردمانی مذهبی و پیرو آداب، رسوم و سنت‌های گذشتگان خود می‌باشند. بطوری که هم اکنون نیز به زیارت مکانهای مقدس و مکاتهای که از اجدادشان برایشان به جای مانده است میروند. ما مطالعه این اشیاء نامعکون و عجیب در منطقه لرستان، می‌توان به ارتباط خدایان و اسطوره‌ها و اصول دینی کهن ایرانیان پی برد. با توجه به اینکه سرخ دم مکان مذهبی بوده است بدیهی می‌باشد که اشیاء یافت شده در آنجا کاربرد مذهبی و موضوع مذهبی داشته باشد و این نیایشگاه بودن سرخ دم را تأیید می‌کند.

حضرت ختمی مرتبت(ص) به نقل از مرحوم مجلسی اول در «شرح فقیه» آورده است که: «وجود مبارک حضرت رسول(ص) تأثیر کرده در عدالت انوشیروان؛ چون حضرت رحمه للعالمین است و عدالت انوشیروان سبب آسایش خلق شود.» همین مضمون است که جامی آن را به شعر درآورده است:

پیمبر که در عهدنوشین روان

به رخ گشت چشم و چراغ جهان

گفت: از ظلم از آن سادهام

که در عهدنوشین روان زاده‌ام! گذشته از این دست احادیث... احادیثی درباره برخی شهرهای ایران نیز داریم که... شگفت‌انگیز است: قم، قزوین، اصفهان، بخارا، طالقان، خراسان و... نیز احادیثی که نام مناطقی از ایران در آن آمده، همچون آذربایجان، ارمیه، اردشیر خَره، استخر، انبار، اهواز، توس، ری، راهمیر، دیلم، خوز، فارس، کرمان و... و نیز روایات جالبی که درباره عبد علی ایرانیان یعنی نوروژ از پیامبر گرامی، حضرت علی و امام صادق علیهم‌السلام در دست است و فضایل، لاکار، دعاها و نماز مخصوصی که برای این روز ذکر شده‌است و خوانندگان گرامی می‌توانند به باب ویژه آن در کتاب مفاتیح‌الجنان مراجعه کنند؛ روزی که از آن در متون روایی ما چنین یاد می‌شود: نوروژ، روزی است که در آن، خداوند از بندگانش پیمان گرفت که او را بپرسند و شریکی برایش قائل نشوند و به پیامبران، حجج و اولیایش ایمان بیاورند. روزی است که کشتی نوح(ع) بر جودی قرار گرفت؛ ابراهیم(ع) بتهای قومش را شکست و موسی و هارون علیهما‌السلام با جادوگران قرار گذاشتند و به پیروزی آنها ختم شد... ادامه دارد

#### تجربیات

کارگاه‌افزایش میراث ملی، فرهنگی وصنایع دستی

### نیایشگاه سرخ دم

رضاحیدری-شکبپ: در پرسشگاه سرخ دم سنجاق‌های بلندی کشف شده است که انتهای آن به صفحه دایره‌دار نقش داری پایان می‌یابد که امروزه روشن شده است که این سنجاق‌ها را به عنوان نیاز به دیوار پرستگاهی کوپیده‌اند.

سرسنجاق‌های دیسکی یکی از لوازمات آرایشی، آیینی و مذهبی بوده‌اند که نمونه این سرسنجاق‌ها را بر روی نقوش تزیینی فیگورهای به کار رفته در تزیین سرسنجاق‌ها و همچنین قبور و معابد لرستان می‌توان مشاهده کرد که سـاخت آن از هزاره‌ای ق.م آغاز شده است. این سرسنجاق‌ها دارای تنوع و گونه‌های مختلف به لحاظ موضوع و نقش مایه هستند که در قرن‌های ۸ و ۹ ق.م به اوج تکامل و زیبایی خود می‌رسند. سرسنجاق دیسکی از یک سر سطح منقوش و یک میله تشکیل شده است، این سرسنجاق‌ها از لحاظ شکل ظاهری به دو نوع سرسنجاق دیسکی مدور و مربع و به لحاظ نقش مایه و موضوعات تزیینی روی صفحه دیسکی آن، به چندین نقش مایه و موضوع تقسیم می‌شوند که می‌توان:نقش مایه‌های هندسی، گیاهی، انسانی، حیوانی و تلفیقی از این نقش مایه‌ها را بیان کرد.

انواع اشیاء مفرغی خنجر، شمشیر، سرگز،سربیکان و سرنیزه؛ ادوات و سازوبرگ اسب مانند: انواع لگام، آویزها و دهنه؛ زیورآلات مانند: گوشواره، انگشتر، گردنبند، دست‌بند و بازو بند؛ مجسمه‌های کوچک انسان و حیوان؛ انواع طلسم‌ها یا بت‌ها، سرعلم‌ها و ظرف‌های گوناگون مفرغی است و اندیشمندان بر این باورند که اشیائیی که از دل این گورها بیرون آمده اند به وسیله تکنیک چکش کاری و ریخته گری تولید شده اند.

هنرمندان فلزکار سرخ دم برای پیدا کردن رموز جدید از نظر تجسم خدایان، هوشمندی خود را بکار بسته اند و با استفاده از فنون هنر برنز معمولاً این میله‌ها را در دو قسمت می‌ساختند، یکی سر میله و دیگری تیغه میله، و بعد آن دو قسمت را باهم جوش می‌دادند. مثلاً گاهی تیغه بلند میله از آهن و سر آن از برنز بود. این طور بنظر می‌رسد که بیشتر این میله‌ها در قالبهای یک طرفه ریخته می‌شدند و فقط از یک طرف نقش دار بودند و احتمال دارد که تمام این میله‌ها جنبه نذری داشته اند. ساکنان لرستان مردمانی مذهبی و پیرو آداب، رسوم و سنت‌های گذشتگان خود می‌باشند. بطوری که هم اکنون نیز به زیارت مکانهای مقدس و مکاتهای که از اجدادشان برایشان به جای مانده است میروند. ما مطالعه این اشیاء نامعکون و عجیب در منطقه لرستان، می‌توان به ارتباط خدایان و اسطوره‌ها و اصول دینی کهن ایرانیان پی برد. با توجه به اینکه سرخ دم مکان مذهبی بوده است بدیهی می‌باشد که اشیاء یافت شده در آنجا کاربرد مذهبی و موضوع مذهبی داشته باشد و این نیایشگاه بودن سرخ دم را تأیید می‌کند.

حضرت ختمی مرتبت(ص) به نقل از مرحوم مجلسی اول در «شرح فقیه» آورده است که: «وجود مبارک حضرت رسول(ص) تأثیر کرده در عدالت انوشیروان؛ چون حضرت رحمه للعالمین است و عدالت انوشیروان سبب آسایش خلق شود.» همین مضمون است که جامی آن را به شعر درآورده است:

پیمبر که در عهدنوشین روان

به رخ گشت چشم و چراغ جهان

گفت: از ظلم از آن سادهام

که در عهدنوشین روان زاده‌ام! گذشته از این دست احادیث... احادیثی درباره برخی شهرهای ایران نیز داریم که... شگفت‌انگیز است: قم، قزوین، اصفهان، بخارا، طالقان، خراسان و... نیز احادیثی که نام مناطقی از ایران در آن آمده، همچون آذربایجان، ارمیه، اردشیر خَره، استخر، انبار، اهواز، توس، ری، راهمیر، دیلم، خوز، فارس، کرمان و... و نیز روایات جالبی که درباره عبد علی ایرانیان یعنی نوروژ از پیامبر گرامی، حضرت علی و امام صادق علیهم‌السلام در دست است و فضایل، لاکار، دعاها و نماز مخصوصی که برای این روز ذکر شده‌است و خوانندگان گرامی می‌توانند به باب ویژه آن در کتاب مفاتیح‌الجنان مراجعه کنند؛ روزی که از آن در متون روایی ما چنین یاد می‌شود: نوروژ، روزی است که در آن، خداوند از بندگانش پیمان گرفت که او را بپرسند و شریکی برایش قائل نشوند و به پیامبران، حجج و اولیایش ایمان بیاورند. روزی است که کشتی نوح(ع) بر جودی قرار گرفت؛ ابراهیم(ع) بتهای قومش را شکست و موسی و هارون علیهما‌السلام با جادوگران قرار گذاشتند و به پیروزی آنها ختم شد... ادامه دارد

### ایران



از «نامه ایران»؛ «استاد حمید یز دان پرست ۳/

## به خود آییم!



اشاره: آنچه می‌خوانید، پخش سوم فکسردۀ دیپاجمبر مجموعهٔ ۵۲۰ جلدی نامه ایران، است. نخستین دفتر این مجموعه گرانسنگ در ۱۳۸۴ و واپسین دفترش در ۱۳۹۱ سـوی انتشارات اطلاعات به چاپ رسیده است. سخن را از همان جایی که باقی مانده پی می‌گیریم و با آنچه در متون تاریخی در باره داریوش آمده است آشنا می‌شویم.

بلز زیاد می‌کارید، ولی محصول کم برداشت می‌کنید؛

می‌خورید، ولی سیر نمی‌شوید؛ می‌نوشید، ولی تشنگی تان رفع نمی‌گردد... فکر کنید و ببینید چه کرده‌اید و نتیجه‌اش چه بوده است! (۱:۱) (۷ تا) خداوند در زرو بابل و بهوش و





## تحقیق

حسین عسکری

آیت الله شیخ محمدجواد مغنیه (۱۳۲۴ - ۱۴۰۰ق) مفسر قرآن کریم، فقیه نواندیش و از پیشگامان تقریب مذاهب اسلامی است. آل مغنیه از خاندان های علمی شیعه در لبنان است. نیای آن خاندان، در قرن ششم هجری قمری از شهر مغنیه در کشور الجزایر به جبل عامل لبنان رفته است. آیت الله شیخ محمدجواد مغنیه در روستای طبردا از توابع فرمانداری صور لبنان در خانواده ای روحانی زاده شد. در چهار سالگی، مادرش را از دست داد. پدرش شیخ محمود مغنیه (م ۱۳۳۴ق) که دانش آموخته حوزه علمیه نجف اشرف بود، او را با خود به نجف برد. در آنجا خط، حساب و زبان فارسی را آموخت. پدرش چون از عالمان مشهور لبنان بود پس از چهار سال اقامت در نجف، با دعوت اهالی منطقه عباسیه جبل عامل به لبنان برگشت و پس از چندی درگذشت. پس از آن شیخ محمدجواد به همراه دو برادرش روزهای سختی را در زادگاه خود گذراند؛ به طوری که برای سبیر کردن خود دست به حلا فروشی زد. او با همه مشکلات معیشتی، فراگیری دانش را فراموش نکرد و پس از گذراندن مقدمات علوم اسلامی در لبنان، برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت. برادر بزرگش شیخ عبدالکریم مغنیه (م ۱۳۵۴ق) نویسنده کتاب «القضاء و الارث»، سید محمدسعید فضل الله، آیت الله سید ابوالقاسم موسوی خویی (م ۱۴۱۳ق)، شیخ محمدحسین کربلایی و سیدحسین حمامی (م ۱۳۷۹ق) استادان او در حوزه علمیه نجف بودند.

پس از درگذشت برادرش و یازده سال تحصیل علوم اسلامی، با دعوت مردم جبل عامل، به لبنان بازگشت. در آنجا ضمن تبلیغ، تدریس و تألیف به کشاورزی هم پرداخت تا وضعیت معیشتی خود را سامان دهد. او در این مقطع از عمر خود آثار نیچه، شوپنهاور، ولز، تولستوی، عقاد، طه حسین و توفیق الحکیم را مطالعه کرد. در سال ۱۳۶۷ق پیشنهاد همکاری با دادگاه عالی جعفری (تشکیلات قضایی شیعیان لبنان) را پذیرفت و پس از مدتی ریاست آن دادگاه را عهده دار شد. وی تا سال ۱۳۷۵ق در این مسند باقی ماند و اصلاحات مهمی در قوانین و چگونگی پذیرش قضات صورت داد. در سال ۱۳۷۶ق به جهت سرپیچی از خواسته غیر قانونی کاظم الخلیل (وزیر وقت کشاورزی لبنان) و عادل عبران (رییس وکلای شیعه) و پرهیز از یک قضاوت ناعادلانه و غیرشرعی، ریاست دادگاه را واگذار کرد و تا سال ۱۳۷۸ق به عنوان مشاور باقی ماند. پس از آن به طور کلی از مسئولیت های اجرایی کناره گرفت و

به تألیف و تحقیق روی آورد.

آیت الله مغنیه در طول عمرش به کشورهای گوناگون سفر کرد. در سال ۱۳۹۰ق به دعوت آیت الله سیدکاظم شریعتمداری (م ۱۳۶۵ش) برای تدریس تفسیر و کلام در دارالتبلیغ اسلامی به شهر قم آمد. پس از دو سال توقف در ایران و زیارت مرقد امام رضا علیه السلام، در سال ۱۳۹۲ق به بیروت بازگشت. او تلاش گسترده ای برای وحدت اسلامی انجام داد و در این راستا با عالمان اهل سنت

## شیخ محمدجواد مغنیه

# پیشگام تقریب مذاهب



شیخ محمدجواد مغنیه

از جمله شیخ محمد ابو زهره، دکتر مصطفی محمود، شیخ نمام، شیخ شریباصی، شیخ حصری و شیخ محمود شلتوت گفت وگوهایی انجام داد. نخستین کسی بود که با رویکرد تقریبی، نقدی بر کتاب ضد شیعی «الخطوط العریضه» نوشته محب الدین الخطیب نوشت.

حدود شصت اثر به زبان عربی از او برجای مانده که بیشتر درباره تاریخ و عقاید تشیع، تقریب مذاهب پنجگانه اسلامی و تفسیر قرآن کریم است. تاکنون چهارده عنوان از این آثار در ایران به فارسی، ترجمه و منتشر شده است: فقه امام جعفر صادق عرضاً و استدلالاً، التفسیر الکاشف، التفسیر المبین، ارشاد القرآن، من هنا و هناك، الکمیت و دعبل، الاحکام الشرعیة للمحاکم الجعفریة، فلسفه التوحید و الولایة، الوضع الحاضر فی جبل عامل، الفصول الشرعیة علی مذهب الامامیه، مع الشیعه الامامیه، اهل البیت، الاسلام مع الحیاه، المرآة اسرائیلیات، تجارب

محمدجواد مغنیه بقلمه، المختصر الجامع فی فقه جعفر الصادق (نا تمام به جهت مرگ نویسنده)، قیم اخلاقیه فی فقه الامام الصادق، الوجودیه و الغیثان، فلسفه الاخلاق فی الاسلام، مذاهب و مصطلحات فلسفیه، الخمینی و الدوله الاسلامیه، فلسفه المبدأ و المعاد، علم اصول الفقه فی ثوبه الجدید، صفحات لوقت الفراغ، بین الله و الانسان، الاثنا عشریه، الله و العقل، النبوه و العقل، الاخره و العقل، المهدی المنتظر و العقل، علی و القرآن، فضائل الامام علی، علی

و الفلسفه، امامه علی و العقل، الحسین فی القرآن، دول الشیعه فی التاریخ، الشیعه و الحاکمون، الفقه علی المذاهب الخمسه، الحج علی المذاهب الخمسه، الزواج و الطلاق علی المذاهب الخمسه، الوصایا و الموارث علی المذاهب الخمسه، الوقف و الحجر علی المذاهب الخمسه، مفاهیم انسانیه فی کلمات الامام الصادق، مع الشیعه الامامیه، اثنا عشریه و اهل بیت، الشیعه و التشیع، اصول الاثبات فی فقه الجعفری، من زوايا الادب، هذه هي الوهابیه، مع علماء النجف الاشرف، مع بطله کربلا، المجالس الحسینیة، من ذا و ذاک، تفسیر الصحیفه السجادیة، من آثار اهل البیت، دلیل الموالی للنبی و آله، من وحی الاسلام، معالم الفلسفه الاسلامیه، نظرات فی التصوف.

او سه تفسیر از قرآن کریم دارد: «الکاشف» که تفسیری مفصل است و «ارشاد القرآن» تفسیری متوسط و «التفسیر المبین» تفسیری موجز است. مهم ترین اثرش در تفسیر، الکاشف در هفت جلد



حسین عسکری

است که در سال ۱۹۶۸ میلادی در بیروت منتشر شده است. او با رویکردهای تربیتی - اجتماعی فقهی، کلامی و روایی، به تفسیر قرآن پرداخته است. یکی از ویژگی های برجسته این تفسیر آن است که از اسرائیلیات دوری جسته و مطالب

خود را به طور مختصر و مفید و با نثری شیوا و روان نگاشته است. ضرورت تحول در حوزه های علمیه شیعه از دغدغه های اصلی او بود؛ به طوری که در سال ۱۹۵۴ میلادی مقاله ای با عنوان «معرکه فی الازهر بین المجتهدین و المحافظین» در مجله عرفان به چاپ رساند و ضمن تمجید از اصلاحات دانشگاه الازهر مصر، خواستار اصلاحات در حوزه های علمیه شد. آیت الله سید محمدباقر صدر (م ۱۴۰۰ق) که از آیت الله مغنیه با عنوان «استاد» یاد کرده، قاعده «اجتهاد در نصّ و عدم جمود بر لفظ و توجّه به مقاصد شریعت» را از «برکات علمی» او دانسته است. البته او بین «اجتهاد در نصّ» و «اجتهاد در مقابل نصّ» تفاوت می گذارد و فتوای آیت الله مغنیه در حرمت احتکار و عدم انحصار آن در موارد خاصی که در روایات ذکر شده را در ذیل این قاعده تحلیل می کند. وابستگی مقاومت و گریز در میدان نبرد به شرایط جنگی نه فتوای فقیه و مباح بودن ذبایح اهل کتاب از دیگر آرای فقهی او است.

شیخ محمدجواد مغنیه که از سال ۱۳۸۴ق از بیماری قلبی رنج می برد در ۱۹ محرم الحرام ۱۴۰۰ق (۱۸ آذر ۱۳۵۸ش) در سن هفتاد و شش سالگی در لبنان درگذشت. پیکر او به نجف اشرف منتقل شد و پس از اقامه نماز به وسیله آیت الله خویی، در یکی از حجره های حرم امام علی (ع) به خاک سپرده شد. آن روز، نجف تعطیل شد.

منابع: جوادعلی الکسار، محمدجواد مغنیه، حیات و منهجه فی التفسیر، ۲۳، ۱۱۲، ۱۵۰؛ محمدجواد مغنیه، شیعه و زمامداران خودسر، ترجمه مصطفی زمانی، ۱۷، ۲۱؛ همان نویسنده، التفسیر الکاشف، ۱۴/۱؛ فصلنامه پژوهش های قرآنی، ش ۲۷ و ۲۸، ص ۲۴۸؛ گروهی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ۴۵۱/۳؛ محمد شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ۲۷۱/۳؛ عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ۹۷۸؛ مهدی احمدی، محمدجواد مغنیه: فقهی نوگرا، ۱، ۳۱، ۵۱؛ بهاءالدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ۲۱۲۴/۲.

هانس کونگ می پردازد به سهم اسلام در تمدن جهانی و چگونگی رشد و پیشرفت سریع آن از آسیا تا آفریقا و اروپا و نقوذ آثار فرهنگی آن ها اعم از فلسفه، الهیات، فرهنگ و ... در اروپا.

بالاخره تاریخ فقه در مذاهب شیعی، سنی، الهیات، عرفان و صوفیگری اسلامی به طور مختصر شرح داده می شود و ضمناً علما و متخصصین مسلمان در رشته های مختلف معرفی می شوند. در پایان مسایل مربوط به مدرنیته و اسلام مطرح می شود و یا نظر به عقاید و فلسفه اسلامی، جواب های مسایل مختلف جستجو شده و امکان رشد و احیاء دوباره اسلام در عصر معاصر مورد بحث قرار می گیرد.

۴- به مبارزه طلبیدن اسلام در عصر حاضر: در این قسمت، نویسنده سعی دارد ضمن نشان دادن جریان های سیاسی و فکری در کشورهای اسلامی، راهی را که رفته اند و یا می خواهند بروند، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد و تحقیق کند که در چه صورت و چه

## پروفسور هانس کونگ



پروفسور هانس کونگ

شرایطی مسلمانان می توانند به رشد و ترقی برسند و هویت خود را دوباره باز یابند. مسئله دیگر مطرح شده اشکال سیاسی مختلف میان مسلمانان است که آیا ظرفیتی برای رشد و ترقی ملت هایشان وجود دارد یا نه؟ مسئله دیگر نزاع های میان اعراب و بیست المقدس است که سال هاست همه مردم را رنج می دهد. نویسنده سعی دارد ضمن شناخت مشکلات سیاسی و عقیدتی و ملی، راهی برای صلح میان آن ها جستجو کند. بالاخره مسایل مربوط به کلام اسلامی و مسیحی مثل تثلیث، پسر خدا بودن مسیح (ع) به صلیب کشیدن مسیح (ع) مطرح شده و با نظر به عقاید هر دو طرف مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

۵- امکانات آینده: نویسنده بعد از شرح همه ابعاد فرهنگ و تمدن اسلامی در قرون متمادی گذشته، میل دارد، جایگاه اسلام در عصر جدید را از نظر ظرفیت و موقعیت و عقایدی که دارد بررسی کند. به این دلیل ابتدا می پردازد به برخورد اسلام و تمدن غرب و مسئله مدرنیته با نظر به اینکه مذهب هنوز در دنیای سکولار زنده و نقش دارد و ...



حسین عسکری

اسلام با اینکه در غرب هنوز برای اکثر مردم و حتی روشنفکران و تحصیل کرده ها شناخته شده نیست، ولی از ظرفیت مادی و معنوی بسیار برخوردار است و در عصر حاضر و آینده نقش مهمی دارد که باید با تجدید نظر در بسیاری از مشکلاتش، دوباره به زندگی خود ادامه دهد و برای پیروان خود، زندگی ارزشمند و مرفهی مهیا سازد. سپس نویسنده می پردازد به معانی سنتی و متجدد دیدگاه های اسلامی و نشان می دهد که در صورت بررسی و تجدید نظر در بعضی از قوانین اسلامی، می توان به پیشرفت و ترقی و حیات جدید اسلام امیدوار بود تا بتواند کنار ادیان

ابراهیمی مسیحیت و یهودیت، سهم خود را در ایجاد صلح جهانی پایدار ایفا کند. او عقیده دارد که مسایل مطرح شده که قابل نقد در اسلام است عبارت است از: حقوق زنان، سیستم های حکومتی و سیاسی، اقتصاد، مسایل اخلاق جهانی و سهم اسلام در آن. چگونگی گفتگوی میان ادیان از دیدگاه اسلام و نسبت اسلام با دموکراسی از دیگر مسایل مورد بحث می باشد.

منبع: انتشارات پی پر (Piper) چاپ دوم ۲۰۰۶ و چاپ اول ۲۰۰۴



جناب آقای غفاری، در آن ایام یک مؤسسه‌ای به نام «مکتبه الصدوق» به راه انداخته و مشغول تصحیح متون بودند. ما چند صفحه از کتاب تحف العقول را که از امهات کتاب شیعه است با هم مقابله کردیم، ایشان هم خداحافظی کردند و رفتند، بعد از اینکه از مدرسه بیرون شدند، من در این فکر رفتم این کار را برگزینم و راه دیگر نروم، زیرا این کار هم جنبه علمی دارد و هم فنی.

من با این کار هم می‌توانم بر معلومات خود بیفزایم و مطالب جدیدی بدست آورم و هر یک کار فنی است و به رموز کارهای علمی و تصحیح و امور چاپ آشنا خواهم شد، از آن لحظه تصمیم گرفتم دنبال این کار بروم و در این مورد با آقای غفاری گفتگویی انجام دهم.

روز بعد از مدرسه بیرون شدم و نزد یکی از دوستان آقای غفاری که در بازار پاچنار نزدیک مدرسه شیخ عبدالحسین مغازه داشت رفتم و از او خواستم با آقای غفاری صحبت کند من در کار تصحیح و مقابله با او کار کنم، گفتم من در میان کارها این کار را بهتر از همه می‌دانم.

او هم تأیید کرد و گفت: این کار برای شما بسیار مناسب است من در این مورد با آقای غفاری صحبت خواهم کرد، او دو روز بعد به من گفت: من درباره پیشنهاد شما با آقای غفاری صحبت کردم او در اصل کار حرفی ندارد.

گفتم از قول من به آقای غفاری بگوئید من از شما چیزی نمی‌خواهم و در نظر دارم این کار را یاد بگیرم و فن تصحیح متون را بیاموزم، ایشان با این شرط که من عنوان استخدام نخواهم داشت و مزایایی دریافت نخواهم کرد پذیرفتند، مقرر گردید من فقط هنگام آمدن کار از چاپ خانه نزد ایشان بروم و نمونه‌های چاپی را با ایشان مقابله نمایم و کار دیگری انجام ندهم.

ما کار تصحیح متون را از کتابفروشی صدوق در سال ۱۳۴۴ شروع کردیم، آقای غفاری بعد از چاپ تحف العقول تصحیح کتاب کافی تألیف ابوجعفر کلینی را آغاز کردند و من در حقیقت کار خود را از تصحیح کافی شروع کردم. جلد اول فروغ کافی با تصحیح آقای غفاری چاپ شده و آماده نشر گردید.

آقای غفاری که مردی پرکار و در تصحیح بسیار ماهر و امین بود، از روش کار من راضی بود و دریافت که در انجام کارها دقیق هستم، او به من گفت در کتاب اغلاطی مشاهده می‌شود، شما غلطه نامه‌ای برای این کتاب بنویسید تا در پایان کتاب چاپ شود.

کتاب فروغ کافی در پنج مجلد و یک جلد

هم روزه کافی با تصحیح آقای غفاری به چاپ رسید و من هم در این کار با او هم کاری داشتم و همچنین در تصحیح و مقابله این کتابها با کتب خطی موجب گردید تا من با مخطوطات آشنا شدم، در حقیقت من از سال ۱۳۴۴ با مخطوطات سروکار داشتم و در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی با نسخ گوناگون کار کردم، و تاکنون در صدها کتابخانه در ایران و کشورهای دیگر روی این موضوع تحقیق نموده‌ام.

## زندگی خود نوشت مرحوم عطار دی

# عشق به تحقیق



از معارف و علوم اسلامی بهره‌مند گردیده و با فقه، حدیث، ادب و فرهنگ اسلامی آشنایی داشتم و استادان دانشمند و محقق و وارسته را دیده بودم.

به کارهای تحقیقاتی سخت دل بسته بودم و با عشق و شور و نشاط دنبال کار را گرفتم، تمام زندگی من به مطالعه و رفت و آمد با رجال علم و فضیلت سپری می‌گردید و در مجالس و محافل بزرگان حوزه‌های علمیه و دانشگاه و مراکز فرهنگی شرکت می‌کردم و به مصداق «خذ العلم من افواه الرجال» عمل می‌نمودم، و اطلاعات لازم را بدست می‌آوردم و در خواندن متون مشکل از دانشمندان استفاده می‌نمودم.

در این مدت شش سال با منابع و مأخذ آشنا شدم و روش کار را پیدا کردم و دریافتیم که برای فلان موضوع باید به چه کتابی مراجعه نمایم و مطلب درست را در کجا بیابیم، و برای درک حقایق نزد کدام عالم بروم، این جریانها موجب گردید که با فضلاء و علماء تهران و

من تا سال ۱۳۴۰ با آقای غفاری و با بطور مستقل به تصحیح متون علمی از عربی و فارسی ادامه دادم و از آن پس به تألیف کتاب پرداختم، در این مدت شش سال با کتابخانه‌های مشهور تهران ارتباط برقرار کردم و با مخطوطات فارسی و عربی مأنوس بودم و با رجال علم و ادب هم به گفتگو نشستیم.

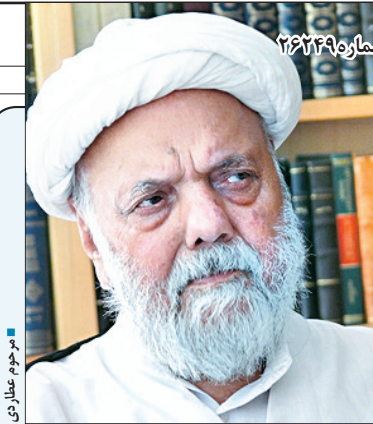
در شهر تهران کتابخانه‌های متعددی از خصوصی و عمومی در محلات و مراکز فرهنگی بود و من در آنجا مطالعه می‌کردم و یادداشت بر می‌داشتیم درست به خاطر دارم گاهی هنگام مقابله متون که با مرحوم استاد علی اکبر غفاری انجام می‌دادم، اختلافاتی در نسخ پدید می‌آمد و باید روی آن تحقیق می‌گردید.

آقای غفاری متن مورد اختلاف را به من می‌دادند و می‌فرمودند به کتابخانه ملک و یا سپهسالار و یا مجلس بروید، در آن جا نسخه‌ای از این کتاب هست، این متن را با آن نسخه هم مقابله کنید، من مکرر این کار را انجام می‌دادم

\* گفتند: خرس تخم می‌گذارد یا بچه می‌کند؟  
گفت: از این دم بریده هر چه بگویی بر می‌آید!  
\* گفتند: عزرائیل بچه تقسیم می‌کند. گفتیم: بچه ما را نبرد بچه تقسیم کردن پیشکشش!  
\* گفتند: کوه دماوند زایید. یک موش از تَهش درآمد!

\* گفتند: کی آمدی؟ گفت: پس فردا گفتند: پس فردا که هنوز نیامده است. گفت: من دست پیش می‌زنم که پس نیفتم!  
\* گفت: نوری خانه است؟ گفتند: دختر نوری خانه است. گفت: نور علی نور!  
\* گفتی باور کردم، اصرار کردی شکم ور داشت، قسم خوردی فهمیدم دروغ است!  
\* گفتیمان، نگفتیمان، زبانم که نسوخت!  
\* گلاب ریزد اما بوی از وی نریزد  
\* گلاب گل بیابانی بویاتر است.

\* گل از خار است و ابراهیم از آزر.  
\* گل از دهن بلبل آب می‌خورد.  
\* گل بریزد به وقت سیرابی.  
\* گل بسی دیر نماند چو شد از خار جدا.  
\* گل بود، به سبزه نیز آراسته شد.  
\* گل به بوستان می‌برد و شکر به خوزستان!  
\* گل بی خار جهان مردم صاحب هنرند.  
\* گل بی خار نچیده است کسی.  
\* گل بی رخ یار خوش نباشد.  
\* گل بی عیب خداست.  
\* گل بی کاه و مرد بی پایه، مثل یک تاجری است بی‌مایه!  
\* گل پشت و رو ندارد.  
\* گل خشک به دیوار نمی‌چسبید.  
\* گلخن به دانا گلشن شود.  
\* گلخن با دوستان گلشن است.



محققان و نویسندگان آشنا شوم و از نظریات آنها سود برم.

من کار خود را از حدیث شروع کردم و یک دوره کتاب فروغ کافی را که در پنج مجلد چاپ گردید با نسخ گوناگون مقابله نمودم و چند بار نمونه‌های چاپی آن را خواندم، درست در خاطرم هست گاهی محقق محترم آقای غفاری فرمهای چاپخانه را به من می‌داد و می‌فرمود: این‌ها را به اطاعت در مدرسه ببر و با دقت مطالعه کن و غلط‌های چاپی آن را بگیر.

مرحوم غفاری بعد از چند سال که با او همکاری داشتم به من اعتماد می‌کرد و فرمها را در اختیار من می‌گذاشت، هنگام مقابله متون به من می‌فرمودند: شما بخوانید و من اغلاط چاپی را اصلاح می‌کنم، کارها در کتابفروشی صدوق در سرای اردیبهشت بازار تهران انجام می‌گرفت.

از طریق تصحیح متون نخست با کتب حدیث آشنا شدم و بعد با کتب رجال و شرح حال راویان و خصوصیات آنها مأنوس گردیدم و در موارد نیاز به این کتب برای تصحیح اسناد مراجعه می‌کردم، از این طریق با کتب جغرافیایی آشنایی پیدا کردم، زیرا هنگام اختلاف در یک مکان جغرافیایی که ضبط آن توسط ناسخان تغییر پیدا کرده بود مراجعه می‌کردم تا صحت آن را دریابم.

از طریق تصحیح متون با کتب لغت و غریب الحدیث‌ها آشنا شدم، تا یک واژه نادر را که در یک حدیث آمده شرح و تفسیر نمایم، از این طریق به کتب تاریخی و شرح حال یکی از رجال علم و ادب مراجعه کردم تا از یک حقیقت تاریخی و یا شرح که در یک متن از او نام برده شده اطلاعاتی در پاورقی بیاورم.

من همه این معلومات را از تصحیح متون حدیث بدست آوردم و پایه همه تحقیقات و تألیفاتم حدیث بوده و از این طریق با اصول و مبانی و معارف علمی و اسلامی آشنا شدم و به تحقیقات خود ادامه داده و می‌دهم، مخصوصاً در شناخت مخطوطات که این کار خود را از حدیث آغاز نمودم و نخستین کارم روی متون خطی حدیث بود.

ادامه دارد

\* گل در دامن خار است و زر در کیسه خارا.  
\* گل را باش گلدان را باش، یخ را باش یخدان را باش، دیزی بیار جیزه ببر!  
\* گل راضی، بلبل راضی، باغبان ناراضی.  
\* گل را که به دیوار می‌زنی اگر بند نشود به دیوار می‌ماند.  
\* گل زن و شوهر را از یک تغار برداشته‌اند.  
\* گلشن با بی‌خردان گلخن است.  
\* گل کاغذین بوی ندهد.  
\* گل مپندار که بی‌زحمت خاری باشد.  
\* گل من، بلبل من، رفته به خواب.  
\* گل نه‌ای، سرور نه‌ای، لیک به طرز گل و سرو خویش را سرخ کله سبز قبا ساخته‌ای!  
\* گل نیستی خار هم مباش  
\* گل و خار و غم و شادی به همند.  
\* گلوله اجل چهل گز قد و بر دارد.





३९५४